

اسناد

پلنوم مهر ماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archives.com

فهرست

- ۱ - اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی درباره و تشکیل پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲
- ۲ - گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) ۵
- ۳ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه ۷
- ۴ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی ۱۵
- ۵ - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۹
- ۶ - اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر ۳۵
- ۷ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم ۵۴
- ۸ - قطعنامه درباره اوضاع جهان ۵۸
- ۹ - قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ۶۱
- ۱۰ - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۶۴
- ۱۱ - قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ئی و وظایف ما ۶۶
- ۱۲ - برنامه ما برای جبهه متحد خلق ۷۱
- ۱۳ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به
مردم ایران ۷۶
- ۱۴ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به
کمیته مرکزی حزب توده ایران ۸۱
- ۱۵ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به
اعضا و هواداران ۸۴
- ۱۶ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به
مردم جهان درباره زندانیان سیاسی ایران ۸۹
- ۱۷ - پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۹۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مهر ماه ۱۳۶۳ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل گردید و طبق دستور، همه وظایف پیش بینی شده را پیروزمندانه به انجام رسانید.

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی توسط رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی مشتمل بر موارد زیر به اطلاع پلنوم رسید:

۱ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه

۲ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی

۳ - در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۴ - اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر

۵ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

۶ - پلنوم پسران شنیدن گزارش قرار انتشار آنرا صادر کرد.

۷ - پلنوم همچنین ۴ قطعنامه بشرح زیر تصویب کرد:

۱ - اوضاع جهان

۲ - انقلاب ایران و ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی

۳ - خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۴ - اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظایف ما

این قطعنامه‌ها خطوط اصلی و محوری ارزیابی‌ها، سیاست و خط مشی سازمان را معین میکنند.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران به مثابه شالوده اتحاد بزرگ نیروهای خلق اهمیت جدی قائل شد و بر ضرورت آن تأکید کرد. پلنوم وظایف مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور در جبهه متحد خلق به منظور پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل یک دولت ملی و دموکراتیک را معین کرد و برنامه پیشنهادی سازمان برای این جبهه را تصویب و قرار انتشار آن را صادر نمود.

پلنوم همچنین قرارداهای لازم را در باره اصول کار سازمانی در شرایط خفقان حاکم بر کشور تصویب کرد و تدابیر مربوط به حفاظت کادرها و شاخه‌های تشکیلات را مورد تأیید قرار داد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سپس به بحث درباره پذیرش اعضاء و مشاورین تازه و ترمیم کمیته مرکزی پرداخت و در این باره تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم همچنین هیات سیاسی و هیات دبیران کمیته مرکزی را برگزید و رفیق فرخ نگهدار را مجدداً به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب کرد.

پلنوم در پایان کار خود پیام‌های زیر را صادر کرد.

— پیام به مردم ایران

— پیام به حزب توده ایران

— پیام به اعضاء و هواداران سازمان

— پیام به زندانیان سیاسی ایران

— پیام به مردم جهان در باره زندانیان سیاسی ایران

پلنوم مهر ماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تمام تصمیمات فوق را با اتفاق آراء و در فضائی رفیقانه و سرشار از وحدت فکری و سیاسی اتخاذ کرد. پلنوم انسجام فکری و وحدت ایدئولوژیکی دستگاه رهبری سازمان را تقویت کرد.

مصوبات پلنوم مهر ماه ۱۳۶۳ در گسترش وحدت ایدئولوژیکی و سیاسی در سازمان، در ارائه ارزیابی صحیح از روند انقلاب ایران و ارائه خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما و در تقویت مواضع جنبش کمونیستی و کارگری ایران بی‌گمان نقشی تاریخی و بس مهم ایفا کرده است. مجموعه مصوبات پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) راهنمای خلاق و کارساز طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن در مبارزه علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم، برای صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ آبان ماه ۱۳۶۳

گزارش هیات سیاسی

به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایطی برگزار میشود که ارتجاع حاکم مین ما را عرصه یک تازیانه‌های جنون آمیز خود ساخته است. انقلابیون و مین پرستان، به وحشیانه‌ترین شکل شکنجه و کشتار می‌شوند. اختناق بیسابقه‌ای بر سراسر کشور سایه انداخته و ادامه لجوجانه و بی‌ثمر جنگ، کشور را ویران، جوانان را قتل عام و اقتصاد کشور را از هم گسیخته است. پلنوم در شرایطی برگزار می‌شود، که سرمایه‌داران و ملاکین بزرگ فراری و انحصارات امریالیستی غارتگر، باز میگردند و در پناه حکومت، غارت و چپاول بی‌امان محرومان و زحمتکشان را با خشونت نفرت انگیزتر از سر می‌گیرند. اینها همه نشان آنست که انقلاب شکوهمند و عظیم بهمن ۵۷ علیرغم همه جانبازیها و زحمات توده‌های مردم، به علت خیانت رهبران جمهوری اسلامی، نتوانسته است به اهداف والای خود دست یابد. این خیانت کردیم به سفره زحمتکشان مین پاشیده و زندگانی را بر توده‌ها تیره و تار ساخته است. آیت الله خمینی که زمانی در راس انقلاب قرار داشت، مدتهاست علیه آن برخاسته و علیه توده‌های مردم زحمتکش و به نفع سرمایه‌داران عمل می‌کند. اما رفقا امروز رشد جنبش اعتراضی و قدبرافراشتن و قوت گرفتن نیروهای انقلابی، امید به پیروزی و پیروزی را در وجود ما تقویت می‌کند. رژیم علیرغم بکار گرفتن جنایتکارانه‌ترین روشها برای نابودی سازمانهای انقلابی، نه تنها موفق نشد این دژهای مردم را درهم بشکند، بلکه انقلابیون راستین موفق شده‌اند در زیر بار سنگین فشارهای جنون آمیز رژیم صفوف خود را استوار سازند و با اقبال و آغوش باز توده‌های مردم زحمتکش روبرو گردند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امروز علیرغم اینکه دشمن دهها تن از بهترین کادرهای مجرب و غده‌ای از اعضای کمیته مرکزی را از آغوش خلق ربوده و بسیاری از آنان را در زیر شکنجه‌های ددمنشانه و جنون آمیز به شهادت رسانده است.

افتخار آنها دارد که نه تنها توانسته است در برابر سنگین‌ترین یورشهای ارتجاع بایستد، و از موجودیت انقلابی خود پیروزمندانه پاسداری کند، بلکه توانسته است هم‌دوش و همراه با یارهمرزمش حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران و سنگر استوار دفاع از سوسیالیسم و انقلاب در میهن ما تعرض علیه رژیم را آغاز کند و با استواری و پیکیری آن را گسترش دهد.

برگزاری پلنوم کمیته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خود نشان پیروزی ما در یک مزخله از نبرد علیه ارتجاع حاکم است. تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما، که با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تمام اعضاء هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی حاضر در پلنوم ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ گشایش می‌یابد، خودفی‌نفسه نشان آنست که علیرغم سیاهکاریهای رژیم و سردمداران خائن آن، جنبش انقلابی طبقه کارگر و همه خلقهای ایران توانمند است و روبه‌گسترش می‌رود. برگزاری پلنوم نشان بارز قدرت ما و ضعف و زبونی دشمنان ما در رسیدن به اهداف ضد خلقی و ارتجاعی شان است. من به نوبه خود و از سوی شما رفقای شرکت کننده در پلنوم، این پیروزی بزرگ جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران را به همه اعضا و هواداران سازمان و به همه مبارزان راستین راه طبقه کارگر ایران تبریک می‌گویم.

رفقا!

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی را به ترتیب زیر به اطلاع می‌رسانم.

- ۱ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه
- ۲ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳ - در باره غلطی‌ها، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۴ - اوضاع سیاسی کشور در حاکمیت
- ۵ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

نگاهی به اوضاع جهان و منطقه

رفقا!

حادثه‌ترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر شعله و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستاوردهای تمدن بشری را نشانه گرفته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پی‌ریزی شالوده‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جهل و بیسوادی، فقر و تنگدستی و تامین رفاه و آسایش انسانها تنها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد باحیاتی‌ترین مسئله جهان امروز دو سیاست کاملاً متضاد دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، استحکام مبانی صلح و تامین حق حاکمیت و آزادی خلقها مجدانه تلاش می‌کنند. درحالیکه ارتجاعی‌ترین جناحهای امپریالیستی بسرکردگی محافل میلیتاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، به مسابقه تسلیحاتی و تشنج بین المللی دامن می‌زنند و جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را پایمال می‌کنند.

بنابه تصمیم پیمان ناتو، موشکهای هسته‌ای میان برد در اوائل سال ۱۹۸۴ بر خلاف اراده اکثریت مردم اروپا و علی‌رغم اعتراض جهانی درخاک جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و ایتالیا استقرار یافت. قصد امپریالیسم در استقرار این موشکها که می‌توانند تا اعماق ارضی اتحاد شوروی نفوذ کنند، وارد آوردن نخستین ضربه به کشورهای سوسیالیستی است. دولت ریگان برای کسب «پیروزی نهایی» در جنگ هسته‌ای برنامه‌های وسیعی برای تکمیل تسلیحات آمریکا تدارک می‌بیند که در آن ایجاد سیستم‌های تازه دفاع ضد موشکی مدرنیزه و تکمیل کردن تمام تسلیحات و در درجه اول تسلیحات استراتژیک پیش بینی شده است. بهمین منظور تهیه، آزمایش و استقرار صدها موشک

قاره پیمای «ام ایکس» زیردریایی ترابندت هزاران راکت بالدار و دور پرواز، هواپیما-های استراتژیک و غیره در دستور قرار گرفته است. آمریکا کارزار مسابقه تسلیحاتی را به فضای کیهانی نیز گشانده و برنامه وسیعی برای تهیه موشکهای ضد ماهواره‌ای تدارک دیده است. بهمین منظور بودجه نظامی آمریکا از ۱۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به ۲۸۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است و طی پنج سال آینده (سالهای ۸۹ - ۱۹۸۵) اعتبارات نظامی به میزان دو تریلیون دلار خواهد رسید. این رقم تقریباً برابر است با بودجه‌ای که پنتاگون طی سی و پنج سال پس از جنگ جهانی دوم بمصرف رسانده است. علاوه بر آن آمریکا به متحدین خود در ناتو فشار می‌آورد تا هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهند.

مقامات جنگ افروز آمریکائی مدتهاست که از امکان جنگ محدود حتی بلند مدت هسته‌ای سخن می‌رانند. آنان طرح جنگ هسته‌ای و مثنی میلیتاریستی خود را به مثابه واکنش در برابر خطر موهوم از جانب اتحاد شوروی و بمنزله مسلود کردن درجه‌های آسیب پذیری در دفاع از ناتو قلمداد می‌کنند.

دولت ریگان در تکمیل سیاستهای جنگ افروزانه خود، شبکه گسترده‌ای از پایگاهها و تاسیسات نظامی در مناطق استراتژیک جهان ایجاد کرده است. در حال حاضر آمریکا بیش از ۱۵۰۰ پایگاه و تاسیسات نظامی در ۲۲ کشور جهان دارد که بخش اعظم آنها در نزدیکی سرحدات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. واشنگتن برای سرهم‌بندی کردن پیمانهای نظامی جدید تلاش وسیعی را آغاز کرده است. ریگان در طی مسافرت خود به کره جنوبی و ژاپن برای ایجاد پیمان سه جانبه واشنگتن - توکیو - سئول وارد مذاکره شد.

امپریالیسم آمریکا برای تلاشی جنبشهای رهاییبخش و برای سرنگونی حکومتهای ملی و مترقی و تحمیل نظم مورد پسند واشنگتن به آنان، تجاوزات خود را در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و مناطق دیگر جهان تشدید کرده است. در سال گذشته سربازان آمریکائی بحریم گرانادا که قلمرو آن تقریباً سی‌هزار برابر کوچکتر از آمریکاست یورش آوردند و حاکمیت ملی گرانادا را وحشیانه لگدمال کردند. حکومت مترقی این کشور را که بسود زحمتکشان اقدامات بنیادی انجام داده بود، سرنگون کردند و حکومت سرسپرده آمریکا را جایگزین آن ساختند. امپریالیسم آمریکا با این اقدام راهزانه نشان داد که به هیچیک از موازین و مقررات بین المللی یای بند نیست و هر جا که فرصت پیدا کند بعنوان ژاندارم جهانی بخود اجازه می‌دهد که علیه کشورهای از بندرسته لشکرکشی کند و حتی آشکارا آنها را به اشغال خود در آورد. در نیکاراگوئه نیز دولت ریگان برای سرنگونی دولت انقلابی و بازگرداندن دیکتاتور دست نشانده خود بهر دسیسه‌ای متوسل می‌شود. امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن، مردم السالوادور را که برای رهایی از جور و ستم حکومت دیکتاتوری پیا خاسته‌اند، با شقاوت تمام آماج مسلسل‌ها و بمب‌های ناپالم خود قرار می‌دهد.

امپریالیسم آمریکا و متحدین آن با کسب تفنگداران خود به لبنان، به‌مراه رژیم صهیونیستی اسرائیل، این کشور را هدف تجاوز مستقیم خود قرار دادند. آنها جنگ اعلان شده علیه انقلاب ثور افغانستان را رهبری و سالانه صدها میلیون دلار هزینه آن را تأمین می‌کنند.

رویدادهای مختلف جهان حاکی از آنست که بحران عمومی سرمایه‌داری حلت می‌یابد. تضادهای درونی اردوگاه امپریالیستی در گستره‌های مختلف اقتصادی و سیاسی تشدید می‌شوند. دولت ریگان که نماینده ارتجاعی‌ترین گروه بندیهای آمریکاست، تلاش می‌کند با طرح افسانه «خطر شوروی»، متحدین خود را در ناتو تابع اراده خود سازد. ارتجاعی‌ترین جناح‌های امپریالیستی در کشورهای اروپا با سیاست‌های ریگان همراهی می‌کنند. ولی با این حال تضادهای عمیقی دنیای سرمایه‌داری را از هم جدا می‌کند و بحرانهای عمومی و ساختاری بر جوامع امپریالیستی سنگینی می‌کند.

در سالهای اخیر نبرد بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در عرصه‌های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولی تشدید شده است. کشمکش میان آمریکا و ژاپن که از جمله در نتیجه سرازیر شدن کالاهای ارزان قیمت ژاپن به آمریکا است، حدت می‌یابد. از سال ۸۰ تا سال ۸۴ نرخ مبادله دلار نسبت به پول ۲۳ کشور طرف معامله آمریکا ۲۲٪ افزایش یافته است. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا به اختلاف جلی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته منجر گردیده است.

سه مرکز سرمایه‌داری برای مقابله با سوسیالیسم و جنبشهای رهاشبخش تلاش می‌کنند که بر تضادهای خود غلبه کنند و فعالیتهای خود را هماهنگ سازند. سران هفت کشور عمده سرمایه‌داری ملاقات مقطعی از جمله در ویلیامزپورگ و لندن داشتند. این ملاقات و ملاقاتهای سران دول «جامعه اقتصادی اروپا» نتوانسته است به نزاع میان سه مرکز عمده سرمایه‌داری خاتمه دهد. دولت ریگان به قیمت قراردادن جهان در لبه پرتگاه جنگ و به قیمت و خامت زندگی زحمتکشان آمریکا و بزیان اروپای غربی و ژاپن و سر ضد کشورهای در حال رشد، میخواهد بر بحران اقتصادی آمریکا غلبه کند. لیکن این تلاشها نتوانسته است از تمیق و گسترش بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه‌داری و بحران ساختاری آن جلوگیری کند. در بسیاری از رشته‌ها و شاخه‌های اقتصادی بحران همچنان حاکم است، بیکاری تشدید یافته و کسری بودجه افزایش می‌یابد.

شمار بیکاران در سال ۱۹۸۳ در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته به رقم بیسابقه ۳۲ میلیون نفر رسید. این رقم ۸۵ درصد نیروی کار این کشورها را تشکیل می‌دهد. در انگلستان تعداد بیکاران در مرداد ماه امسال به رقم ۳۱۱۵ میلیون نفر که ۱۳ درصد نیروی کار را شامل می‌شود رسید. در این کشورها، سرمایه انحصاری بر حقوق و منافع زحمتکشان یورش می‌آورد و فشار بر اتحادیه‌های کارگری را تشدید می‌کند. در این کشورها دولت‌ها مرتباً می‌کوشند از سهم کارگران و زحمتکشان از درآمد ملی و از

هزینه‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزش و پرورش، بهداشت عمومی، بیمه‌های اجتماعی و خانه سازی و کمک بیکاران بکاهند و بر هزینه‌های تسلیحاتی بیفزایند.

بحران جهان سرمایه‌داری و سیاست‌های دولت ریگان موجب شده است که کشورهای درحال رشد با بحرانهای جدی مواجه گردند بگونه‌ای که در برخی از این کشورها بویژه کشورهای آمریکای لاتین تورم بدرقم دویست درصد رسیده و بخش وسیعی از نیروی کار از تولید رانده شده و زندگی زحمتکشان به فقر و فلاکت بیشتری بگراید.

درست است که بر اثر تشدید مشی جنگ افروزان به رهبری هارترین جناح‌های امپریالیسم جهانی، تشنج در سطح جهان افزایش می‌یابد و این افزایش تشنج نگرانی جدی تمام نیروهای صلح طلب و ترقیخواه جهان را موجب شده است. ولی این نگرانیها نمی‌تواند امید و اعتماد بشریت را برای جلوگیری از آتش افروزیها و راهزنی‌های امپریالیسم از بین ببرد. امروز نبرد سختی بوسعت جهان، ما بین دو مشی جنگ افروزان و صلح طلباندر جریان است. دریکسوی این جبهه نبرد انحصارات صنعتی - نظامی و «باز»های نظامی - سیاسی هستند که بلحاظ تاریخی راه زوال می‌پیمایند و در سوی دیگر جبهه، نیروی سدعا میلیونی قرار دارند که دارای نقطه اتکا مستحکم و بر قدرت در سیمای کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی می‌باشند. امروز جنبش نیرومند صلح بانکای نیروی پرتوان سوسیالیسم طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، جنبش‌های رهائیبخش و ملل رها یافته چون سدی استوار در مقابل تجاوزات و ماجراجوییهای امپریالیسم ایستاده‌اند.

سوسیالیسم جهانی بمشابه تکیه‌گاه عمده صلح جهانی کوشش‌های بیگیر و موثری را برای پایان بخشیدن به مسابقه لجام گسیخته تسلیحاتی به پیش می‌برد. کشورهای سوسیالیستی با احساس مسئولیت عمیق برای تامین صلح جهانی تاکنون پیشنهادهای متعدد و سازنده‌ای را ارائه داده‌اند. اتحاد شوروی در زمینه کاهش نیروهای پیمان ناتو و ورشو، ایجاد مناطق آزاد از سلاح هسته‌ای در اروپا و دیگر نقاط جهان، نابود ساختن سیستم‌های ضد ماهواره‌ای موجود، عدم پیشدستی در کار برد سلاح هسته‌ای، کاهش تسلیحات تا مرحله نابودی کامل آن و دهها پیشنهاد دیگر برای دفع بلیه جنگ هسته‌ای ارائه کرده است. اتحاد شوروی برای حصول به توافق و برای نشان دادن انعطاف يك سلسله تعهدات یکجانبه را پذیرفت. پیشنهادها و ابتکارات اتحاد شوروی وسیعا مورد استقبال مجامع بین المللی قرار گرفت. ولی دولت ریگان همه پیشنهادها را بی‌پاسخ گذاشته و همچنان درصدد کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی است. امروز اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی از آنچنان توازن اقتصادی، علمی و تکنیکی برخوردار هستند که به امپریالیسم اجازه ندهند توازن نظامی استراتژیک موجود را بسود خود برهم زند.

اقدام ماجراجویانه و جنگ افروزان دولت ریگان در زمینه استقرار موشکهای میان برد آمریکا در اروپا، وردهرگونه پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی در مورد این

مساله حیاتی خشم توده‌های بسیار وسیعی را در جهان برانگیخته است. در اروپا سده‌ها هزار نفر مخالفت خود را با استقرار موشکها در اروپا اعلام می‌کنند. ۷۴٪ درصد مردم جمهوری فدرال آلمان ۷۵٪ اهالی انگلستان و ۷۹٪ مردم بلژیک مخالف استقرار موشکهای آمریکا در اروپا هستند. دولت سوئد، یونان و پارلمان دانمارک مخالفت خود را با سلاحهای هسته‌ای و استقرار موشکهای آمریکا اعلام کرده‌اند. در خود آمریکا مقاومت در مقابل سیاستهای آمریکا افزایش می‌یابد. چهار پنجم آمریکائی‌ها از پیشنهاد متوقف کردن تولید و استقرار سلاحهای هسته‌ای پشتیبانی می‌کنند. امروز جنبش صلح نه تنها بلحاظ جغرافیائی گسترش می‌یابد، بلکه طیفهای جدیدی از نیروی اجتماعی و سازمانهای بین المللی را نیز در برمی‌گیرد. شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس جنبش عدم تعهد که در سال ۱۹۸۳ در دهلی برگزار گردید، مشی نظامی - سیاسی امپریالیسم جهانی را محکوم کردند. میان بسیاری از دولت‌ها و محافل گسترده اجتماعی این فکر هرچه بیشتر قوت می‌گیرد که مبارزه در راه امنیت منطقه‌ای بنویه خود حائز سهم مهمی در مبارزه برای امنیت جهانی است.

جنبه جهانی ضد امپریالیستی و سوسیالیسم جهانی به کامیابها و پیروزیهای بازم بیشتر دست می‌یابند. در کشورهای سوسیالیستی اقتصاد با رشد موزون و بدون بحران پیش می‌رود. سیستم سیاسی سوسیالیسم گسترش می‌یابد و دموکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کند. زندگی زحمتکشان بر اثر پیشرفتهای اقتصادی بهبود بیشتری می‌یابد. از بیکاری و تورم نشانی دیده نمی‌شود. هر سال درآمد مردم افزایش می‌یابد. در کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» که تقریباً ۱۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. هم اکنون ۲۳٪ محصولات صنعتی و ۲۰٪ محصولات کشاورزی جهان تولید می‌شود. در این کشورها درآمد ملی در فاصله ۸۲ - ۱۹۵۰ ۸۵ برابر، تولید صنعتی ۱۲ برابر و تجارت خارجی ۳۰ برابر افزایش پیدا کرده است. نرخ رشد تولیدات صنعتی در کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» ۱۹۶ برابر بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته است. در اتحاد شوروی تولید صنعتی از مرز ۲۰٪ تولید صنعتی جهان گذشته است. در برنامه جدید اتحاد شوروی تدابیر جدی برای افزایش تولید کالاهاى مورد نیاز مردم، گسترش دامنه تنوع کالاها و بهبود کیفیت آنها اتخاذ گردیده است. در کشورهای سوسیالیستی شرایطی فراهم شده است که مردم به آینده زندگی خود با اطمینان می‌نگرند در این جوامع شرایط هرچه بیشتر برای رشد همه جانبه شخصیت انسانی فراهم شده است.

در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته مبارزه طبقاتی کارگران حلت بیشتری می‌یابد. از ژانویه تا اواسط ۱۹۸۴ تعداد شرکت کنندگان در اعتصابات و تظاهرات کارگری در این کشورها به رقم هشت میلیون نفر رسیده است. اعتصاب چندین ماهه معدنچیان در انگلستان و پشتیبانی «گنگره اتحادیه‌های انگلستان» از آنان، و مقاومت حماسی کارگران در مقابل یورش پلیس، تأثیرات عمیق بر جنبش کارگری بریتانیا گذاشته است. مبارزه کارگران در جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، اسپانیا، بلژیک، ایتالیا و آمریکا

علیه انحصارات علیه بیکاری فزاینده و بخاطر کاهش ساعات کار روبه گسترش است. گستردگی جنبش اعصابی کارگران، رادیکالیزه شدن خواسته‌های تشکلهای کارگری، نشان می‌دهد که تقابل طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته با انحصارات تشدید می‌شود. در کشورهای تحت سلطه مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی گسترش می‌یابد. رژیمهای دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل می‌شوند و تکیه‌گاههای خود را از دست می‌دهند. در شیلی ارکان رژیم دیکتاتوری پینوشه سست شده و مردم وسیعاً در تظاهرات ضد رژیم شرکت می‌جویند. مردم السالوادور در مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا موفقیت‌های جدیدی بدست آورده‌اند. در آرژانتین، بر اثر اعتراضات توده‌ای رژیم «خونتا» برکنار شده و روند دمکراتیزه شدن حیات سیاسی کشور پیش می‌رود. در بنگلادش، مردم وسیعاً در تظاهرات علیه حکومت نظامی شرکت جستند و خواستار برکناری دیکتاتور نظامی و برگزاری انتخابات آزاد هستند. در فیلیپین، جنبش توده‌ای علیه حکومت دست‌نشانده مارکوس روز بروز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. در نامیبیا و در خود آفریقای جنوبی مبارزه مردم علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی که تکیه‌گاه عمده نواستعمار در جنوب آفریقا است، ابعاد جدید بخود گرفته است.

در کشورهای رهائی یافته، مردم علیه توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و برای پی‌ریزی جامعه نوین مبارزه می‌کنند. دولت جوان نیکاراگوئه علیه تحریم اقتصادی و تحریکات نظامی آمریکا مبارزه می‌کند. دولت آنگولا در مقابل تجاوزات رژیم آفریقای جنوبی ایستاده است. اتیوپی اینک با تشکیل «حزب کارگر اتیوپی» با گامهای استوار بسوی سوسیالیسم پیش می‌رود.

رفقا!

امپریالیسم آمریکا منطقه خاور میانه را که بعد از جنگ جهانی دوم کوره ملتهب حوادث و بحرانیها بوده، بعنوان جزئی از منافع حیاتی خود اعلام کرده است. آمریکا برای سرکوب جنبشهای رهایبخش و جهت حفظ تسلط خود بر «انبار نفت دنیا» یعنی خلیج فارس نیروی واکنش سریع با بیش از ۲۰۰ هزار نفر تشکیل داده و قصد دارد در آینده نزدیک، عده آنرا به دوبرابر برساند. این نیرو آماده است در صورت بروز تهدیدی به منافع آمریکا در خاور میانه و از جمله در خلیج فارس، مستقیماً مداخله نماید. بدنبال تشکیل این نیرو، آمریکا برای تلافی شکست‌های گذشته و تقویت اعتماد متزلزل حکام مرتجع به قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا و برای مسلود ساختن راه انقلابهای جدید «فرماندهی مرکزی» (سنتکوم) را بوجود آورد. مناطق تحت فرماندهی این مرکز ۱۹ کشور آسیائی-آفریقائی و منطقه خاور میانه، خلیج فارس و قسمت وسیعی از اقیانوس هند را شامل می‌شود. مقامات آمریکا ضمن توسعه پایگاه دیه‌گوکارسیا تاسیسات نظامی جدیدی در کشورهای عمان، سومالی و کنیا بوجود آورده‌اند، به موازات برجسته‌تر شدن نقش خاور میانه در طرح‌های استراتژیک امپریالیسم، آمریکا به کمک‌های نظامی و اقتصادی

خود به دولت صهیونیستی اسرائیل جهت توسعه نقش ژاندارمی آن افزایش داده است. دولت ریگان، صهیونیستهای اسرائیل و ارتجاع عرب تلاشهای خود را برای تضعیف و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین به تسلیم و ادراک کردن دولت سوریه و پیشبرد «طرح کمپ دیوید» شدت بخشیده‌اند. ولی بر اثر پیکار سرسختانه میهن پرستان لبنان و رزمندگان فلسطینی و ایستادگی و پایداری دولت سوریه، آمریکا و متحدین آن مجبور شدند خاک لبنان را ترک کنند و قرارداد ننگین اسرائیل - لبنان ملعی اعلام گردد و تلاش - های نیروهای مترقی لبنان و اعراب بر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب و برای تشکیل دولت ائتلافی به نتیجه برسد. خروج سربازان آمریکا و متحدین آن از لبنان و ابطال قرارداد لبنان - اسرائیل، يك پیروزی تاریخی برای مردم لبنان و خاور میانه و يك شکست مفتضحانه برای امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل بشمار می‌آید.

امپریالیسم آمریکا با دامن زدن به جنگ فرسایشی و خانمان برانداز ایران و عراق به حضور نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان توسعه می‌بخشد و با دستاویز قرارداد امنیتی کشتی رانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می‌سازد. وضع در خلیج فارس با ادامه جنگ وخیم‌تر می‌شود.

دولت ریگان و ارتجاع منطقه، به باندهای خرابکار جهت کشتار مردم بیگناه افغانستان پول و اسلحه می‌دهند. آمریکا کمک خود را در سال ۱۹۸۴ به ضد انقلابیوس دو برابر کرد. با این حال علیرغم دشواریهای عظیمی که زائیده دسائس امپریالیسم، ارتجاع منطقه و ارتجاع داخلی است. انقلاب در افغانستان با موفقیت به پیش می‌رود. پایگاه خود را مستحکم می‌سازد و به دستاوردهای جدیدی نائل می‌آید و با کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سیربی‌بازگشت را می‌پیماید.

واشنگتن برای جبران خلا ایجاد شده بر اثر انقلاب ایران، در منطقه خلیج فارس، دولت‌های ارتجاعی ترکیه، پاکستان و عربستان را مرتباً تقویت کرده و سیل اسلحه را به این کشورها سرازیر می‌کند. ترکیه هم‌اکنون به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده است. نزدیک به ۶۰ پایگاه در ترکیه توسط آمریکا ساخته شده که وسیعاً مورد استفاده نیروهای واکنش سریع قرار می‌گیرد. پاکستان برای انجام وظایف ژاندارمی و سرکوب نیروهای مخالف، اعتبار ۳۲ میلیارد دلاری از آمریکا گرفته است. دولت‌ریگان عربستان سعودی را به زرادخانه خود تبدیل کرده و انواع سلاحهای مدرن در اختیار آن قرار می‌دهد.

رفقا!

ارتجاعی‌ترین جناح امپریالیسم آمریکا در پیشامیش محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی، تلاش می‌ورزد با توسل به سوق دادن جهان به آستانه «جنگ هسته‌ای» از

شتاب روزافزون دگرگونیهای بنیادی در جهان بگاهد. توازن نظامی استراتژیک موجود در اروپا و جهان را که مانع تحقق سلطه سیاسی و اقتصادی آنست، برهم زند و به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی نائل آید. تا بدینوسیله موضعی را که جاپرانه در اختیار گرفته است حفظکند و موضعی را که نظام منحط سرمایه‌داری از دست داده است. دوباره بجنگ آورد و بالاخره چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند و سیادت امپریالیسم را بر جهان تامین کند. ولی دوران مادوران پیشرفت بی‌وقفه و ظفرنمون جبهه جهانی نیروهای صلح، استقلال دموکراسی، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی است. دوران ما، دوران شکوفائی روزافزون سوسیالیسم و از بندستن خلقهای ستمدیده است. این سیل عظیمی که از انقلاب اکتبر باین سوبه حرکت درآمده، بخش چشمگیری از کاخهای هزاران ساله نظام ستمکارانه طبقات استثمارگر را برانداخته است و اکنون با گامهای شتابنده بسوی پیروزی های بازهم بیشتر به پیش می‌تازد. امپریالیسم جهانی می‌خواهد کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای رهایی بخش و جنبش صلح را به قلاب موشکها زنجیر کند. ولی دژ مستحکم کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی موج توفنده توده‌ها، عزم و اراده آنان برای دفاع از صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم به ماجراجوئی‌های امپریالیسم لگام زده و میدان عمل آنرا هر روز محدود و محدودتر میکنند.



انقلاب ایران و تحولات جمهوری اسلامی

رفقا!

اکنون نزدیک به ۶ سال از پیروزی انقلاب ایران میگذرد. رویدادهایی که در این مدت رخ داده است، میتوانند در ارزیابی صحت و سقم تحلیلها و سیاستها کمک کنند. هم از اینرو ضروری است که با جمع بست تجارب سالیهای اخیر و بد استناد رویدادهای واقعی، آنچه را که در این دوره در مین ما رخ داده، دقیقتر تجزیه و تحلیل کنیم. مردم ایران در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران را آفریدند. تودههای دهها میلیونی خلق عزم و اراده پولادین خود را برای سرنگونی رژیم منغور شاه به کرسی نشانند. انقلاب ایران کار تودهها و متعلق به آنان بود. برای توصیف و شناخت آساجهای انقلاب ایران قبل از همه باید دید مردم از انقلاب چه میخواستند؟

مردم میخواستند رژیم شاه تماما سرنگون شود و يك حکومت ملی و مردمی (دموکراتیک) و متکی به اراده مردم بجای آن استقرار یابد. مردم میخواستند که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کشور ما پایان یابد، آزادی سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم تامین گردد و کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی برانداخته شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

بزبان دیگر شعار اساسی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. منتها روحانیونی که در راس جنبش توده‌ای قرار گرفته بودند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را تبلیغ میکردند. اما واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم زحمتکش از «جمهوری اسلامی» همانگونه که طراحان آن تحت عنوان عدالت اسلامی بیان میکردند، نظامی مبتنی بر «استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی» را درک و آرزو میکردند. بدین لحاظ درباره انقلاب بهمن باید گفت که این انقلاب از لحاظ سمت اصلی حرکت يك انقلاب ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواستههای مبتنی بر عدالت اجتماعی يك انقلاب مردمی بوده است. رهبری انقلاب در دست بخشی از روحانیت شیعه که از آیت اللہ خمینی

پیروزی می‌گردد، قوار گرفت. این روحانیت که به لحاظ اجتماعی و تاریخی پیوندهای محکمی با بخشی از اشرار و طبقات شرکت کننده در انقلاب داشت. با طرح و دفاع از شعارها و خواسته‌های عام مردم و به اتکای تشکیلات وسیع دستگاه روحانیت گسترده ترین نفوذ را در میان توده‌های خلق بدست آورد و در راس انقلاب قوار گرفت. ترکیب روحانی رهبری انقلاب و در این ارتباط تأثیر عامل مذهب در مبارزه استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خلق در انقلاب بهمن ۵۷ به آن ویژگی خاص می‌بخشد.

انقلاب بهمن گرچه موفق شد وظایف سیاسی مبنی بر سرنگونی کامل رژیم حاکم را به پایان برساند و در زمینه اجتماعی بنابه حکم شورای انقلاب و با اراده مستقیم مردم گامهایی هم در راستای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری پیش برود، اما به علت عدم برخورداری از رهبری پیگیر به‌القاء آن نائل نشد. انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران را تغییر نداد و در سالهای پس از انقلاب نیز ایران، راه رشد سرمایه‌داری را طی کرده است.

انقلاب بهمن در راستای دستیابی به آماج‌های ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خود همچنین موفق شد رژیم استبدادی و سلطنتی شاه و سلطه امپریالیسم بر کشور را براندازد

انقلاب موفق شد احتیاق سیاسی و نهادهای اعمال‌کننده آنرا درهم شکند و بسیاری از گردانندگان و عوامل جنایتکار رژیم شاه را به مجازات رساند. انقلاب درهای زندانها را بروی فرزندان خلق گشود و آزادی فعالیت را برای طیف وسیع نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب تأمین کرد.

با پیروزی انقلاب پیمان سنتو لغو شد، پایگاههای جاسوسی آمریکا برجسته شد و دهها هزار مستشار نظامی آمریکائی اخراج شدند، در سیاست خارجی کشور تغییرات فاحش پدید آمد و ایران به جنبش غیر متعهد پیوست.

محافل حاکمه با تکیه روی اصطلاح «انقلاب اسلامی» به شدت تبلیغ میکنند که آماج انقلاب ایران فقط و فقط تحقق «اسلام» بوده است. البته واقعیت اینست که رهبری انقلاب عملاً در دست روحانیت پیرو خمینی که میخواست حاکمیت به انحصار روحانیون درآید و حکومت مذهبی مستقر شود، قرار گرفت. اما خواست و نیاز اینها نمیتوانست جدا از مبارزه ملی و طبقاتی، که جامعه را تا اعماق می‌شکافت، مطرح باشد. آنچه واقعاً و بطور عینی در کشور گسترش یافت و به انقلاب بهمن و رویدادهای پس از آن منجر گردید، برخلاف آنچه که روحانیون حاکم توضیح میدهند، بهیچ وجه با موضوع تضاد میان «اسلام و کفر» قابل توجه و توضیح نیست. محرك و مضمون اصلی آنچه در انقلاب رخ داد، مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی بوده است. هر يك از شعارهای اسلامی که قبل و پس از انقلاب از جانب هر يك از جریانهای روحانیت پیرو خمینی طرح و تبلیغ شده است، در آخرین تحلیل و در هر شرایط مشخص دارای جهت معین طبقاتی بوده و در خدمت تأمین منافع يك بخش از اشرار و طبقات جامعه در برابر بخش دیگر قرار داشته است. بالاخره

شایان توجه است که تأکید روی این که «انقلاب ایران اسلامی است» در سالهای اخیر قبل از همه عملاً در خدمت عدول رهبران جمهوری اسلامی از تحقق خواسته‌های برحق و عادلانه مردم و پنهان کردن این خیانت، قرار گرفته است. بدین ترتیب دیده میشود که حتی همین واژه «انقلاب اسلامی» هم بعد از انقلاب و هم قبل از انقلاب، و هم در سیر صعودی و هم در سیر نزولی آن، عملاً خود یک حربه مبارزه طبقاتی بوده و هست. اکنون در برابر این تلاشها ما وظیفه داریم برای مردم توضیح دهیم که کدام اهداف واقعی زیر پوشش این توجه، در حال گسترش است.

در اینجا باید متذکر شد که محدود کردن خصلت انقلاب ایران در قالب یک «انقلاب ضد سلطنتی» چنانکه دیدیم، نه تنها تمام آماجهای واقعی انقلاب را بیان نمیکند، بلکه برخی تحولات واقعا تحقق یافته را هم کتمان و یا بی‌بها میکند. انکار سایر خصائل انقلاب ایران میتواند هم‌با انگیزه‌های چپ روانه و هم با انگیزه‌های راست روانه همراه باشد. این انکار، هم‌میتواند بر این اساس مورد استفاده قرار گیرد که هدف و تلاش عظیم خلق در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را انکار کند و هم میتواند بر این اساس باشد که وجود هر نوع گرایش ضد امپریالیستی و دموکراتیک در نیروهای رهبری کننده انقلاب را منکر شود. شناخت و تحلیل صحیح خصائل انقلاب و تدوین خط مشی صحیح در انقلاب کاملاً ارتباط متقابل باهم دارند.

مرتجعین حاکم مدت‌هاست تلاش میکنند نقش برجسته و انکار ناپذیر سازمان‌ها و احزاب انقلابی را در گسترش انقلاب و در قیام توده‌های مسلحانه ۲۱ و ۲۲ بهمن پنهان سازند. آنها اینطور وانمود میکنند که در جریان انقلاب، در یک طرف روحانیت و «است حزب الله» قرار داشت و در طرف دیگر شاه، بعلاوه آنها اکنون بیش از هر زمانی میکوشند مقام و نقش شامخ توده کارگران، بویژه نفتگران تهران، در انقلاب و تأثیر قطعی و تعیین کننده آنان در سرنگونی شاه را به خود و به «تجار محترم» نسبت دهند. هدف و انگیزه اصلی آنان از این تحریفات پنهان کردن خیانت خود به انقلاب و نیز ترس بی‌پایانشان از طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش و سازمانهای مدافع آنان است. اما واقعیت اینست که در انقلاب بهمن ضربه قطعی برپیکر رژیم شاه را نیروی طبقه کارگر وارد آورد.

ما در اینجا همچنین روی نقش موثر سازمانها و احزاب انقلابی کشور در بسیج توده‌ها و جلب آنان به گسترش مبارزه علیه رژیم شاه، که مستقل از روحانیون پیر و خمینی عمل میکردند، موکداً تأکید میکنیم. سازمان ما، که آن روزها هنوز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نامیده میشد، بویژه در میان همه سازمانهای انقلابی، برجسته ترین نقش را در تشدید مبارزه در راه سرنگونی قطعی شاه و تمام سلطنت ایفا کرد. حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر گروههای انقلابی نیز مستقل از خمینی و پیروانش برای جلب هرچه وسیعتر توده‌ها به سوی انقلاب و تقویت نیروی توده‌ای و عمق معنوی آن حداکثر تلاش خود را بکار گرفتند. تاریخ نقش حساس و بسیار

موثر ما را در فراخواندن پیگیر خلق به قیام و ارائه رهنمودها و اتخاذ تاکتیکهای بموقع و دقیق، بویژه عمل قهرمانانه سازمان در صبح روز ۲۱ بهمن ماه که تظاهرات متشکل و نیرومند خود را بسوی پادگانهای رژیم هدایت کرد. هرگز از یاد نخواهد برد. نقشی که از يك سو مایه اضطراب و دسپاچگی رهبری انقلاب شد و از سوی دیگر به گسترش قیام مسلحانه توده‌ای کمک کرد. قیامی که به علت تسخیر پادگانها و نهادهای قدرت حاکمه توسط خلق اثر بخشی و نقش مردم را در سیر رویدادها و در سمت دهی اراده رهبری افزایش داد. امری که طبعاً بان صورت مطلوب رهبری نبود. آنچه در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن رخ داد. تاثیر قطعی در سیر رویدادهای بعدی داشته است. ما به این نقش تاریخی خود در قیام شکوهمند بهمن عمیقاً افتخار میکنیم.

انقلاب بهمن از این نظر يك انقلاب واقعی بوده است که بر اثر آن قدرت سیاسی از کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین داران وابسته به اسپریالیسم سلب شد و به اقشار و طبقات دیگری انتقال یافت. بزبان دیگر انقلاب سیاسی که مهم‌ترین وظیفه آن انتقال قدرت سیاسی از يك طبقه به طبقه یا طبقات دیگر است. در ایران بطور کامل انجام گرفته است. در اثر این تحول رژیم شاه سرنگون شد و جمهوری اسلامی ایران جایگزین آن گردید.

رژیم شاه بطور کلی نماینده کلان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته بود و بیش از همه از منافع لایه فوقانی آن که در آن گرایش انحصاری در حال رشد بود، دفاع میکرد. دربار شاه خود در راس این لایه قرار داشت.

در آستانه انقلاب سمت گیری روحانیت پیرو خمینی، که به لحاظ وابستگی‌های طبقاتی طیف وسیعی را دربرمیگرفت، بطور عمده منافع بورژوازی ملی، خرده‌بورژوازی و لایه‌هایی از زحمتکشان شهر و روستا را منعکس میکرد. با واژگونی رژیم شاد جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت لیبرالهای طرفدار بازارگان و جریان‌های مشابه تشکیل گردید. بخش‌های دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی مشارکت کردند.

در شناخت و تحلیل ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب تا امروز در درجه اول باید گرایشات و سمت‌گیریهای روحانیت حاکم را مورد تجربه و تحلیل قرار داد. رایج‌ترین و پرنمودترین خصیصه این نیرو البته روحانی بودن، تکیه روی آئینهای کهن اسلامی و مذهبی کردن، ساخت دولتی و تمام حیات اجتماعی و تلاش برای تامین منافع روحانیت بطور کلی است. در این زمینه باید تاکید کرد که هیچ يك از طبقات و اقشار جامعه بجز خود روحانیت به مثابه يك قشر اجتماعی، با این تمایل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند. اما واقعیات سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی دارای ترکیب و ماهیت طبقاتی معین بوده است. باید تاکید کرد که ترکیب روحانی نیروی مسلط بر حکومت به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن بیچیدگی‌های معین ایجاد کرده است.

روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی، باخرده بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازار و ملاکان بطور کلی محکم‌ترین پیوندها را داشته است. علاوه بر این در سالهای قبل از انقلاب وجود تضاد میان خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی تجاری - کارفرمایی بازار که مورد یورش سرمایه‌کلان وابسته قرار داشتند و هم چنین فئودال-هائی که زمین‌های خود را از دست میدادند، با رژیم شاه از يك سو و سیاست رژیم‌شاه در زمینه محدود کردن و کم اثر کردن دستگاه روحانیت شیعه از سوی دیگر، همپیوندی روحانیت حاکم با اقشار و طبقات یاد شده را مستحکم میکرد. بررسی مشخص‌تر مواضع ایدئولوژیک-سیاسی، خاستگاه طبقاتی، منابع تأمین درآمد و محیط‌های فعالیت روحانیون حاکم نیز سوید همین پیوندهاست.

اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران نیز نیروی اجتماعی بسیار وسیعی را در بر میگيرند. ویژگی مشترك این اقشار آنست که برتولید ساده خرده کالائی که در آن تکنیک عقب مانده و ابتدائی بکار میرود، متکی هستند و کسب و کار و نقش آنان در اقتصاد کشور بر اثر رشد بورژوازی وابسته و سیطره امپریالیسم بر اقتصاد کشور در معرض تحقید و خطر نابودی قرار گرفته و افلاس و خانه خرابی و از دست دادن امکانات رشد، واقعی ترین چشم اندازی است که فراروی خود می‌بینند. کسبه و پیشه‌وران، صاحبان کارگاههای تولیدی، خرده مالکان و صاحبان واحدهای تولیدی مشابه در روستاها، مهمترین گروه‌هائی هستند که ما آنان را زیر عنوان اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران معرفی میکنیم. اطلاق عنوان «سنتی» به این اقشار از این نظر نیز مناسب است که بر قدمت منشاء تاریخی این اقشار اجتماعی، بر خصوصیات فرهنگی، بویژه مذهبی ناشی از آن هم اشاره دارد. منافع اقشار خرده بورژوازی سنتی انجاب‌یکند که سلطه امپریا-لیسم بر حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور درهم شکسته شود و کلان سرمایه-داری و بزرگ زمینداری وابسته برانداخته شود. باین اعتبار این اقشار دارای خصلت ضد امپریالیستی و مردمی هستند.

اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران وسعت و کمیت و نیروی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارند و بمثابة يك نیروی مادی در سراسر کشور در سمت دهی رویدادها تاثیر قابل ملاحظه‌ای برجای میگذارند.

رشد بورژوازی تجاری بازار نیز که در طول تاریخ معاصر ایران همواره باروحا-نیت و مذهب پیوندهای تنگاتنگ داشته است، همواره بوسیله انحصارات امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته به آن سد شده است و سرمایه آن بطور عمده در عرصه تجارت و تا حدی هم ملکه‌داری و اراضی شهری و مستغلات و صنایع تبدیلی و تولید کارگاهی بکار افتاده است. این بورژوازی از دیرباز در راس سیستم سنتی توزیع داخلی کالا قرار داشته است و عرصه عمده فعالیت آن روی واسطه‌گری میان مراکز تولید داخلی و بازار داخلی و همچنین واسطه‌گری میان شرکتهای بزرگ وارد کننده کالا و فروشندگان آن در داخل کشور متمرکز بوده است. ممر درآمد بورژوازی بزرگ بازاری ایران بطور عمده

همواره از طریق سود عمده فروشی کالا، بورس روی کالا، زمین و مستغلات تأمین می‌شده است. این بورژوازی علیرغم مقابله با رژیم شاه دارای گرایش‌های نبرومند محافظه کارانه، واپس گرایانه و ارتجاعی است و در بروسه پیش رفت انقلابی ملی دموکراتیک ایران با انجام وظایف مربوط به تحولات عمیق اجتماعی مخالفت میکند و رودروی آن می‌ایستد. بهر حال برنامه و اهداف روحانیت حاکم را باید لزوماً از دو جهت مورد بررسی قرار داد. روحانیت حاکم به رهبری خمینی از يك سو نیروئی است که به گونه‌ای کمابیش يك پارچه، در جهت مذهبی کردن ساختار دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور، در جهت تقویت هرچه بیشتر نقش دستگاه روحانیت در اداره کشور و تأمین منافع آن حرکت کرده است. روحانیت حاکم در این زمینه رویهمرفته وحدت داشته است.

از سوی دیگر روحانیت بطور کلی از دیرباز با قشار و طبقات معینی در جامعه که دارای منافع متضادند، پیوندهای محکمی داشته و دقیقاً تحت تأثیر این تضادها همواره حامل گرایش‌های طبقاتی متضاد بوده است. روحانیت حاکم هیچگاه روی برنامه و سیاست واحدی برای حل مهم‌ترین مسایل حیاتی کشور، و در راس همه درباره ساختار اقتصادی وحدت نداشته است. بویژه مروری بر رویدادها و حرکت روحانیون حاکم در سالهای پس از انقلاب بروشنی نشان می‌دهد که جریان‌های مختلف در میان آنان وجود داشته که در برخورد با بنیانی‌ترین مساله، جامعه یعنی مساله بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری در دو موضع کاملاً متضاد قرار گرفته‌اند. يك بخش از روحانیون حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی-اقتصادی علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بسود لایه‌های پائینی جامعه بوده‌اند، در حالیکه بخش دیگری از آنان مجدانه کوشیده است بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری حفظ گردد و راه چپ‌اولگری و رشد آن محدود و مسدود نشود. در این میان نقش ویژه آیت الله خمینی در آن دوران این بوده است که، برای حفظ وحدت نیروهای حاکم و حفظ توان کافی برای دفاع از حاکمیت جمهوری اسلامی، تلاش میکرد مافوق تضادها و تناقضات فاحش درون آن قرار گیرد و از طریق مانور روی منافع مشخص هريك از جناح‌های مختلف روحانیت حاکم و موضع گیری‌های متناقض و مبهم گاه بسود این و گاه بسود آن وبا توجه و تأکید مستمر روی وحدت منافع قشری - گروهی آنان جمهوری اسلامی ایران را رهبری کند.

سرنوشتی رژیم شاه و پیروزی انقلاب تناسب نیرو میان طبقات اجتماعی در کشور را دگرگون کرد و سئوالی که با این پیروزی در برابر توده‌های وسیع خلق و همه نیروهای انقلابی قرار گرفت، این بود که آیا انقلاب پیش خواهد رفت؟ آیا انقلاب میتواند به آماجهای اساسی خود که مردم آنها را در برابر انقلاب قرار داده‌اند دست یابد؟

هرگونه برخورد مسؤلانه با انقلاب و سیر آن در گرو پاسخ به این سؤال بود که تغییر تناسب نیرو در کشور بزبان کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران وابسته به امپریالیسم و بسود مجموعه اقشار و طبقات غیر حاکم جامعه ما، تا چه میزان بوده

است؟ باید براساس تحلیل دقیق اوضاع کشور پس از انقلاب به این مسأله پاسخ داده شد که در نهایت، کدام مجموعه نیروهای اجتماعی با کدام تمایلات در کشور برتری دارند؟ نیروهای مدافع انقلاب، نیروهای بازدارنده انقلاب و یا ضد انقلاب؟ در پاسخ باین سؤال، قبل از هر چیز باید توجه داشت که با سرنگونی قهرآمیز و درهم شکسته شدن و فلج شدن ماشین قدرت دولتی بطور عمده نیروی مستقیم توده‌ها که وسیعاً از رهبری انقلاب پشتیبانی میکردند قدرت را اعمال میکرد.

هر تحلیل از تناسب نیروها و بطور کلی از اوضاع کشور پس از انقلاب تنها بشرطی واقع بینانه است که برنقش تعیین کننده توده‌های قیام کننده در تناسب نیروها در کشور مبتنی باشد.

به علاوه این نکته نیز شایان توجه است که نه تنها توده مردم عملاً بیش از همه تحت تأثیر روحانیت حاکم قرار داشتند، بلکه در بالا نیز روحانیت حاکم در کلیت خود، تا حد معینی این ظرفیت را از خود نشان میداد که خواستهای توده‌های قیام کننده را منعکس کند.

اگر چه روحانیت حاکم از همان ابتدا با مشارکت احزاب و سازمانهای مترقی کشور در حاکمیت سرسختانه مخالفت ورزید و به ائتلاف با نهضت آزادی و برخی از جریانهای مشابه روی آورد، با این همه، نیروهای ترقی خواه کشور در گسترش جوانقلابی در جامعه و درافشا و طرد عناصر راستگرا و ضد انقلاب و در تقویت مواضع نیروهای انقلاب در حکومت نقش و تأثیر عملی و معین داشتند. سیر رویدادها در کشور مشخصاً از عمل سازمانهای انقلابی و مترقی غیر حاکم تأثیر میگرفت.

در عرصه بین المللی نیز انقلاب ایران از حمایت گسترده و فعال همه نیروهای ترقیخواه برخوردار بود. بویژه اتحاد شوروی با اتخاذ سیاست قاطع در برابر امپریالسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، نقش بازدارنده عظیمی را در مقابله با منطور مسلحانه ضد انقلاب و مداخله علیه انقلاب ایفا کرد. توازن نیروهای سیاسی در عرصه بین المللی به سود حفظ و گسترش انقلاب تأثیر داشته است.

بنابراین باید گفت که پس از پیروزی انقلاب نظر به نقش تعیین کننده توده‌های قیام کننده، توازن نیروها در کشور که بسود نیروهای ضد امپریالیستی - ضد کلان سرمایه‌داری و ضد بزرگ مالکی در حاکمیت تأثیر میکرد و نظریه نقش و تأثیر سازمان‌های مترقی که در گسترش جوانقلابی در جامعه و در مقابله و مهار نیروهای بازدارنده و نیروهای براندازی انقلاب نقش جلی داشتند، نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت نیروی برتر محسوب شده و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده ادامه داشت. تحت تأثیر مجموعه عوامل فوق حاکمیت جمهوری اسلامی، بسود توده‌های خلق به یک رشته اقدامات مثبت و مردمی مبادرت ورزید.

مصوبات شورای انقلاب و اقدامات نهادهای جدید قدرت در زمینه سرکوب جنایتکاران رژیم شاه، معادله اموال کلان سرمایه‌داران وابسته به رژیم سابق، ملی

کردن سیستم بانکی، تصویب و آغاز اجرای قانون احیاء و واگذاری اراضی کشاورزی، تصویب و اجرای قانون حفاظت صنایع، رعایت نسبی آزادی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی و از همه مهمتر گسترش مبارزه ضد سلطنتی به ضد امپریالیستی و اخراج آمریکاییان از ایران، لغو پیمان‌های نظامی و قراردادهای بانکسروسوم نفت و برجسته‌شدن پایگاههای جاسوسی و خرابکاری امپریالیسم در ایران و تبدیل ایران از ژاندارم امپریالیسم در منطقه به کشوری غیر متعهد همه و همه نشانه زنده بودن انقلاب و پیشرفت آن در راستای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و همچنین نشانه وجود امکانات واقعی برای تداوم انقلاب و گسترش آن است.

با پیشروی انقلاب و با مشخص‌تر شدن صف بندهای طبقاتی درون پایگاه اجتماعی حکومت، به گونه‌ای قانونمند تضادهای موجود بین نیروهای حاکم مهروربه تشدید گذاشت. منتهی ویژگی‌های خاص انقلاب ایران آن را از پیچیدگی‌های خاص برخوردار میسازد که یکی از وجوه بارز آن تناقضات و پیچیدگی‌های ناشی از تداخل و تاثیر متقابل منافع روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی معین و منافع اقطاع و طبقات اجتماعی است.

رفقا!

در اولین ماههای پس از انقلاب دولت موقت بازرگان با اکثر اقدامات شورای انقلاب و دیگر نهادهایی که براساس انقلاب تاسیس گردید و بطور کلی با سمتگیری عمومی حاکمیت در آن مقطع البته موافق نبود و آن را «تندروی» ارزیابی میکرد. در آن زمان امپریالیسم آمریکا نیز که با سرنگون شدن شاه و فآدارترین نوکر خود در منطقه را از دست داده بود، حفظ و تقویت مواضع عناصر میانه رو نظیر احزاب بورژوازی لیبرال غرب‌گرا را به عنوان تاکتیک محوری سیاست خود نسبت به انقلاب ایران دنبال میکرد. این تضادها عوامل اصلی سمت دهنده و تعیین‌کننده جهت رویدادهای کشور بودند، اما صحنه تضادهای واقعی موجود در جامعه از این بفرجتر بود.

در آن روزها حزب جمهوری اسلامی و شخص خمینی برای حاکمیت انحصاری روحانیت براساس اصل ارتجاعی «ولایت فقیه» تلاش می‌کردند. امری که با مخالفت عموم احزاب و سازمانهای سیاسی کشور و از جمله احزاب بورژوازی لیبرال مواجه بود. سند قانون اساسی که در آن زمان در مجلس خبرگان به تصویب می‌رسید بیانگر دیدگاهها و برنامه روحانیت بیرو آیت الله خمینی بود و تفاوت دیدگاه و برنامه آنان را با دیدگاهها و برنامه جریانهای لیبرالی غرب‌گرا در زمینه ساخت سیاسی نظام اقتصادی و سمت‌گیری سیاست خارجی به نمایش می‌گذاشتت. در چنین اوضاع و احوالی روحانیت حاکم عملاً موضوعات مورد اختلاف را بطور عمده روی موردی متمرکز کرد که حل آن در جهت مواضع اعلام شده روحانیت حاکم خواست خلق بود و شاخص این مورد همانا اختلاف سیاست دو جناح حاکمیت نسبت به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا بود.

روحانیت حاکم در آن مقطع به این وسیله می‌خواست در ذهن توده‌های خلق این فکر بنشیند که برای تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن برای حفظ سمبکری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی و برای تسلط گرایش مردمی بر کشور نه تنها روحانیون قابل اعتمادند بلکه تحقق همه آرزوهای دیرینه خلق نیز قبل از همه در گرو استقرار کامل ولایت فقه است.

در هر حال روحانیت حاکم با برکناری بازرگان و اشغال سفارت آمریکا تغییرات فاحشی در اوضاع سیاسی کشور پدید آورد. از یک سو جوشد امپریالیستی در کشور را گسترش داد و توده‌های وسیعی را به این عرصه مبارزه کشید، تاکتیک امپریالیسم برای تقویت مواضع لیبرالها در حکومت، تدارک و انتقال تمام قدرت به آنان را خنثی کرد و از سوی دیگر با استفاده از فرصت، یک گام بزرگ در جهت فراهم کردن زمینه‌ها و شرایط ضروری برای انحصاری کردن قدرت در دست روحانیت به پیش برداشت.

اما تحولات فوق تضادهای درون حکومت را حل نکرد از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا نیز مدتی پس از اشغال سفارت تعرض تازه‌ای را آغاز کرد که هدف آن درهم شکستن رژیم حاکم و روی کار آوردن رژیم مطلوب خود بود. حمله به طبرستان، کودتای نوژه، محاصره اقتصادی، گسیل نیروهای واکنش سریع و از همه مهمتر نقشه شوم و جنایتکارانه ایجاد خنک میان ایران و عراق عناصر برجسته این تعرض در فاصله اواخر ۵۸ تا پاییز ۵۹ بشمار می‌روند. در میان این توطئه‌ها، نقشه نهمیل جنگ به انقلاب ایران از همه خطرناکتر و ضربه آن کاری تر بوده است. پس از شروع جنگ امپریالیسم آمریکا ادامه جنگ و ادامه اشغال بخشی از زمین‌ها را به مثابه عهده‌دین عامل اعمال فشار از خارج، و دامن زدن به تفرقه و خصومت در میان نیروهای ضد امپریالیستی در داخل کشور را به مثابه عمده‌ترین عوامل فرسایش و نابودی توان انقلاب از درون بکار گرفت. نیروهای دست راستی، محافظه‌کار و مرتجع درون حکومت نیز با استفاده از این اوضاع تعرض و فشار مضاعفی را برای متوقف کردن روند اصلاحات اجتماعی آغاز کردند و بر اثر همین فشار با صدور فتوایی از سوی خمینی روند انجام اصلاحات ارضی متوقف شد. اوضاع موجود بویژه حضور نیروهای وابسته به بورژوازی تجاری در حکومت نیز به آن امکان می‌داد چپاول بی‌امان خلق را چندین برابر افزایش دهد و مواضع خود را در اقتصاد کشور تحکیم کند ادامه جنگ نیز در این راستا بسود آنان تأثیر می‌گذاشت.

تشدید توطئه‌های امپریالیسم بویژه شروع جنگ و پی‌آمدهای آن، تشدید فشار همه جانبه نیروهای ارتجاعی کشور برای تغییر سمبکری جمهوری اسلامی، تضادهای درون حکومت، معلق ماندن اصلاحات اقتصادی و تشدید فشار روحانیت حاکم برای انحصاری کردن قدرت و تناقض فاحش در مواضع آن از اواسط سال ۵۹ به تکوین یکی از حادثترین بحران‌های سیاسی دوران پس از انقلاب در کشور منجر گردید که در اواخر سال ۵۹ و اوائل سال ۶۰ به اوج خود رسید.

این بحران و نیز زمینه‌ها و پی‌آمدهای آن تأثیرات معینی بر ذهنیت توده‌ها بویژه اقشار متوسط جامعه برجای می‌نهد و نارضائی از اوضاع موجود کشور را گسترش می‌داد و در جهت کاهش اعتماد مردم به حکومت تأثیر می‌گذاشت. با این وجود در آن زمان روحانیت حاکم هنوز از حمایت توده‌ای وسیعی برخوردار بود. در آن زمان وسیع‌ترین توده‌های خلق از حکومت می‌خواستند و از آن انتظار داشتند که برای تحقق مواعید خود در زمینه تأمین آزادی و عدالت اجتماعی اقدام کند. آنان نه تنها در مقابل تعرض برای سرنگونی رژیم بی تفاوت نبودند بلکه در مقابل آن می‌ایستادند. وجود جنگ و حضور نیروهای اشغالگر در خاک ما و مسئولیت حکومت در دفع این تجاوز نظامی مستقیم خارجی نیز موجب می‌شد که توده مردم علیرغم همه تناقضات و تردیدهایی که نسبت به راه آینده حکومت داشتند از گشایش یک جبهه داخلی علیه حکومت استقبال نکنند و برای ایستادگی در مقابل نیروهای اشغالگر فسالانه از حکومت پشتیبانی کنند. این بحران در در عین حالیکه خود، از جمله، از تشدید تضادهای درون حکومت ناشی می‌شد. متقابلاً به این تضادها دامن می‌زدند. بویژه با انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس جمهوری و استقرار نهادهای حاکمیت جدید در طول سال ۵۹ کشمکش میان رئیس جمهور و حزب جمهوری اسلامی روز بروز حادثر می‌شد و فضای کشور را تحت تأثیر خود می‌گرفت. باشکلی گیری و مشخص‌تر شدن دسته بندی‌ها در بین نیروهای پیرو خمینی، برخی از روحانیون لیبرال و محافظه‌کار غیر وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بویژه مخالف موافق بنی صدر در جستجوی جریانی که بتواند این مخالفت را تقویت کند، جانب بنی صدر را می‌گرفتند. در حزب جمهوری اسلامی نیز صف بندی‌ها در حال گسترش بود و یک جناح نیرومندان، از جمله حجتیه، هیأتیای موافق و امثالهم ضمن اینکه از موضع به غایت قشری و به غایت ارتجاعی، علیه بنی صدر که از آزادی صحبت می‌کرد برخاسته بودند. با اصلاحات اقتصادی نیز بشدت مخالفت می‌کردند.

دولت‌های امپریالیستی و بویژه اروپائی و اکثر بورژواهای وابسته و غربگرا نیز در این کشمکش بیطرف نبودند. آنها از بنی صدر حمایت می‌کردند و خود را در حفظ و تقویت مواضع او در حاکمیت و در برابر جناح مقابل بیشتر ذینفع می‌دیدند. از سوی دیگر انحصار طلبی و قشری‌گری مفرط روحانیت حاکم بپس‌نگرانی تمام خلق بویژه اقشار متوسط جامعه از سیطره کامل آن در همه شئون زندگی اجتماعی موجب شد که علاوه بر طیف وسیعی از نیروهای اپوزیسیون بورژوائی حکومت، بسیاری از نیروهای دارای تمایلات بورژوا دمکراتیک و حتی برخی از جریانهای انقلابی نیز در مقابل حزب جمهوری اسلامی از بنی صدر که می‌کوشید مردم را به امکان استقرار یک دمکراسی بورژوائی از نوع اروپائی آن تحت رهبری خود امینوار سازد پشتیبانی کنند.

ناهمگونی و اغتشاش فاحش در صف حامیان بنی صدر، در واقع تا حد معینی تحت تأثیر تناقضات فاحش در موضعگیری و سمتگیری رهبران حزب جمهوری اسلامی و در ترکیب طبقاتی متضاد روحانیت حاکم بود. موضعگیری ضد امپریالیستی و سمتگیری ضد

بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته با مخالفت اقشار بالایی بورژوازی، و انحصار طلبی و قشریگری مغرط و آزادی ستیزی قرون وسطائی و تلاش برای استقرار کامل سیطره دستگاه روحانیت و مذهب بر دولت و جامعه با مقاومت عموم نیروهای اجتماعی مواجه بود. بنی صخر تلاش داشت با محور قراردادن خصومت اخیر، طیف هرچه وسیعتری از طبقات اجتماعی را بسوی خود جلب کند.

از اواخر سال ۵۹ به بعد امپریالیسم، تمام محافل راستگرا، محافظه‌کار و قشری درون حکومت و نیروهای اپوزسیون ارتجاعی فرست را مفتنم شمرده همه تلاش خود را بکار گرفتند که با تشدید تفرقه موجود در صفوف نیروهای ضد امپریالیستی کشور آنان را بسوی درگیریهای قهرآمیز و نابودی یکدیگر در يك جنگ بی‌فرجام سوق دهند و علیرغم هشدارها و تلاش‌های مسئولان ما، درگیری‌های خونینی میان نیروهای ضد امپریالیستی کشور گسترش یافت و ضربه جبران ناپذیری به انقلاب وارد ساخت. سرکوب آزادی سیاسی و یورش به دست آوردهای انقلاب در این عرصه به سیاست رسمی هیأت حاکمه تبدیل شد. تمام مطبوعات غیر حکومتی را تعطیل کردند. امکان فعالیت انقلابی قانونی و علنی را از میان بردند و هزاران مبارز را که جز تحقق آماج‌های انقلابی آرزوی دیگری نداشتند، تحت پیگرد قرار داده، بزنندان افکنده و به شهادت رسانیدند.

بدین ترتیب برکناری بنی صخر عملاً نتوانست به تقویت مواضع نیروهای ضد امپریالیست و به تضعیف مواضع بورژوازی در حکومت بیانجامد، زیرا به موازات آن بر زمینه رشد و تقویت سرمایه‌های بزرگ تجاری، در نتیجه تأثیرات مخرب جنگ در منحرف کردن مسیر رویدادها به زیان انقلاب و در اثر تشدید تفرقه و خصومت در میان نیروهای ضد امپریالیستی کشور و حذف بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان و تضعیف مواضع ترقی خواهانه در میان بخشی دیگر تناسب نیرو به زیان آنان تغییر یافته و به از میان رفتن برتری نیروهای مدافع انقلاب در حکومت و به استقرار استبداد مذهبی منجر گردید، با این حال نیروهای ارتجاعی در حکومت در این مقطع نتوانستند به تمام اهداف خود دست یابند. جدال برسر اصلاحات اجتماعی - اقتصادی، که اجرای آنها از مدتی قبل متوقف مانده بود در میان جناح‌های حاکمیت حلت تازه‌ای یافت و فشار نیروهای ارتجاعی برای تغییر سمتگیری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی تشدید گردید. در این دوره گرچه هنوز يك جریان نیرومند درحکومت به انجام اصلاحات اقتصادی امیدوار است و فشار توده‌ای عظمی نیز باو امکان می‌دهد که از انجام اصلاحات دفاع کند، اما نظریه تناسب منفی نیروها این مبارزه پیش نمی‌رود و بارور نمی‌گردد. در این مدت نه تنها عملاً هیچ يك از اصول مترقی بخش اقتصادی قانون اساسی به مرحله اجرا نزدیک نشد، بلکه روزه روزه بر فشار نیروهای ارتجاعی درون حکومت برای تسخیر تمام مواضع قدرت و پس گرفتن دست آوردهای انقلاب تشدید می‌گردید.

با فشار و تهدید روز افزون امپریالیسم و با ادامه و تشدید بحران ناشی از ادامه بی معنا و فاجعه آمیز جنگ پس از فتح خرمشهر، که سنگین ترین ضربات را بر

پیکر نیمه جان انقلاب ایران وارد می‌گردد، و بر اثر باج خواهی و تشدید تعرض و تهدید بورژوازی بزرگ، بویژه تجار بزرگ بازار که غارت پنج ساله نیز آن را نیرومند می‌کرد، سرانجام در نیمه دوم سال ۶۱ آیت‌الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه کار و مرتجع در حکومت را رسماً مورد حمایت قرار داد، و به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اجتماعی-اقتصادی در حکومت روی آورد و با عقب نشینی و سازش آن عده از مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع می‌کردند و سیطره ارتجاع بر کشور تعرض همه جانبه به دست آورده‌های انقلاب گسترش یافت.

باین ترتیب، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نه تنها آماج و آرزوی سترگ خلق در انقلاب در زمینه تامین عدالت اجتماعی و حتی نص‌صریح قانون اساسی خود را به‌زیر پا افکند، بلکه با صدور آنچه که به «فرمان ۸ ماده‌ای» معروف شد از سوی خمینی و فرمان‌های مشابه و فراخواندن کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به رودروئی آشکار با توده‌های قیام‌کننده و لگدمال‌کردن دست آورده‌های آنان در مبارزه علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی برخاست.

همه می‌دانیم که سازمان ما و حزب توده ایران در همه جا، در سالهای اخیر به عنوان یکبیرترین دشمنان امپریالیسم و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، به عنوان یکبیرترین مدافعان اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی، از جمله اصلاحات مندرج در قانون اساسی شورت خاص کسب کرده‌اند. همگان ما را بعنوان سرسخت‌ترین مبارزان علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا شناخته‌اند. پیگیری ما در افشای امپریالیسم و سرمایه‌داری و نبرد بی‌وقفه و آشتی‌ناپذیر بر علیه ارتجاع در سطح ملی و بین‌المللی دیگر جا‌ئی باقی نگذاشته بود که نیروهای طرفدار غارتگری بی‌بند و بار سرمایه‌داری و بازگشت به دامن امپریالیسم، در هجوم به ما به عنوان سرسخت‌ترین دشمنان خود تردید نکنند. همه دیدیم که چگونه هنوز مرکب فرامین «امام خمینی خطاب به مسئولین کشور و نمایندگان مجلس در آذر و دی ۶۱ خشک نشده بود که یورش وحشیانه به حزب توده ایران آغاز گشت و آوای کریه تبلیغات و اقدامات کین‌توزانه ضد شوروی اوضاع کشور را تحت تاثیر خود گرفت. سرکوب خونین و ناجوانمردانه حزب توده ایران بارزترین مظهر تغییر سیاست و سمتگیری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. ابن یورش عملاً به نقطه عطف بارزی در سیاست و سمت‌گیری امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا نسبت به روحانیت حاکم بر کشور مابعد تبدیل شد. یورش به ما چنانکه پیش‌بینی می‌شد، یورش به تمام دستاوردهای انقلاب درجه‌به‌نبرد عدالت‌پژوهانه و استقلال‌طلبانه خلق بود. تصمیمات کنفرانس ویلیامزبورگ و سپس لندن و سرازیر شدن سلسله نمایندگان انحصارات امپریالیستی و هجوم کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به ایران، همه نشانه جلب اطمینان آنها، نسبت به راهی است که روحانیت حاکم پذیرفته است.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یکلست نیست و جریانهای

وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک، بزرگ مالکان خرده بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش وزن عمده را دارند.

بورژوازی تجاری بازاری ایران گرچه در سالهای قبل از انقلاب در مجموع در موضع مخالف سیاست شاه و مورد تعرض بورژوازی کلان وابسته قرار داشت. اما پس از سقوط رژیم شاه به این تعرض در عمل خاتمه داده شد و سرپوش سنگینی که مواضع بورژوازی بازاری را زیر فشار خود گرفته بود، درهم شکست پیوند و نفوذ و تأثیر عمیق این بورژوازی در روحانیت نیز را نسبت به سایر لایه‌های بورژوازی در موقعیت ممتاز و ویژه‌ای قرار داد و با بهره برداری از این عوامل توانست طی ۵ سال پس از انقلاب با غارت و چپاول لکام کسب‌نموده ثروت ملی و حاصل کار زحمتکشانش، سرمایه کلان بیاندوزد. این چپاول تا آنجا کلان بوده است که حتی برخی عناصر حکومتی، نیز بکرات مجبور به تأیید آن شده‌اند.

در یک نگاه کلی باید گفت که تقریباً «مجموعه این بورژوازی از لحاظ گسترش دامنه کسب و کار و میزان سرمایه در سالهای پس از انقلاب نسبت به سایر لایه‌های بورژوازی از رشد به مراتب بیشتری برخوردار بوده، تا حائیکه بخشی از آن را دیگر امروز نمی‌توان همان بورژوازی بازاری با ویژگیهای قبل از انقلاب بحساب آورد. کسب و کار این بخش، امروز دیگر فقط در ارتباط با تولید و بازار مصرف داخلی قرار ندارد و عملاً در عرصه‌هایی از قلمرو بورژوازی وابسته ایران، به ویژه در کار واردات کالا، حتی صنایع مونتاژ نیز فعال شده و می‌کوشد مواضع خود را در این عرصه‌ها گسترش دهد. به گونه‌ای که دیگر به سختی می‌توان خواستها و منافع این بخش از سرمایه‌داران از بازار برخاسته را از خواستها و منافع آن بخش از بورژوازی وابسته که با سقوط رژیم شاه مواضع خود را در اقتصاد کشور از دست نداد تفکیک کرد.

اکنون عالیترین نهادهای قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی رسماً و علناً مناسبات ارباب رعیتی را «مشروع» و هر قانون اصلاحات ارضی و نفو بزرگ مالکی را «غیر مشروع» اعلام می‌کنند. دفاع از «مشروعیت» بزرگ مالکی و موجودیت و منافع بزرگ مالکان و بورژوا ملاکان یکی از مشخصه‌های سیاست رژیم حاکم بر کشور ماست.

تولید کنندگان خرد، اصناف و پیشه‌وران، خرده مالکین و دهقانان نیز همراه پیوندهای وسیعی با روحانیت داشته‌اند. بخصوص توده طلاب و روحانیون جزء اکثر از همین اقشار برخاسته و از تمایلات آنان تأثیر پذیرفته‌اند. اما این نیروها در رهبری حکومت جایی ندارند و منافع آنان توسط رهبری نادیده گرفته شده و یا لگدمال می‌شود. نیروهایی که تمایلات و منافع اقشار و طبقات یاد شده را منعکس می‌کنند نیز هنوز در رده‌های مختلف دستگاه حاکمه، بویژه در رده‌های پائین آن مواضعی را در اختیار دارند. این نیروها که هنوز به آرمانهای استقلال طلبانه و عدالت جویانه خود وفادارند، همچنان امید دارند که جمهوری اسلامی از آن ایشان باشد و یا بشود. در حال حاضر مواضع و

موقعیت این نیروها در حکومت محدود و محدودتر می‌شود. با این حال نظریه حدت مبارزه طبقات در کشور و تاثیر این مبارزه در دستگاه حاکم حضور این نیروها در حکومت هنوز در برخی موارد در راه پیشرفت سیاست حاکم موانفی پدید می‌آورد و بر اوضاع سیاسی کشور تاثیرات معین برجای میگذارد. صاحبان سرمایه‌های متوسط بطور کلی نیز با دستگاه روحانیت پیوندهای معین دارند و تمایلات و منافع آنان نیز از جهات معین در لایه‌های مختلف دستگاه روحانیت و حکومت جمهوری اسلامی منعکس می‌شود.

براین اساس و در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مدافع منافع بورژوازی و مالکان بزرگ بطور کلی است و بیش از همه از منافع کلان تاجران حمایت می‌کند. جهت اصلی اعمال فشار از بالا به حکومت جمهوری اسلامی ایران تقویت بازهم بیشتر مواضع ارتجاعی در حکومت است. وجود و حضور نیروهای دارای تعلقات طبقاتی مختلف در دستگاه حکومتی و در پیرامون آن همچنان منشاء تضادها و دسته‌بندی‌های مختلف میان مسئولین حکومت است. منتها در حال حاضر، برعکس سال‌های پیش، این دسته‌بندی‌ها دیگر بر سر حفظ یا لغو بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری نیست. آنها همه بر سر حفظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی با یکدیگر توافق کرده‌اند. آنها برنامه و سیاستی بورژوازی را پذیرفته‌اند که ارگان اصلی آن عبارت است از پیمودن راه سرمایه‌داری حفظ و اَبستگی اقتصاد کشور به سیستم جهانی امپریالیستی و سرکوب احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و هر نوع اعتراض حق طلبانه توده‌ای. اهم اختلاف آنها بیشتر حول سهم بورژوازی تجاری در مقایسه با سایر لایه‌های بورژوازی در غارت و چپاول ثروت ملی و دسترنج محرومان، حول میزان نقش و سهم بخش دولتی از اقتصاد کشور و حدود اختیارات و مداخلات تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های حکومتی در ساخت قدرت سیاسی و اداره امور کشور دور می‌زند.



در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا !

بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حادی میهن ما را فرا گرفته است. ارتجاع حاکم بنابه ماهیت خود نه تنها قادر نیست براین بحران غلبه کند، بلکه سیطره آن خود به عامل اصلی تشدید بحران و تشدید درد و رنج و مشقت توده‌های زحمتکش تبدیل شده است. حکام ارتجاعی جمهوری اسلامی که زمانی میلیونها قلب طپنده و مشت گره خورده توده‌های خلق را حامی خود داشتند، امروز نه تنها خود را از این قدرت عظیم‌مادی و معنوی محروم کرده‌اند، بلکه هر روز که می‌گذرد، با قلب‌های پرکینه و مشت‌های گره کرده بیشتری از همان مردم مواجه می‌شوند. آنها به تعهدی که در پیشگاه خلق سپرده بودند، پشت پازده و در برابر کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان زانو زده‌اند. برون رفت از بحران و تحقق شعار اساسی انقلاب بهمین، استقبال، آزادی و عدالت اجتماعی، پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و سپردن زمام امور کشور به نیروهای ملی و دموکراتیک است.

برای رسیدن به مقصود چه باید کرد؟ باید قبل از همه نیروی کافی تدارک دید باید نیروی مردم را سازمان داد، متحد ساخت و بسیج کرد. افشای هرچه وسیع‌تر سیاست‌ها و اقدامات ضد دموکراتیک و ضد مردمی رژیم و چهره واقعی عاملان آن برای توده‌های خلق و رهبری فعال مبارزه توده‌ها، آن وظیفه اساسی است که انجام آن می‌تواند خلق را در راستای این هدف بسیج کند. هم اکنون فعالین سازمان ما در سراسر کشور در راه انجام این وظیفه خطیر پیش می‌روند. هیات سیاسی آنچه را که در این زمینه برعهده سازمان ماست، به دلیل اهمیت آن بطور مشروح دربخش دیگری از گزارش خود به پلنوم کمیته مرکزی، که به تشریح اوضاع کشور و وظایف ما اختصاص یافته، مورد بحث قرار داده است.

امر تدارک نیرو هم چنین منوط است به گردآوری هرچه بیشتر نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشور، بسط و گسترش مناسبات و همکاریها، و بالاتر از همه، اتحاد آنان در یک جبهه واحد، سرنوشت تلخ انقلاب شکوهمند بهمین نیز باید به

ما پیامورد که تفرقه و خصومت میان نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی کشور مهلك-
ترین دشمن درونی خلق است.

اکنون ما از پشت این تریبون، از همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد
امپریالیستی کشور دعوت می‌کنیم که برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و انتقال
قدرت به یک دولت ائتلافی ملی و دمکراتیک در یک جبهه واحد متحد شوند. ما برنامه
خود برای جبهه متحد خلق را ارائه داده و در عین حال آمادگی خود را هم برای مذاکره
با سایر نیروها و به منظور دستیابی به برنامه مشترکی که مورد توافق همه قرار گیرد
اعلام می‌کنیم.

برنامه ما برای جبهه متحد خلق منافع مشترک تمام اقشار و طبقات دمکراتیک و
ملی میهن ما را نامین می‌کند و هیچگونه مفایرتی با منافع هیچ یک از آنان ندارد حال
اگر رفقا طرح برنامه پیشنهادی هیات سیاسی کمیته مرکزی برای جبهه متحد خلق را که
اکنون به پلنوم عرضه شده است، مورد تصویب قرار دهند، آنگاه این برنامه از سوی
سازمان انتشار خواهد یافت و در اختیار همه نیروها قرار خواهد گرفت.

بار دیگر باید تاکید کنیم که اکنون نیروهایی که سمتگیری حاکمیت فعلی را علیه
منافع خلق و انقلاب و آرمانهای خود می‌شناسند یعنی همه کسانی که برای رسیدن به
استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند می‌توانند و باید بر پایه مهمترین و
اساسی ترین مساله کشور یعنی ضرورت انتقال قدرت به نیروهای مترقی به توافق نظر
برسند. اختلاف در سایر مسائل، هر چند هم که مهم باشند، اگر وسیله پراکنده کردن
و پراکنده ماندن نیروهای ترقی خواه کشور گردد، عملاً بسود بقای حاکمیت ارتجاع تمام
خواهد شد. نظر و اعتقاد راسخ ما این است که همه نیروهای ترقیخواه باید از طریق
مذاکره برای توافق روی یک برنامه واحد بکوشند به علاوه تاکید می‌کنیم که تازمانی
که این توافق حاصل نشده است همکاری و اشتراک مساعی میان سازمانها و احزاب مترقی
کشور در زمینه‌های مشخصی که مورد توافق و عمل طرفین است بسط و گسترش یابد.
اختلاف بر سر هیچ مساله‌ای نباید باعث امتناع از همکاری نیروهای ترقی خواه کشور
گردد.

اکنون در جنبش ما بحثهای زیادی در باره شکل انتقال قدرت و زمان آن، و
اینکه رهبری جبهه خلق در دست کدام نیرو قرار خواهد گرفت و دیگر مسائلی از این
دست جریان دارد. اما راست این است که هنوز زمان و روند گسترش رویدادها پاسخ این
سئوالها و وظایف ناشی از آن را روشن نکرده است. پاسخ این سئوالها را مبارزه و
عمل نیروهای ترقی خواه و روندها و رویدادهایی که در آینده گسترش خواهند یافت و
در آخرین تحلیل تناسب نیرو میان آنها در پروسه انتقال قدرت خواهد داد.

در حال حاضر متناسب با ضرورتها و نیازهای کنونی جنبش انقلابی کشور ما
فقط مسایل اساسی زیر باید مورد بحث و توافق نیروهای ترقی خواه کشور قرار گیرد:

۱ - ارتجاع بر کشور حاکم است و باید به این وضع پایان داده شود و قدرت سیاسی به یک دولت ملی، دمکراتیک انتقال یابد.

۲ - اشتراك مساعی و اتحاد عمل نیروهای ترقی خواه کشور هر چه گسترده تر شود و اتحاد آنان در یک جنبه واحد تامین گردد. توافق بر سر این مسایل و راه دستیابی بد آماج های جنبش انقلابی کشور ما، راه پیروزی و بهروزی خلق زحمتکش راسی گشاید. واقعیت این است که وجود اعتقادات، دیدگاهها و ارزیابی های متفاوت در صف نیروهای مترقی ایران امری کاملاً طبیعی و گریزناپذیر است. این اختلافات بهیچ وجه نباید وسیله ضدیت و رودر رویی با یکدیگر و یا انکار ماهیت ترقیخواهانه این یا آن نیرو قرار گیرد. مسئولیت انقلابی، مردمی و میهنی حکم می کند که نیروهای مترقی آینده را بنگرند و روی نقاط اشتراك تکیه کنند.

سازمان ما همواره برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی کشور نقش و اهمیتی اساسی قابل بوده است. امروز نیز این نقش و این اهمیت به اعتبار خود باقی است. ما باید امروز بازم بیشتر بر تلاش های خود، برای اشتراك مساعی، همکاری، اتحاد عمل و اتحاد همه نیروهای خلق بیافزاییم. ما به نوبه خود از هر نوع برخوردی که به سوء تفاهم و تفرقه میان نیروهای دمکراتیک ایران منجر شود، خودداری می کنیم و متقابلاً انتظار داریم که دیگران نیز، از چنین روشی پیروی کنند.

هرکسی که پیشنهاد اتحاد در یک جنبه واحد را مطرح کند آیا لزوماً باید این را هم پاسخ گوید که این اتحاد تحت رهبری، با سرکردگی کدام نیرو انجام می گیرد؟ ما همواره در این باره نظر مشخص داشته ایم. ما البته همواره معتقد بوده ایم که درجه پیگیری و سرنوشت انقلاب ملی دمکراتیک در آخرین تحلیل تابع آن است که این سرکردگی بر عهده کدام قشر و طبقه جامعه قرار می گیرد. تجارب تمام خلقهای پیروزمند نشان داده است که تنها رهبری طبقه کارگر و یا سازمان پیر و سوسیالیسم علمی است که پیگیری انقلاب ملی و دمکراتیک را تضمین می کند. بر همین پایه است که ما حداکثر توان خود را در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر بکار می گیریم. اما واقعیت نشان می دهد که امر سرکردگی فقط به خواست و تمایل ما برای قبول این مسئولیت مربوط نمی شود. عامل قطعی در این مورد، قبل از همه براساس تناسب قدرت و نفوذ نسبی هر یک از نیروهای خلقی در پروسه انتقال قدرت و در آخرین تحلیل به وسیله رای و اراده آزاد مردم تعیین می شود. بالاخره با تاکید باید گفت که مشروط کردن همکاری ها و اتحاد عمل نیروهای خلقی به حل مساله سرکردگی، عملی است به غایت تفرقه جویانه که بزیر مصالح خلقی تاثیر می کند.

افزایش سهم و نقش طبقه کارگر در جنبه متحد خلق و در راه تحول بنیادین جامعه در گرو حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و گسترش پیوند سیاسی و سازمانی آنها با طبقه کارگر است؛ افتخار بزرگ تاریخی سازمان ما، مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر آن در این راه بوده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران. به مثابه دوگردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر در عمده‌ترین مسایل همواره مواضع یکسانی داشته‌اند، حفظ و تحکیم این وحدت برای جنبش انقلابی طبقه کارگر و تمام خلق اهمیت اساسی دارد. ما همچنان وظیفه داریم با حداکثر تلاش و حداکثر احساس مسئولیت انقلابی در این راه، در راه وحدت همه جانبه این دو گردان نیرومند و کارآزموده طبقه کارگر ایران کام برداریم. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران هر دو خواهان گسترش همکاری‌های همه جانبه بایکدیگر و حفظ و تحکیم وحدت فکری - سیاسی دو سازمان و بسط آن وحدتی همه جانبه هستند. ما همچنان هرگونه پیشرفت در این راستا را بسود خلق و در راس آن بسود طبقه کارگر ایران می‌دانیم و در راه آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

در شرایطی که ارتجاع حاکم حزب توده ایران را مورد رذیلانه‌ترین اتهامات و ددمنشانه‌ترین سرکوبها قرار می‌دهد، در شرایطی که چماق سرکوب امپریالیسم و ارتجاع متوجه حزب توده ایران است، ما دفاع همه جانبه از حزب توده ایران را به مثابه یک وظیفه انقلابی و میهنی قاطع و پیکر به انجام رسانیده و می‌رسانیم.

سیاست و سمتگیری هیات حاکمه همکاری و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست دمکراتیک و انقلابی را پیش‌از پیش ضروری کرده است. ما منسحبین و دیگر گروههای چپ مشابه را به اشتراک مساعی، همکاری و اتحاد عمل با دیگر نیروهای ترقی خواه کشور، در راه دستیابی به اهداف مشترک فرا می‌خوانیم. ما همواره در این راه تلاش کرده‌ایم. ما همواره این گروهها را بسوی همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهان و به مبارزه فعال علیه سکتاریسم و انشعاب طلبی فرا خوانده‌ایم متأسفانه این گروهها در سالهای اخیر با انتصاب بدترین دشمنان ما به سازمان عملاً به برقراری یک فضای سالم برای مباحثه ایدئولوژیکی و حل مسایل مورد اختلاف لطمه زده‌اند. اما اگر از این دشمنان ما صرف نظر کنیم، در برنامه و در سیاست ما و آنها زمینه‌ها و موارد مشترک اساسی وجود دارد که می‌توان و باید برپایه آنها در جهت همکاری‌ها و کمک‌های متقابل آغاز به کار کرد. ما فکر می‌کنیم همکاری‌های متقابل ما علیه امپریالیسم، علیه ارتجاع حاکم در راه صلح و آزادی و در راه استقلال و عدالت اجتماعی امکان‌پذیر و لازم است. این همکاریها یقیناً بسود جنبش است و در مناسبات متقابل ما نیز تاثیر مثبت برجای خواهد گذاشت.

اوضاع کنونی کشور و سیاست و سمتگیری ضد دمکراتیک و ضد مردمی هیات حاکمه، همکاری و اشتراک مساعی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران را در راه آماج‌های مشترک ضروری می‌سازد و آن را به امری مبرم مبدل می‌کند. ما در این راه تلاش خواهیم کرد که علیرغم اختلاف نظرهای موجود، همکاری‌های متقابل ما در هر سه جبهه مبارزه ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و عدالت‌پژوهانه خلق ایران بسط یابد. ما برنامه خود برای جبهه متحد خلق را به همه نیروهای ترقی‌خواه

ایران، از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران ارائه داده و از آنان دعوت می‌کنیم که حول این برنامه یا هر برنامه دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد و زمینه اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران گردد، متحد شویم. بعلاوه نباید تا توافق کامل روی برنامه مشترک. اسر همکاری‌های میان ما و آنها در زمینه‌های مورد توافق معوق بماند. حقیقت اینست که ما و مجاهدین همین امروز در عرصه‌های معینی، از جمله در مبارزه بخاطر بازگرداندن بلاد رنگ صلح به کشور، استقرار دموکراسی در کشور و تامین حقوق دموکراتیک مردم ایران همسو با یکدیگر گام برمی‌داریم. به اعتقاد ما این هم عملی وهم منفید است که به عنوان اولین گام در راه رسیدن به يك برنامه جامع و اتحاد کامل در يك جبهه واحد، در هر عرصه‌ای که سیاست و مبارزه دو سازمان همسوست، همکاری و اشتراك مساعی ما با یکدیگر گسترش یابد.

جنبش ملی خلق کرد بخشی از جنبش رهائی بخش ملی ایران است. این جنبش در طول تاریخ معاصر ایران همواره سلاح نیرومند و اطمینان بخش خلق کرد در مبارزه بخاطر کسب حقوق ملی خویش و نیز از سنگرهای مبارزان میهن دوست و مترقی و انقلابی ایران در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم بوده است. حزب دموکرات کردستان ایران سازمانگر عمده این مبارزه در کردستان بوده است. این حزب اکنون زیر سرکوب و هجوم نیروهای مسلح رژیم، باشعار دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان، علیه رژیم حاکم بر کشور و بسود خواستهای ملی خلق کرد و در جهت خواست تمام خلقهای ایران مبارزه می‌کنند.

سازمان ما همواره از مبارزه بر حق و عادلانه خلق کرد در راه تامین خودمختاری دفاع کرده است. در شرایطی که ارتجاع حاکم علیه آماج‌های انقلاب برخاسته و همه سازمان های مترقی کشور را آماج سرکوب خود ساخته است، در شرایطی که رژیم حاکم، مردم کردستان را آماج حمله قرار داده است. گسترش مناسبات و همکاریها میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات کردستان در راه آماج‌های مشترک نه تنها ضروری بلکه وظیفه‌ای مبرم است.

در اینجا همچنین لازمست در باره نیروهایی که در حکومت هنوز از آماج‌های انقلاب دفاع می‌کنند و ما آنان را مسلمانان مبارز نامیده‌ایم، نام بریم و سیاست سازمان را نسبت به آنان توضیح دهیم. نیروهایی که از يك طرف هنوز امیدوارند جمهوری اسلامی از آن آنها باشد و یا بشود و از سوی دیگر از گسترش حمایت آشکار خمینی از نیروهای راستگرا و مرتجع و هوادار غارتگری کلان تاجران و بزرگ مالکان بیمناکند. آنچه قبل از همه در این رابطه باید گفت آنست که آنها قبلا «امام خمینی» را بیانگر آمال و آرزوهای خود یافته بودند، اما امروز پسران خیانت آشکار رهبرانی که برگزیده بودند، عملا سرگردان و پراکنده مانده و فاقد رهبری خاص خود هستند. خمینی علیه تشکل آنان است. این پراکندگی و فقدان رهبری تا امروز عملا به موقعیت آنان لطمه زده و مورد بهره برداری ارتجاع حاکم قرار گرفته است.

نظراً این است که این نیروها اگر بخواهند در جنبش استقلال طلبانه، آزادیخواه-هانه و عدالت جویانه خلق ما جای خود را داشته باشند، لزوماً باید متشکل شوند و به مردم ثابت کنند که به مسئولیت وضع موجود کشور بر عهده آنهاست و نه با آنچه که این حکومت می‌کند، موافقت. اینکار قبل از همه مستلزم آنست که مسلمانان مبارزه اختلافات و تضادهای جریانهای راستگرای مختلف در بالا دلخوش نکنند و بدانند که حل شدن در هریک از این جریانها، آنها را فقط به آلت دست خائنین به انقلاب تبدیل خواهد کرد. در هر حال فعلاً وظیفه ما این است که از هر مورد مخالفت مبارزه و ایستادگی آنان در برابر ارتجاع حاکم حمایت کنیم و هر مورد عقب نشینی و تسلیم را محکوم و افشاء کنیم، بعلاوه وظیفه مهمتر ما این است که به این نیروها کمک کنیم. حقایق را در باره حکومت و اوضاع کشور در یابند و بدانند که خمینی، شورای نگهبانش و دیگر زمامداران حکومت که بنام اسلام از کلان تاجران و بزرگ مالکان پاسداری می‌کنند، تا زمانی که قدرت را در دست دارند هیچیک از آرزوهای مردم برآورده نخواهد شد این نیروها باید دست یاری دیگر نیروهای میهن دوست و مردمی ایران را برای پایان دادن به حاکمیت این مرتجعین و تشکیل يك دولت ائتلافی ملی دموکراتیک را بفشارند.

رفقا!

کامیابی سازمان ما در دستیابی به اهدافی که فراروی خود قرار داده است در گرو آنست که در این اوضاع بفرنج و دشوار کشور، ما فدائیان خلق ایران به وظایف بنیادین خود هرچه پیگیرتر عمل کنیم، به همان میزان که نقش و تاثیر ما در اوضاع سیاسی کشور و در مبارزه توده‌های وسیع زحمتکشان بالا میگیرد، استقبال هرچه وسیعتر توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه هرچه وسیعتر توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه نیروی ملی و دموکراتیک ایران و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را گسترده‌تر می‌کند. در این رابطه باید وظایف عملی و مشخص سازمان را با توجه به اوضاع کنونی کشور مورد بحث قرار دهیم، نظر به اهمیت این مسئله، فصل بعدی گزارش سیاسی تحت عنوان «اوضاع سیاسی و وظایف ما»، تماماً به این امر اختصاص یافته است.



اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر

میهن ما ایران، اکنون روزگار بر دشوار و خونباری را میگذراند. انقلاب بزرگ بهمن، این شراره شکوهمند عزم و رزم توده‌های میلیونی، بر اثر توطئه‌های امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و خیانت رهبران جمهوری اسلامی را شکست می‌پیماید و آماج‌های والای آن پایمال ارتجاع میگردد. امروز حکومت در همه سمت‌ها سیاست‌های ارتجاعی را گسترش میدهد. تثبیت راه رشد سرمایه‌داری به قیمت حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، آزادی غارتگری لجام گسیخته زحمتکشان توسط سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، برقراری روابط اسارت‌بار با امپریالیسم، دامن‌زدن به هیستری شوروی ستیزی و کمونیزم ستیزی و اعمال خشن‌ترین سرکوب و ستم بر خلق کرد و دیگر اقلیت‌های ملی و مذهبی و پایمال کردن حقوق زنان در جامعه و خانواده، دشمنی با علم و ستیز با فرهنگ ملی ایران رؤس برنامه و سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

ادامه جنگ ایران و عراق، لغو همه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک برقراری شدیدترین شکل حفقان و استبداد و سرکوب خونین حرکات اعتراضی و مطالباتی کارگران و رنجبران به ابزارهای اصلی اجرای این سیاست و برنامه و حفظ و تحکیم حاکمیت تبدیل شده است. تلاش برای پراکندن صفوف خلق و سرکوب و نابودی سازمان‌های انقلابی و مقاومت و مبارزه مردم پایه سیاست ارتجاع حاکم است.

مصالح ملی و منافع مردم پیش از هر چیز و بیش از همه اتحاد نیروهای خلق ایران و اتحاد با جامعه کشورهای سوسیالیستی و رژیم‌ها و نیروهای ضد امپریالیستی در جهان را میطلبد، ارتجاع حاکم با پراکندن و درهم شکستن نیروهای خلق در داخل و گسترش هرگونه همبستگی و دوستی کشور ما با کشورها و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست جهان، به خلاف مصالح ملی، خواستها و آرمان مردم عمل میکند. ارتجاع حاکم می‌کوشد با گرد آوری همه نیروهای مرتجع در کشور و بهره‌مندی هرچه بیشتر از پشتیبانی غرب و وابستگان آن، فرمانروایی خود را حفظ و تحکیم کند. کاریست این سیاستها به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به گسترش جنبش اعتراضی

و مطالباتی مردم منجر شده است و امکان ادامه حیات آنها، بدون توسل به سرکوب و غلبیدن بیشتر به آغوش دشمنان خلق دشوار و دشوارتر ساخته است.

رفقا ۱

در راس سیاستهای خائنانه ارتجاع حاکم و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا که بر ضد مصالح ملی و علیه خواستها و آرمان مردم میهن ما جریان دارد، ادامه جنگ ویرانگر توسط رهبری جمهوری اسلامی قرار دارد. حکومت برای شعله‌ور نگه‌داشتن آتش جنگ بهر قیمت هر روز دردهای تازه‌ای بر دردهای مردم می‌افزاید. جنگ ایران و عراق به تشویق و تحریک امپریالیسم آمریکا و توسط رژیم صدام با هدف صدور ضد انقلاب و تجزیه کشور آغاز شد. اما مقاومت دلیرانه مردم ما این هدف‌ها را خنثی کرد و سرانجام پس از ۲۰ ماه نبرد قهرمانانه در سوم خرداد ۱۳۶۱، به پیروزیهای قطعی در دفع تجاوز دست یافت. اما با این وجود، آیت الله خمینی با این حساب که میتواند مردم مارا، که در جشن فتح خرمشهر عالیترین احساسات میهن پرستانه را به نمایش گذاشتند، در راه آماج‌های مداخله‌گرانه بسیج کند علیرغم هشدارهای مسئولان و میهن پرستانه ما فرمان ادامه جنگ تا سرنگونی صدام را صادر کرد و بدینگونه انقلاب و کشور را در مسیر توطئه‌های قرارداد که امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه تدارک دیده بودند، اما همانطور که پیش بینی میشد، حساب‌های او غلط از آب در آمد و طولی نکشید که جنگ شکل فرسایشی و بی سرانجام بخود گرفت.

اکنون هر روز بر عمر جنگ افزوده میشود. موضع کشور ما در تامین منافع و حقوق ملی، ضعیف‌تر و حضور و مداخله امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، بیشتر میشود. ارتجاع حاکم که خود را در برپائی جمهوری اسلامی در عراق ناتوان می‌یابد با اینکه می‌فهمد دستیابی به هدفهای که از ادامه جنگ فرا روی خود قرارداده بود شکست خورده است، تلاش میکند تا با شعله‌ورنگه‌داشتن آتش جنگ این شکست را پنهان سازد. ادامه جنگ در حال حاضر از يك سو وسیله کنار آمدن با ارتجاع منطقه و غرب و از سوی دیگر در خدمت پنهان کردن خیانت و جنایات بیشتر ارتجاع از مردم قرار گرفته است.

این جنگ مصائب بزرگ پرشماری برای مردم ما ببار آورده است. تاکنون از دوسو تقریباً ۳۰۰۰۰۰ نفر کشته، دو میلیون آواره، دهها هزار نفر گمشده و صدها هزار نفر معلول شده‌اند. برابر گزارش رسمی خود حکومت ۴۲٪ بودجه کشور صرف جنگ میشود. در پنج استان، بخش اعظم تولیدات خوابیده و چندین شهر مهم و مدعا روستای کشور ویران شده است. مطابق گفته رئیس جمهوری اسلامی طی سه سال، از سال ۶۰ تا پایان سال ۶۲ مبلغ حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال صرف هزینه‌های جنگ شده که اگر هزینه در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۲ را نیز بر آن بیافزاییم به رقم

نجومی ۱۷۷۰ میلیارد ریال میرسد. طبق آمار دولتی خسارات وارده بر ایران تنها تا پایان سال ۶۱، ۱۶۳ میلیارد و ۶۹۷ میلیون دلار است که سهم خسارات مستقیم آن به ۸۰ میلیارد دلار بالغ میشود.

سیاست ادامه جنگ در عمل به عامل کار آمد و مؤثر تقویت نیروهای راستگرا در حکومت و وسیله پیاده کردن اهداف و افسرگرایانه و ضد خلقی توسط آنان تبدیل شد. در حال حاضر ادامه جنگ از عمده‌ترین عوامل تهدید استقلال، حق حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ماست. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از فتح خرمشهر، در برخورد با مسئله جنگ تا امروز همدوش و همراه با حزب توده ایران از يك سیاست اصولی، مسئولانه و منطبق با مصالح ملی ایران پیروی کرده است. ما (پس از فتح خرمشهر) ادامه جنگ را فقط به نفع محافل حاکمه آمریکا و به زیان دو کشور ایران و عراق اعلام کردیم و همواره مخالف گسیل نیرو بداخل خاک عراق و موافق برقراری فوری آتش بس و صلح بر اساس حق حاکمیت و تمامیت ارضی طرفین برابر قرارداد ۱۹۷۵، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل تمام مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره بوده‌ایم. ما امروز نیز همچنان از همین سیاست اصولی پیروی میکنیم.

ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روز افزون توده‌ای خلق مواجه است. اکنون دیگر بدرستی میتوان از يك جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن، گسترش مییابد. سازمان ما در شهرها و روستاهای کشور نقش کاملاً موثری در گسترش این جنبش بر عهده گرفته است. شعارها و رهنمودهای ما در مقابله با این جنگ خانمانسوز در میان توده‌ها نفوذ میکند و با استقبال روز افزون مردم مین مواجه است. ما مبارزه در راه بازگرداندن صلح بین دو کشور را در مدبر و وظایف خود قرار داده‌ایم. ما باید بسیج مردم علیه جنگ و برای صلح را با زهم بیشتر گسترش دهیم. باید با زهم بیشتر زیانهای جنگ و مسئولیت هیأت حاکمه در تحمیل آن به مردم را اقصاء کنیم. ما خواهان آن هستیم. و در این راه تلاش میکنیم که مبارزه همه احزاب، سازمانها، گروهها، محافل و شخصیت‌های صلح‌دوست و میهن پرست ایران هم آهنگ شود و همکاری بین آنان در مبارزه بخاطر صلح گسترش یابد. آرزوی مردم ماست که تلاش برای اشتراك مساعی، هماهنگی و اتحاد عمل همه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های مترقی و صلح خواه ایران علیه ادامه جنگ با نتایج موثر و مثبت مواجه گردد.

ما برای کوششهای صلح طلبانه کشورها، سازمانها و مجامع بین المللی و محافل صلح دوست جهان نیز که در راه قطع بلادرنگ جنگ اهتمام می‌ورزند، اهمیت ویژه‌ی قائلیم. تلاش‌های سازمان ملل متحد، در زمینه محدود کردن جنگ البته تأثیر مثبت داشته است. ما از این تلاشها استقبال کرده. و تلاش می‌کنیم که این مجاهدات و اقدامات مجامع بین المللی بویژه سازمان ملل متحد و جنبش غیر متعهدها، ادامه و گسترش بیابد.

اگرچه همه انقلابیون و مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با هر عقیده و جهان بینی، در معرض پیگردهای گسترده و شکنجه و آزار ددمنشانه هستند، نه تنها

عضویت ساده در هریک از احزاب و سازمانهای انقلابی، بلکه صرف داشتن يك اعلامیه از این سازمانها یا صرف خواندن یا نگهداشتن يك كتاب و یا حتی تنها پیوند خانوادگی یا دوستی با يك انقلابی کفایت تا افراد را آماج بیکرد و شکنجه و انتقا مجبوری رژیم و جلادان آن قرار دهد. فدائی و توده‌ای و مجاهد و دمکرات و وابستگان دیگر سازمانهای انقلابی چپ از نظر رژیم، فی‌نفسه مجرم و از پیش محکوم شناخته می‌شوند. رژیم حاکم تاکنون هزاران انقلابی و میهن پرست را به شهادت رسانده است. در این میان بیش از هزار نفر از شهدا از زنان مبارز کشور ما بوده‌اند. هزاران نفر از آنان نوجوانانی بودند که تنها جرمشان داشتن قلبی گرم برای آزادی میهن و سعادت مردم بود. در میان شهیدان، مادران هفتاد ساله و کودکان سیزده ساله کم نیستند.

رفقا !

همه ما که امروز در اینجا گرد آمده‌ایم، هریک مدتها در زندانهای شاه سر برداشتم، با دریغ و اندوه بسیار باید بگوئیم بسیاری از هم‌زمان و هم‌نجران ما، بسیاری از رفقا و دوستان مبارز ما که سالهای طولانی را در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم شاه، در کنار ما بسر آورده بودند امروز دیگر در میان ما نیستند. آنها درحالیکه هنوز داغ شکنجه‌های رژیم سرتگون شده شاه را همچون مدال افتخار بر بیکرهای خود نشانده داشتند، توسط جوخه‌های اعلام رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شدند. کشتار این شریف ترین فرزندان میهن و مردم سیاه‌ترین لکه ننگ بردامن بخون آلوده ارتجاع است. بیائید در اینجا با دیگر بیاخیزیم و با سکوت رزمجویانه خویش خاطره تابناک آنان و همه شهیدان خلق را گرمی بداریم. (يك دقیقه سکوت اعلام شد).

از هم‌زمان خود بیاموزیم و از خاطره تابناکشان الهام بگیریم. از آنان که در میدانهای تیر همچنان استوار رو به امپریالیسم و ارتجاع فریاد کشیدند زنده باد مردم، زنده باد انقلاب، مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع.

رفقا !

امروز دهها گروه مسلح با عناوین و وظایف عجیب و غریب، به تعقیب و پیگرد و سرکوب مردم و انقلابیون مشغولند. رژیم با تکیه دهها دارودسته مسلح مخفی و علنی، با شبکه گسترده‌ای از زندانها و شکنجه‌گاهها به خیال خام خود میخواهد انقلاب و جنبش انقلابی خلق ما را نابود کند. وضع زندانهای جمهوری اسلامی و چگونگی بازجوئی و محاکمه آنان آئینه تمام نمای این نیت فاشیستی رژیم است.

درجریان «بیکرد»، «تحقیق» و «محاکمه» مجازات زندانیان در ایران آمیزه‌ای از شوه‌ها و وسائل قرون وسطائی و نیز اسلوب‌ها و تکنیکهای فوق مدرنی که از سازمان-

های جاسوسی غرب اخذ شده است، استفاده می‌شود. زندانیان سیاسی در ایران فاقد هر گونه حقوق اجتماعی و بشری، فاقد هرگونه تامین جانی و فاقد ابتدائی ترین امکانات زیستی هستند.

در بیدادگاههای رژیم، مطلقاً هیچ قانونی وجود ندارد که بر انتقامجویی سبعانه مبنی به اصلاح قضات شرع کوچکترین مهاری بزند.

بازگردانیدن دموکراسی به کشور، هدف مشترك و مقدم مبارزه همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای جنایات رژیم، علیه آزادی و دموکراسی و بسیج همگانی علیه آن و مبارزه در راه استقرار دوباره دموکراسی در کشور را وظیفه مبرم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترك در این راه فرامیخواند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هماهنگی مبارزه همه نیروهای دموکراتیک در دفاع از آزادیهای سیاسی، به ویژه آزادی زندانیان سیاسی پیگیرانه تلاش میکند.

سازمان ما از طریق ارگان مرکزی سازمان تشکیل يك نهاد مشترك برای دفاع از زندانیان سیاسی را پیشنهاد کرده و فراخوان و برنامه روشنی را برای دفاع از زندانیان سیاسی ارائه کرده است.

امروز و در این گردهمایی تاریخی بار دیگر این پیشنهاد را تکرار میکنیم و سایر نیروهای مبارز: سازمان مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان، و دیگر سازمانها و گروههای چپ و انقلابی را به فعالیت هماهنگ و مشترك در راه تامین آزادیهای سیاسی و دفاع از زندانیان سیاسی دعوت میکنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به اقدامات مجامع و محافل بین المللی در حمایت از زندانیان سیاسی ارج میگذارد، ما در این روزهای دشوار تاریخ کشورمان بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه جهان دعوت میکنیم که بر حمایت خویش از مبارزه مردم ما برای پایان دادن به رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور بافزایند.

ارتجاع حاکم افزون بر نابودی آزادیهای سیاسی، دیگر آزادیهای دموکراتیک را نیز نفی و پایمال کرده است. امروز طبقه کارگر و توده‌های رنجبر کشور ما از هر گونه امکان و حق تشکل و مبارزه قانونی در دفاع از حقوق خویش محروم گشته‌اند. حکام جمهوری اسلامی در طول سالهای اخیر همواره تلاش کرده‌اند سندیکاهای و شوراهای کارگری را منحل و مسخ کنند و یا آنها را به اهرم فشار علیه کارگران مبدل سازند. آنها همواره تلاش کرده‌اند نگذارند کارگران برای خود سندیکا و شورای مستقل ایجاد کنند. دیگر اقشار زحمتکش نیز همینگونه زیر فشار قرار دارند و از حق ایجاد تشکلهای صنفی و طبقاتی و دفاع قانونی از حقوق خود محرومند رژیم می‌کوشد دهقانان را در حالت پراکنده نگه‌دارد تا در برابر دولت و مالکین دست بسته باشند. دهها هزار کارگر و کارمند و آموزگار و استاد به دلایل عقیدتی، بدلیل عدم متابعت از ایدئولوژی و سیاست حاکم، بدلیل طرفداری از انقلاب و امتناع از جاسوسی برای رژیم از کار اخراج

شده‌اند. کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان و دیگر اقشار مردم امروز مبارزه خویش را علیه این اقدامات رژیم گسترش می‌دهند.

حکومت جمهوری اسلامی واضح بی سابقه ترین تبغیض‌ها براساس مذهب، عقیده و ملیت است. این تبغیض‌ها در عرصه آموزش و پرورش بجائی رسیده که حتی کودکان به جرم وابستگی خانوادگی با نیروهای انقلابی و اقلیت‌های مذهبی، یا از تحصیل محروم میشوند و یا در محیط آموزش زیر شدیدترین فشارها برای شستشوی مغزی قرار می‌گیرند. اقلیت‌های دینی، حتی برای برگزاری مراسم مذهبی بازبان و آئین خاص خود شدیداً زیر فشار قرار دارند. سازمان ما با همه امکاناتی که در اختیار داشته از حقوق اقلیت‌های دینی دفاع کرده و کوشیده است تا مبارزه آنها را در راه تامین حقوق حقه خویش سمت دهد و مردم را به حمایت از مبارزه آنان فراخواند. این وظایف امروز با تاکید بیشتری در برابر ما قرار دارند. فدائیان خلق تفرقه افکنی و اشاعه شوونیسم مذهبی درصوف خلق را قاطعانه افساء میکنند و همه سازمانهای انقلابی و میهن پرست، خصوصاً نیروهای مبارز مسلمان را به مبارزه هرچه گسترده تر در این راه دعوت می‌نمایند.

دامن زدن به تبغیض میان ملیتهای مختلف کشور ما نمودار دیگری از عملکردهای ضد دموکراتیک ارتجاع حاکم است. رژیم با انکار ویزگیهای ملی، قومی و مذهبی خلقهای ساکن کشور، حقوق آنان را لگدکوب کرده و مانع شرکت خلقها در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور است.

اکنون بیش از پنج سال از تهاجم حکومت علیه خلق کرد میگذرد. درطول این مدت هزاران زن و مرد و پسر و جوان هم مین ما در میدانهای جنگ برادر کشی در کردستان جان خود را از دست داده‌اند. برابر آمارکنگره ششم حزب موکرات تاکنون ۲۵ هزار نفر از مردم عادی کردستان جان خود را از دست داده‌اند.

رژیم که خود را از نابودی مبارزان کرد ناتوان میبیند، فشار را روی مردم بی -- دفاع روستاهای کردستان تشدید میکند. رژیم اخیراً در برخی از روستاهای کردستان به کوچ اجباری روستائیان دست یازیده است. رژیم روستاهائی را که از جنبش ملی خلق کرد حمایت میکنند و مبارزان کرد را پناه میدهند، به توپ می‌بندد. همچنین رژیم اخیراً طی بخشنامه‌ای به همه ادارات در سراسر کشور دستور داده تا کردها را شناسائی کنند. جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه میکند، یک رکن مهم جنبش سراسری مردم ایران است. علیرغم لشگرکشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمباران وحشیانه و قتل عام‌های بیرحمانه مردم بیگناه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجزمانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشگرکشی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند. سازمان، مردم سراسر ایران را از جنایات رژیم در کردستان و از خواستهای بر حق خلق کرد آگاه می‌سازد. و بیگورنه از مبارزه بر حق و عادلانه مردم کردستان در راه کسب حق خود مختاری پشتیبانی میکند. سازمان در راه تحکیم همبستگی مبارزه خلق

کرد با مبارزه سراسری مردم ایران و جلب پشتیبانی مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکنند.

مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکنند.

تلاش حکومت این است که زنان را با توسل به انواع فشارها از محیطهای کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی بیرون براند و مانند بردگان درچار دیواری آشپزخانه و خانه، بی بهره از هرگونه حقوق انسانی و اجتماعی به تمام معنی اسیر سازد. در محیطهای کار هرروز عرصه برزنان تنگوتنگتر میشود. زنان را از محیطهای فعالیت اجتماعی طرد میکنند. بسیاری از کارها و بسیاری از پستها، رسماً برای زنان ممنوع شده است. در راه آموزش دختران و زنان دشواریهای گوناگونی پدید آوردهاند و میکوشند برای آنها از اساس سیستم جداگانه «آموزشی» سرهمبندی کنند. مطابق آمار دولتی در سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ دانش آموزان دختر یک میلیون و هشتصد هزار نفر کمتر از پسران بودند. این تفاوت ده سال پیش از آن یک میلیون نفر بوده است. عمال رژیم وقیحانه حتی در جزئیات زندگی شخصی زنان کشور کنکاش و دخالت میکنند و زنان شریف میهن ما را صرفاً بدلیل عدم متابعت از پوشش موردپسند ارتجاع مورد اهانت‌های وقیحانه قرار میدهند، به زندان میبرند و به شلاق میکشند.

رفقا !

توجه نا برابریها و ستمگری اجتماعی، سرخ و انکار امول عدالت خواهانه قانون اساسی و رویگردانی آشکار از انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی اکنون سیاست رسمی حکومتگران است. حکومت جمهوری اسلامی حافظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و بیش از همه تامین کننده منافع کلان تاجران است و راه را برای غارت بی‌امان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان باز گذاشته است.

اکنون در کشور ما ۵۰۰ هزار خانوار (۲۵ میلیون نفر) دهقان بی زمین و حدود بیش از یک میلیون خانوار (بیش از ۵ میلیون نفر) کم زمین هستند که مجموعاً ۴۳٪ کل دهقانان کشور را تشکیل میدهند. این تعداد از دهقانان کلاً ۵ درصد از زمینهای کشاورزی را در اختیار دارند. برابر اعتراف مسئولین رژیم حدود ۴۳ درصد دهقانان کمتر از ۲ هکتار زمین کشاورزی در اختیار دارند. در حالیکه ۲۱٪ زمینهای بارآور در تملك ۲۶ هزار بزرگ مالک قرار دارد. از هنگام تصویب قانون اصلاحات ارضی در شورای انقلاب و تشکیل هیات‌های هفت نفر درخرداد سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۶۱ تنها مجموعاً ۷۳۵ هزار هکتار زمین به کشاورزان واگذار شده بود که ۵۰۰ هزار هکتار آن از زمینهای موات بوده است. جمع کل خانوارهایی که تا آئزمان صاحب زمین شدند تنها ۹۵۸۷۶ خانوار بوده است.

حکومت جمهوری اسلامی در اواسط سال ۵۹ با تأیید آیت الله خمینی اجرای

قانون اصلاحات ارضی را متوقف کرد. و در اواسط سال ۶۱ پس از رد طرح نیم بند اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان، تعرض ارتجاع برای بازپس گرفتن زمین از دهقانان و بازگردانیدن بزرگ مالکان فراری به روستاهای کشور آغاز شد. امروز در نقاط مختلف کشور، دهقانان با هجوم مجدد بزرگ مالکان روبرو هستند. تعرض رژیم علیه منافع دهقانان زحمتکش چنان گسترش یافته که حتی در بسیاری از نقاط کشور امحاء دستاوردهائی که دهقانان طی مبارزات طولانی خویش علیه رژیم ستمشاهی بدان نایل شده بودند را، در برمیگیرد، نمونه بارز این امر قانون مربوط به ابطال اسناد واگذاری اراضی موقوفه مصوب اسفند ماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی است. مطابق این قانون ارتجاعی اسناد واگذاری زمینهای اوقاف به زارعین صاحب نسق در گذشته باطل شده است.

دهقانان محروم در چنین شرایطی دسته دسته راهی شهرها میشوند و در بیفوله‌ها و حلبی آبادهای حاشیه شهرها زندگی رنجبار خویش را سپری میکنند. رژیم دهقانان آوارم و مهاجر را زیر فشار شدید قرار داده، آنها را از استفاده از طرح جیره بندی به اصطلاح بسیج اقتصادی محروم میسازد و حتی با تشکیل گشت‌های ویژه‌ای از افراد مسلح آنان را شناسائی و دستگیر میکنند و به زور از شهرها بیرون می‌رانند. با این همه به گفته شهردار تهران در سال جاری هر روز ۱۵۰۰ نفر روستائی تنها به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند.

لایحه ده بار تعدیل شده بنام «دولتی کردن تجارت خارجی» از سوی شورای نگهبان مردود اعلام شد و به جای آن مصوبه‌ای پس ارتجاعی که دولت را خدمتگزار کلان تاجران می‌شناسد بنام «نحوه اجرای تجارت خارجی» صورت قانونی یافته است. در پرتو فتاوی مکرر آیت الله خمینی در حمایت از آزادی تجارت و تجار غارتگر، کلان تاجران بر شریانه‌های اقتصادی کشور، چنگ انداخته و بی آنکه نقشی در تولید ثروت‌های جامعه داشته باشند، از طریق چپاول مردم و اسحای استقلال کشور سودهای هنگفت می‌اندوزند. فعالیت اقتصادی کلان تاجران یکی از عمده ترین عوامل گرانی و تورم در سطح کشور است.

بنابنه گزارش بانک مرکزی حجم پول در پایان سال ۶۲ نسبت به سال ۵۷ حدود ۳۱ برابر گردیده است. به اعتراف وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در سال ۶۲ بخش «خدمات» ۲۸۰ میلیارد تومان «ارزش افزوده» داشته است، درحالیکه در بخش‌های تولیدی (صنعت و کشاورزی) نصف و یا ثلث آن هم نبوده است. بعبارت دیگر «تجار محترم» با حمایت سران رژیم، تاکنون صدها میلیارد از درآمد و ثروت ملی را بضرارت برده‌اند.

بر خلاف نص صریح قانون اساسی آیت الله خمینی در چهارم شهریور ماه امسال بار دیگر به صراحت تمام سپردن تجارت خارجی بدست تجار بخش خصوصی را مورد تأیید قرار داد. نقش استقلال شکن این سیاست، موقعی آشکار می‌شود که بخاطر

آوریم به اعتراف مقامات رسمی کشور ۷۰٪ واردات از کشورهای امپریالیستی و ۲۰٪ واردات از کشورهای وابسته به امپریالیسم بویژه از ترکیه و پاکستان و برزیل است. سیاست رسمی رژیم همان طرح نواستعماری تکیه بر صادرات نفت و واردات کالاهای مصرفی است. علیرغم شعارهای دروغین حکومت در مورد «خود کفائی اقتصادی» رشد واردات به بهای نابودی تولید ملی در ابعاد نجومی بالاگرفته است و حجم کالاهای وارداتی در سال گذشته به مرز ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. بموجب آمار اعلام شده، واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی و محصولات غذایی در ۱۰ ماه سال ۶۲ از لحاظ وزن ۲۸ درصد و از لحاظ ارزش ۴۲ درصد افزایش داشته است. حجم واردات گندم در سال ۶۲ در مقایسه با سال ۵۷ درست است چهار برابر افزایش را نشان میدهد، که نمودار ورشکستگی اقتصاد کشاورزی در اثر سرازیر شدن کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه داری است.

برای توضیح روشن تر سمتگیری رژیم، بدنیست حقایق دیگری را نیز در این زمینه خاطر نشان کنیم. بسیاری از شرکتهای امپریالیستی همچنان آزادانه در اقتصاد کشور فعالند. تنها شمار انحصارات ایتالیائی که در ایران فعالیت دارند به ۵۰ شرکت رسیده که حجم قراردادهای آنها به ۶ میلیارد بالغ میگردد. حجم مبادلات بازرگانی با کشورهای امپریالیستی بطور شتابان رشد پیدا کرده است. در سال ۶۲ حجم صادرات آلمان فدرال به ایران ۱۰۰٪ افزایش را نشان میدهد. صادرات آمریکا به ایران طی یازده ماه سال ۱۹۸۲، ۱۷۱ میلیون دلار تخمین زده میشود که رشدی معادل ۸۰٪ را منکس میکند. سهم واردات ایران از انگلستان روزبه روز در حال افزایش است و هم اکنون ماهیانه به حدود ۵۰ میلیون لیره استرلینگ رسیده است. بانوافقت رژیم انحصارات ژاپنی. در مهمترین رشتههای تولید و خدمات فعال مایشاء هستند. قرارداد تجملی و نابرابر پتروشیمی ایران و ژاپن يك نمونه برجسته است که در یوزگی رهبران رژیم در محراب امپریالیستها را به نمایش میگذارد. ماهیت سیاست رژیم موقعی عریانتر رخ می نماید که متذکر شویم که حجم مبادلات بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در مقایسه با سالهای قبل حدود ۷۰٪ کاهش یافته است. اشتیاق رژیم به گسترش رابطه با امپریالیستها اکنون، تابدان پایه است که وزیر صنایع سنگین رژیم آشکارا از ضرورت تحکیم وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، آنهم از تریبونهای رسمی و نیمه رسمی دفاع میکنند.

برخلاف روح و نص قانون اساسی که نقش عمده را در اقتصاد کشور برعهده بخش دولتی و تعاونی گذاشته است، به موجب برنامه پنج ساله اول، ۶۲٪ سرمایه گذاری در صنایع سبک و سنگین بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده است. و این در شرایطی است که بگفته وزیر معزول صنایع، ۷۵٪ مواد اولیه کارخانهها و ۹۵٪ ماشین آلات مورد نیاز صنایع بزرگ وابسته به انحصارات امپریالیستی است. مجموع این حقایق مؤید این حکم است که تثبیت راه رشد سرمایه داری و غارتگری

بی‌امان کلان سرمایه‌داران، حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم را ناگزیر ساخته است

هم از این روست که برای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و در رأس همه کلان تاجران، برطرف کردن هرچه سریعتر «سؤ تفاهات» باغوب امپریالیست مسأله مرکزی است. زیرا شاهراهی که کاروان سودهای بی پایان اینان از آن میگذرد، همان شاهراه چپاول انحصارات امپریالیستی است. حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در این شاهراه گام گذارده و در چنین مسیری راه می‌سپارد.

مناسبات اقتصادی گسترده و نابرابر رژیم با امپریالیستهای آلمان فدرال، ژاپن، ایتالیا، انگلیس و دادوستدهای مخفیانه و با واسطه و بی واسطه آن با آمریکا، نموداری از مستگیری ضد ملی در سیاست جمهوری اسلامی است. امپریالیستها در جریان کنفرانس ویلیامزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مسافرت اخیر گنشر وزیر امور خارجه آلمان تسریع آن شدند. در کنفرانس اخیر سران دول بزرگ امپریالیستی در لندن، تصمیمات ویلیامزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مسافرت اخیر گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال پس از کنفرانس لندن، بعنوان نماینده امپریالیسم آلمان و سفیر حسن‌نیت غرب امپریالیست و دلال گفتگوهای در برده رژیم با امپریالیسم آمریکا گسترده و ژرفای مستگیری ارتجاعی، رژیم را در جهتی مغایر مصالح ملی و آماج‌های انقلاب بهمن هرچه روشنتر به نمایش گذاشته است.

همکاریهای گسترش یابنده و شتابگیر حکومت با رژیمهای مرتجع منطقه بویژه رژیمهای ترکیه و پاکستان، اجزاء رسمی پیمان آمریکا ساخته آر - سی - دی بعنوان زمینه و مقدمه گسترش همکاریهای نظامی و اطلاعاتی، همکاری و هماهنگی با ترکیه در سرکوب مبارزات خلق‌های کرد ساکن ایران و عراق و کمکهای همه جانبه به ضد انقلاب افغان نمودار اقدامات ارتجاعی رژیم علیه مصالح ملی کشور ماست. این اقدامات در نقطه مقابل اهداف ضد امپریالیستی انقلاب و مردم ما قرار دارد. توطئه علیه انقلاب افغانستان، اعلام عدم حمایت از یکبارگی و وحدت جنبش فلسطین، حمایت وسیع از دارودسته‌های مرتجع و قشری عراق با پوشش اسلامی جهت جلوگیری از رشد و بالندگی جنبه نیروهای انقلابی و مردمی عراق، نمونه‌هایی از مقابله حکام جمهوری اسلامی با جنبش انقلابی در کشورهای رشد یابنده است. چنین روندی در تقابل آشکار با منافع ملی کشور ما و تهدید انکار ناپذیری علیه استقلال سیاسی و منافع ملی کشور ماست. این روند کشور ما را به جنبه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا میکشاند. این مهمترین خطری است که میهن ما را تهدید می‌کند. سازمان ما به مثابه سازمان یکپورترین مدافع پرستان ایران با همه امکانات خود این سیاستها و اقدامات رژیم را افشاء کرده و میکند. ما با تمام نیروی خود از استقلال ملی و منافع ملی کشور خود دفاع میکنیم.

افشاء این سیاستها و سبب همه افسار و طبقات خلق علیه تلاشهای استقلال شکن و ایران برپاداده ارتجاع حاکم وظیفه تاخیر ناپذیر و بنیادین همه نیروهای انقلابی است. مردم

میهن ما که در راه تامین استقلال کشور خود حماسه‌های بی‌مانند آفریده‌اند و سنگر به سنگر علیه مواضع امپریالیسم و عمال و وابستگان آن جنگیده‌اند اقدامات استقلال‌شکن رژیم را با مقاومت و مبارزه شتابگیر خویش مواجه می‌سازند. در این راه افشاء توطئه‌های امپریالیستها برای به کجراه کشاندن سازمانهای ضد امپریالیست و انقلابی، پاشیدن تخم تفرقه و نفاق در صفوف نیروهای ملی دموکراتیک کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. سازمان ما با درایت انقلابی در راه خنثی کردن این توطئه‌ها و تلاش‌های محیلانه امپریالیسم و نیروهای ارتجاع، با تمام قوا میرزد.

رفقا!

توده‌های دهها میلیونی کشور نه تنها سیاست و سمتگیری حکام جمهوری اسلاص را تأیید نمی‌کنند، بلکه علیرغم حفقان و سرکوب شدید و بی سابقه‌ای که بر کشور حاکم شده است، در راه تامین خواستها و کسب حقوق خود مبارزه می‌کنند. جنبش توده‌ای در وضع فعلی خصلت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض علیه ادامه جنگ و علیه نابرابری اجتماعی عمومی ترین مضامین اعتراض و مبارزه توده مردم زحمتکش است. سیاست رژیم در اعمال تبعیض و نقض حقوق دموکراتیک مردم با مقاومت توده‌ای روبروست. مردم سیاست رژیم در جلب و فراخواندن کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان فراری و انتقال اموال و زمین‌های مردم به آنها را محکوم می‌کنند. خواستها و مطالبات اقتصادی عمده‌ترین موضوع مبارزه توده است. این مبارزه گرچه هنوز پراکنده و عموماً موضعی است. اما مشخصاً با آگاهی سیاسی در آمیخته و دارای جهت‌گیری سیاسی معین در مخالفت با سمتگیری و سیاست رژیم است.

افشاگری نیروهای انقلابی بویژه فدائیان خلق و توده اینها در باره ماهیت و سمتگیری سیاست رژیم موجب آن شده است که توده‌های وسیعی از مردم از حقایق کشور آگاه شوند و راه مقابله با آن را در پیش گیرند. سیاست رژیم در سرکوب همه‌احزاب سازمانهای انقلابی و پایمال کردن همه آزادیهای سیاسی، تعطیل تمام مطبوعات غیر حکومتی، کشتار دهها هزار جوان بیگناه میهن دوست و مترقی و قشون کشی علیه هر اعتراض به حق توده‌ای نیز همه و همه به روند سلب اعتماد مردم از حکومت دامن می‌زند. اعتراض علیه آزادی کشی گسترش بازم بیشتر می‌یابد.

در وضعیت فعلی توده‌ها به اشکال متفاوتی اعتراض و مبارزه خود را دنبال می‌کنند. حرکات اعتصابی، کم‌کاری و تحمض، تظاهرات و درگیریهای موضعی و محلی خود انگیخته، مراجعه و اعتراض دسته جمعی به مسئولین، مقاومت منفی و عدم تمکین به مقررات و تحکیمات حکومت اشکال مبارزه توده‌ایست. شکل عمومی این مبارزات قهرآمیز نیست.

هم اکنون فدائیان خلق، اعضاء و هواداران سازمان در سراسر کشور مطابق خط

منشی، سیاست و رهنمودهای مشخص سازمانی در جنبش روبه گسترش توده‌ای نقش موثری بر عهده دارند. اعضاء و هواداران سازمان با جنبش توده‌ای پیوندهای عمیق برقرار می‌کنند و در هر کجا که باشند در هدایت مبارزه مردم‌پسوی پیروزی، بسوی تسخیر مواضع تازه‌تر و مستحکم‌تر فعالانه تلاش میکنند. دستگاه رهبری سازمان و مسئولین بخشهای مختلف تشکیلات، بویژه در سال جاری، تمام تلاش خود را بکار گرفته‌اند که سازمان همه امکانات خود را برای پیروزی و بسط و زرفش اعتراض و مطالبه مردم بکار گیرد. تبلیغات سازمان گسترش یافته و در برتو آن توده‌های وسیع خلق در می‌یابند که فدائیان خلق ایران (اکثریت) میتوانند مورد اطمینان و اتکاء قرار گیرند. ما موفق شده‌ایم بوسیله پخش تراکت در سطح وسیع، شمارها و مطالبات توده‌ها را در سطح جامعه مطرح کنیم. سازمان با اتکا به تجارب ارزشمندی که آموخته است روزبه‌روز سهم سایشسته‌تری در هدایت جنبش توده‌ای برعهده می‌گیرد.

جنبش توده‌ای کارگری، که در حال حاضر رشد یافته‌ترین بخش جنبش توده‌ای است، در مرکز توجه و کانون فعالیت ما قرار دارد. در سالهای اخیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران عملاً در سازماندهی و هدایت مبارزه توده کارگران و در اشاعه شناخت طبقاتی و آگاهی سیاسی در صفوف طبقه کارگر نقش تعیین‌کننده و درجه اول را ایفا کرده‌اند. بارزترین نمود این نقش در جنبش قانون کار علیه پیش‌نویس توکلی، وزیر کار سابق و در راه تدوین قانون کار مترقی با مشارکت کارگران متجلی شد. طومار نویسی علیه پیش‌نویس کذائی بیش از یک صد هزار نفر کارگر زحمتکش را در بر گرفت. رقمی که در تاریخ جنبش کارگری ایران بی‌سابقه است. این مبارزه که اوج خود را در نیمه دوم سال ۶۱ و نیمه اول ۶۲ بارد پیش‌نویس توکلی و برکناری خود وی پشت سر گذاشت هم‌اکنون در مقابله با پیش‌نویس تازه ادامه دارد. آگاهی کارگران در این مبارزه تا آنجا رشد یافته است که رژیم حتی اگر پیش‌نویس ضد کارگری را هم به تعویب برساند هرگز قادر نخواهد شد آنرا به تأیید کارگران برساند. در دو سه ساله اخیر مساله دستمزد برای کارگران هر روز حدت بیشتری یافته است. در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکند و در شرایطی که به اعتراف خود حکام جمهوری اسلامی سود سالانه کلان تاجران و دیگر سرمایه‌داران بزرگ به هزاران میلیارد ریال سر می‌زند و چنان غارت میکنند که در بیست سال گذشته بی‌سابقه بوده است و در حالیکه بار این جنگ خانمانسوز هر روز زندگی و معیشت زحمتکشان را سخت و سخت‌تر میکند، رژیم به ظالمانه‌ترین شکل ممکن از سال ۵۸ تا حالا حداقل دستمزد کارگران را در همان سطح ۶۳۵ ریال نگاهداشته است. ارزش واقعی این مبلغ نسبت به سال ۵۸ به کمر از نصف آن رسیده است. و افزایش دستمزد از عمده‌ترین مضامین مبارزه مطالباتی کارگران است. بیشترین اعتصابات که در یکساله اخیر رخ داده به انحاء مختلف در این رابطه بوده که برجسته‌ترین آن اعتصابات قهرمانانه کارگران دخانیات است. سیاست رژیم در دفاع از منافع سرمایه‌داران، طبقه کارگر را ناگزیر ساخته است

به اتکای نیروی خود در مقابل کارفرمایان و دولت قرار گیرد و از هستی و زندگی خود دفاع کند. فعالین ما باتمام امکانات و با استفاده از تمام اشکال مبارزه توده‌ای، مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد را تقویت میکنند و سازمان میدهند.

در يك سال اخير مبارزه کارگران در زمینه مساله مسکن و طبقه بندی مشاغل جای برجسته‌ای داشته است. در اکثر واحدهای تولیدی علیه مقررات طرح طبقه‌بندی مشاغل و در جهت تغییر آن به نفع کارگران مبارزه و حرکت وجود داشته است. این مبارزه دامنه وسیعی بخود گرفته و در چندین مورد به اعتصاب کشیده شد که نمونه شاخص آن اعتصاب کارگران قهرمان شرکت ساسان است. اعتصابی که توسط عمال «حکومت اوین» به خون کشیده شد. تعاونیهای مسکن کارگری نیز در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و به یکی از تشکلهای نیرومند کارگری تبدیل شده است. هم‌اکنون همدا تعاونی مسکن کارگری مبارزه وسیعی را برای گرفتن زمین، تحصیل وام و مصالح پیش می‌برند. محافل ارتجاعی حاکم تلاش دارند این تشکلهای را متلاشی کنند. فعالین کارگری باید با جدیت بیشتر این دو خواست مهم کارگران را دنبال کنند.

عوامل سرکوبگر رژیم در کارخانجات و محیطهای کارگری، که اکثرا یا تحت پوشش انجمن‌های اسلامی عمل میکنند و یا رسماً از طرف سپاه و دادستانی در دایره حفاظت و «انتظامات» گمارده شده‌اند، سعی میکنند با حربه اخراج و چماق زندان توده کارگران را به اطاعت و تسلیم وادارند. در ماههای اخیر حربه اخراج بدون توجه به هرگونه ضابطه و قانونی علیه فعالین جنبش کارگری بکار گرفته میشود. رژیم می‌کوشد با وجود ارتش عظیم بیکاران، طبقه کارگر را از اعتراض و مطالبه بازدارد. رژیم میخواهد اخراج را به وسیله اصلی خود در مقابله با حرکات و اعتراضات توده‌ای کارگری بدل کند. اما نکته امید بخش در اینجا اینست که در ماههای اخیر نمونه‌های حمایت عملی و موثر کارگران از فعالین کارگری که به دلیل دفاع از حقوق کارگران اخراج میشوند، افزایش چشمگیری داشته است. یگانه راه عملی مقابله با این توطئه کثیف ضدکارگری هم همین است. ما باید بکوشیم اتحاد و همبستگی کارگران این حربه را از دست سرمایه‌داران و دولت خارج کند.

همه میدانیم که جنبش کارگری ایران فقط به همان میزان که متحد و متشکل میشود قادر است به اهداف اقتصادی و سیاسی خود دست یابد. چاره رنجبران در وحدت و تشکیلات است. هم از این روست که بویژه از انقلاب به این سو مساله تشکل‌منفی - انقلابی، سندیکائی و سیاسی طبقه کارگر همواره از حادترین موضوعات جنبش کارگری و انقلابی ایران بوده است. تشکلهای منفی - انقلابی کارگری که در جریان انقلاب تحت عنوان «شوراها» در بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی شکل گرفته بود به تدریج پابهای تقویت مواضع نیروهای ارتجاعی در حاکمیت مورد هجوم واقع شد. اما این هجوم بر اثر مقاومت سرسختانه کارگران به تمام اهداف خود دست نیافت و «شوراها» در بسیاری از واحدها با مضمون سندیکا (تشکل منفی کارگری) به حیات خود ادامه داد.

علیرغم فشار شدید حکومتی کارگران در برخی از رشته‌ها موفق شدند برخی تشکلهای کارگری از جمله برخی سندیکاهای را نیز حفظ کنند.

پس از چرخش کامل سیاست و سمتگیری رهبران رژیم فشار هیات حاکمه بر تشکلهای کارگری بازهم بیشتر شد. بویژه محافل وابسته به حزب جمهوری اسلامی کوشیدند یا تشکلهای کارگری را متلاشی کنند و یا عناصر ارتجاعی و ضد کارگری در آنها، مهار کار را در دست گیرند. با این حال در محافل کارگری ضرورت ایجاد و گسترش و تحکیم تشکلهای مستقل کارگری روزبه روز با وضوح بیشتری درک میشود و مورد تأکید قرار میگیرد. در حال حاضر این مساله در مقابل ما قرار دارد که به تغییر شرایط عمده ترین اشکال تشکل کارگری کدامند؟ در این شرایط سرکوب و خفقان میباید با تمام نیرو در راه حفظ، ایجاد و گسترش انواع تشکلهای رسمی و مستقل صنفی - توده‌ای کارگری از قبیل سندیکاهای، شوراهای نمایندگان کارگران، تعاونیهای کارگری و غیره با استفاده از تمام امکانات و ابتکارات تلاش کرد. در عین حال باید تلاش کرد عناصر مرتجع، ضد کارگر و خائنی را که در راس تشکلهای کارگری حکومتی قرار گرفته‌اند، افشاء گردانید و رهبری این تشکلهای را از دست آنان خارج شود.

پیشبرد صحیح این وظایف در وضعیت کنونی مستلزم آنست که برای رهبری این مبارزه و برای تدوام رهبری صحیح و موثر، مبارزه کارگران بطور کلی هسته‌های مخفی متشکل از آگاه ترین و با تجربه ترین عناصر فعال جنبش کارگری بوجود آید. در حال حاضر در بسیاری از واحدهای تولیدی مبارزه کارگران عملاً توسط همین هسته‌ها رهبری میشود. تعداد نقش و اهمیت هسته‌های مخفی فعال کارگری در جنبش کارگری ایران روبه افزایش است. در این هسته‌ها بسیاری از فعالین کارگری که وابستگی سیاسی و سازمانی خاصی ندارند نیز شرکت می‌کنند... ایجاد و تقویت این هسته‌ها در ایجاد، حفظ و گسترش تشکلهای علنی کارگری و هدایت آن در سمت منافع طبقه کارگر نقش جدی دارد. ما در وضعیتی قرار گرفته‌ایم که جنبش صنفی - طبقاتی کارگران ایران عملاً نیازمند تلفیق هشیارانه فعالیت مخفی و علنی است. بدون هریک از این دو، دیگری ناکافی و ناتوان است.

سرنوشت جنبش انقلابی خلق ما در آخرین تحلیل با پیشرفت تلاش ما برای سازمانیابی صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران گره میخورد. خط مشی و برنامه سازمان با هدف استراتژیک پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و هدایت کشور توسط نیروهای ملی و دموکراتیک در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی که از طریق فعالیت وسیع تبلیغی و افشاگرانه اعضا و هواداران سازمان در جامعه عرضه میشود، عمده‌ترین عامل و ضامن پیشرفت این تلاش ماست.

چهار سال پیش از این زمانی که رژیم حاکم واگذاری املاک بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین را معلق کرد، مبارزه توده دهقانان علیه بزرگ مالکی تشدید شد. از دو سال پیش که سران مرتجع جمهوری اسلامی، بزرگ مالکان قراری را تحت‌پناه

خود گرفتند و آنها را درپناه سرنیزه ژاندارم و پاسدار برای پس گرفتن زمین از دهقانان به روستاها فرستادند. این مبارزه شکل حادی به خود گرفته است. دهقانان در برابر حکم حکام شرع و در برابر پاسدار و ژاندارم از خود مقاومت دلیرانه‌ای نشان میدهند. رژیم هرگز موفق نشده و نخواهد شد به سادگی زمین را از چنگ مباحبان واقعی آن درآورد و به فئودالها بسپارد. رژیم برای اینکار خود را رودر روی دهقانان قرار داده و در بسیاری نقاط کشور برای درهم شکستن مقاومت دهقانان به روز اسلحه متوسل شده است. اکنون دهقانان را به جرم پس ندادن زمین به مالک فراری دستگیر میکنند و به زندان و شلاق میکشند.

در تمام این مدت رفقای ما در مبارزه علیه بزرگ مالکی پیگیرانه از دهقانان دفاع کرده‌اند و از فعالترین نیروها در این عرصه مبارزه بوده‌اند. ما طی سالهای اخیر کوشیدیم از وعده‌های زمامداران جمهوری اسلامی چنان نیرویی ساخته شود که دیگر کسی نتواند بسادگی از آنها بگذرد. شعار «بند جیم و دال را اجرا کنید» به شعار برجسته جنبش دهقانی بدل شد و آن را قوی‌تر کرد. تاجائی که امروز رژیم دیگر قادر نیست بدون اسلحه و زندان مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان جنبش ضد بزرگ مالکی را زنده نگاهداشته است. با اطمینان باید گفت که بذری که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سرنیزه ژاندارم و سپاه و نه فریبکاری های مرتجعین هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگ مالکی پایان دهد. ویا وضع را بحال سابق درآورد. در وضعیت فعلی بسیج و هدایت مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکی بویژه علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها در مرکز فعالیت فعالین دهقانی ما قرار دارد. با اطمینان باید گفت که این مبارزه باز هم گسترش و ژرفش بیشتری خواهد یافت.

علاوه بر این توده دهقانان، بخصوص درجائی که بزرگ مالکی برانداخته شده است، برای استفاده از وام، کود، بذر و ماشین آلات کشاورزی و دیگر نیازهای تولید کشاورزی و همچنین علیه تبعیض ناهنجار میان شهر و روستا از نظر خدمات رفاهی مبارزه میکنند. در یکساله اخیر مدعا مورد مراجعه دسته جمعی، تحصن طومارنویسی، درگیری های خشونت آمیز و اجتماعات و راهپیمائی‌های دهقانان باخواست مشخص از قبیل وام، ماشین آلات، مقابله با آفات و همچنین برای آب و برق برای روستا، توزیع عادلانه ارزاق و کالاهای کوپنی، تقاضای کشیدن راه و غیره از طرف روستائیان بوقوع پیوسته است. واردات بی رویه محصولات کشاورزی توسط حکومت و کلان تاجران، میلیونها دهقان هم مین ما را ورشکست و از هستی ساقط و آواره شهرها کرده است. بخشی از نیروی دهقانان عملاً به حلبی آبادهای کنار شهرها و بمقوف محرومان آن منتقل شده است. نیروی دهقانان مهاجر، مبارزه توده‌ای محرومان شهری در این مناطق را که با شعار های خاص خود از قبیل تامین نان، آب، برق، مسکن و غیره جریان دارد، حادث کرده است. مهاجرت از روستا به شهر چنان وسیع است که نمیتواند در آینده‌ای نه چندان دور به

بحران وسیعی فرارنوید. ما باید علاوه بر مبارزه علیه بزرگ مالکی این وجوه مبارزه و مطالبات دهقانان را نیز مورد توجه جدی قرار دهیم.

سازمان ما همواره افتخار آن را داشته که سنگر مطمئنی برای احقاق حقوق زنان باشد. زنان فدائی که بیش از یک سوم کل اعضای سازمانند، همیشه یکی از فعالترین نیروها در کار توده‌ای در میان زنان بوده‌اند. دیدگاهها و اقدامات قرون وسطائی رژیم و تهاجم کین توزانه آن علیه حقوق و شخصیت زنان، نیروی مقاومت بالقوه وسیع و نفرت ریشه داری را در میان آنان ایجاد کرده است. جنبش انقلابی میهن ما می‌تواند و باید به این نیرو تکیه کند و آنرا متشکل سازد. تشکلهای توده‌ای زنان در شرایط فعلی البته کوچک و پراکنده‌اند. اما قادرند در مقابل یورش رژیم مقاومت کنند و نقش و تاثیر عملی قانس ملاحظه‌ای در جنبش اعتراضی خلق داشته باشند.

مبارزه علیه تبعیضات و حشمتناک در زمینه حقوق زن در خانواده و در جامعه که قدم به قدم توسط حکام مرتجع جمهوری اسلامی اعمال میشود، مبارزه علیه توطئه راندن زنان از محیط فعالیت اجتماعی و تولیدی به کنج خانه، علیه محروم کردن زنان از امکانات آموزشی، علیه ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغل حساس و مهم، مبارزه علیه اجبار زنان به پوشیدن لباس مورد پسند ارتجاع همه و همه اجزائی لاینفک از جنبش دموکراتیک و همگانی خلق علیه ارتجاع حاکم است. ما میتوانیم در این مبارزه نقش بازهم فعال تری بر عهده گیریم.

امروز سیاست ضد دموکراتیک و به غایت ارتجاعی هیات حاکمه بحران اجتماعی حادی را در جامعه ما دامن زده است. گسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، جنایت و خشمونت، رشد لجام گسیخته ارتشاء و اختلاس و سوء استفاده از قدرت، افزایش سرسام آور تعداد بیسوادان، ترویج رسمی فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی و لگدکوب کردن میراث غنی فرهنگ ایرانی، رواج گستاخانه «فرهنگ» تزویر و دروغ‌وریا و خرافات در جامعه ترویج رفتار بغایت اهانت بار و بیشرمانه با زنان، تشدید بیم و نگرانی نسبت به آینده و احساس اضطراب و عدم امنیت در تمام زمینه‌ها، عمده‌ترین مظاهر و پیامدهای حاد این بحران اجتماعی است. سیاستها و اقدامات قرون وسطائی هیات حاکمه عامل اصلی حدت این بحران است.

این سیاستها و اقدامات خشم و نفرت توده‌های وسیع خلق، کارگران و دیگر زحمتکشان و بیش از همه روشنفکران خلقی را برانگیخته و نیروی مقاومت وسیعی علیه آن ایجاد کرده و پایان دادن به آن را به سطح یک خواست عام دموکراتیک فرارویانده است. سازمان ما باید افشای بی امان این انحطاط اخلاقی، معنوی و فرهنگی را که ارتجاع حاکم به خلق ما تحمیل میکند با جدیت دنبال کند. فعالیت توده‌ای در این عرصه هم از امکانات بسیار مساعد و هم از ضرورت حتمی برخوردار است.

هدف رژیم از فاجعه جنایت باری که نام «انقلاب فرهنگی» بر آن نهاد و از وقفه سه ساله در کار دانشگاهها، سرکوب جنبش دانشجویی ایران و گرفتن سنگر دانشگاه

یکی از محکمترین دژهای انقلاب از نیروهای انقلابی و مترقی بود. ظاهراً چنین بنظر میرسد که ارتجاع حاکم در تسخیر دانشگاه موفق بوده است. لکن با اطمینان باید گفت دانشگاه همچنان آتش‌زیر خاکستر است. مبارزه انقلابی و جنبش دانشجویی چنان در دانشگاه ریشه کرده است که برای ریشه کن کردن آن فقط باید خود دانشگاه را از دل جامعه ریشه کن کرد. بیهوده نبود که ارتجاعی‌ترین جناح‌های حاکم صراحتاً تلاش کرده‌اند. دانشگاهها را برای همیشه تعطیل نگاهدارند. اما علیرغم تیغ تصفیه جنون‌آمیزی که منجر به اخراج هزاران دانشجوی ترقی‌خواه شد، علیرغم قتل عام بیسابقه هزاران دانشجوی ترقی‌خواه و علیرغم سیطره جو خفقان و پلیسی و کسپل بدون کنگور و خودسرانه هزاران عنصر وابسته به ارتجاع تحت عنوان دانشجوی به دانشگاهها با اطمینان باید گفت که مبارزه انقلابی از نو در دانشگاهها جوانه میزند و از ریشه می‌روید. دور نیست زمانی که جنبش دانشجویی نیز دوباره قدبر افرازد و جنبش کارگری، مبارزه دهقانان و پیکار زنان و دیگر نیروهای اجتماعی را مدد کار گردد.

سران رژیم البته تلاش میکنند جلوی این روند را بگیرند. آنها در این راه گستاخی را به حد کمال رسانیده‌اند. لفظ کامل اعتبار کنگور ورودی و گزینش دانشجوی از طریق «محاكمه شرعی» داوطلبین و براءت از داشتن هر نوع فکر و گرایش مترقی، تلویز آئین نامه انضباطی فاشیستی علیه دانشجویان که سندی فوق ارتجاعی و به غایت ضد دانشجویی است و بالاخره تشکیل رسمی دو شعبه دادگاه در دیوان عالی کشور برای صدور حکم قطعی اخراج برای دانشجویان «فاسد العقیده» از بارزترین نمونه‌های این تلاش رژیم است.

آنچه را که در مورد دانشگاهها گفتیم باید در مورد مدارس نیز تکرار کنیم. با این تفاوت که در مدارس و در برخورد بانوجوانان رژیم می‌گوشد علاوه بر حربه سرکوب از حربه فریب بیش از هر جای دیگر استفاده کند. تبلیغ افکار ارتجاعی بویژه «تبلیغ جنگ» عملاً بخش مهمی از وقت مدارس را به خود اختصاص داده است. اینکه بنابه اعتراف خود حکومت ۵۲ درصد افراد بسیج را محصلین تشکیل میدهند. اینکه در دو ساله اخیر در بسیاری از کلاسها بیش از نیمی از شاگردان در جبهه شهید شده‌اند. از نفرت انگیزترین اسناد اقدامات ضد مردمی و ضد انسانی ارتجاع حاکم است.

با اینحال دانشجویان و دانش‌آموزان حقایق کشور را درک میکنند. برای آنها و برای اکثریت عظیم تمام جوانان، جمهوری اسلامی بیش از پیش جاذبه خود را از دست میدهد. هم اکنون نیروهای دانشجویی و دانش‌آموزی در مبارزه علیه ارتجاع حاکم بویژه علیه جنگ و اختناق نقش جدی دارند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره در هدایت مبارزه نیروهای جوان نقش فعال داشته است. در سالهای اخیر دهها هزار نفر از آگاهترین و پیگیرترین و انقلابی‌ترین جوانان کشور، تحت رهبری سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعال‌ترین نقشها را در مبارزه توده‌های دانشجویی و دانش‌آموزی بر عهده داشته‌اند. لازمه

افزایش این نقش تقویت سازمان جوانان و توجه جلی‌تر رهبری سازمان به مبارزه و مسائل جوانان است.

زمامداران جمهوری اسلامی در رابطه با مساله فعالیت سیاسی پرسنل نیروهای مسلح از روش مزورانه‌ای پیروی میکنند. آنها از يك طرف فتوا می‌دهند که افراد ارتش و سپاه نباید در احزاب و سازمان‌های سیاسی وارد شوند و از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی را مستثنی میکنند و ارتش و سپاه را جولانگاه تبلیغات ارتجاعی و انحرافی عمال این حزب ساخته‌اند. مرتجعین حاکم علیه فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح کینه توزانه عمل میکنند. آنها سال گذشته ده نفر از شریف‌ترین فرماندهان و افسران را به جرم وفاداری به میهن و انقلاب ناجوانمردانه به جوخه‌های اعدام سپردند و طبق اعلام حاکم شرع دادگاههای نظامی حدود ۳۰ نفر از پرسنل ارتش نیز به داشتن گرایش انقلابی در جهت مواضع سازمان ما متهم و دستگیر شده‌اند. آنها در عوض ارتجاعی‌ترین عناصر وابسته به حجتیه و سلطنت‌طلبان را به کارفراخواندند و به پست‌های حساس گماردند. رکن دوم ارتش را باهمان پرسنل و باهمان وظایف دوباره احیاء کرده‌اند. لاکن هیچ‌يك از این اقدامات نتوانسته است رهبران حکومت را به مقصود برساند. ایده‌ها و مواضع انقلابی در میان نیروهای مسلح نفوذ میکند. در ارتش و در سپاه مخالفت با ادامه جنگ و دیگر سیاست‌های حاکمیت گسترش روز افزون می‌یابد.

آیت الله خمینی سپاهیان پاسدار و ارتشیان را مکرراً تهدید میکند که افکار سابق را از سربرکنند و الا با آنها نیز همان خواهد کرد که با دیگران کرده است. با این حال ناراضی و عدم اعتماد به حقیقت و صلاحیت رهبران جمهوری اسلامی و تمایل بشرکت در مبارزه انقلابی خلق در نیروهای مسلح کشور يك پدیده روبه رشد است.

برای سرنوشت کشور و انقلاب اهمیت حیاتی دارد که پرسنل نیروهای مسلح در هر سطح و به هروسطی که ممکن است به خلق وفادار باشند و از دست آوردهای انقلاب دفاع کنند. در این رابطه خنثی کردن تبلیغات و تمهیدات ارتجاع حاکم و ترویج افکار و مواضع ترقی خواهانه در صفوف نیروهای مسلح کمال اهمیت را داراست. سازمان ما علیرغم تلاش‌های مذبحخانه ارتجاع که می‌کوشد از نفوذ و رخنه اندیشه‌ها و افکار انقلابی به صفوف نیروهای مسلح جلوگیری کند، همواره با تمام نیرو به این وظیفه ملی، انقلابی و میهن پرستانه خود عمل کرده و خواهد کرد.

رفقا!

بررسی‌های فوق، که جهات مختلف اوضاع کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد نشان می‌دهد که در مرحله کنونی مبارزه برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع بر کشور و استقرار دولت ملی و دموکراتیک مستلزم تدارک نیروی کافی است و وظیفه مبرم ما در این راستا قبل از همه بسط و توسعه هرچه بیشتر افشاگری سیاسی است. سازمان باید

در این راه همه شیوه‌های تبلیغ کتبی و شفاهی، مستقیم و غیر مستقیم را به مبتکرانه ترین شکل ممکن هرچه وسیع تر بکار گیرد. کار سیاسی فعال در میان اقشار گوناگون جامعه، هدایت مبارزه روزمره آنان و تلاش برای بالابردن سطح تشکل توده‌های خلق و وظیفه مبرم عناصر پیشرو انقلابی در این مرحله از پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق ماست. سازمان در انجام این وظیفه به نیروهای خود رهنمود داده است که در زمینه افشاگری سیاسی، بردن شعارها و مواضع مهم سازمان بویژه از طریق بخش تراکت و شعار بویسی و در زمینه کار توده‌ای در میان تمام اقشار خلق بویژه کار در میان توده‌های کارگری را در مرکز توجه خود قرار دهند.

هرگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موفق شود مبارزه در راه حفظ و تحکیم وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر و مبارزه در راه بسط همکاری، اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را با انجام وظایف فوق گره زند و هماهنگ سازد، آنگاه با اطمینان باید گفت عمر این روزهای تیره و تاری که بر خلق ما تحمیل می‌شود بسیار کوتاه تر از آن خواهد شد که سران رژیم می‌پندارند.

**

www.iranarchive.com

فعالیت سازمان در فاصله دو پانوم

رفقا!

گزارش فعالیت تشکیلاتی، هیات سیاسی دو دوره کاملاً متفاوت را منعکس میکند. در دوره اول که تا پایان سال ۶۱ ادامه می‌یابد، امر گسترش نوسازی و تحکیم سازمان های حزبی در سراسر ایران و انطباق هرچه بیشتر آنان با موازین لنینی زندگی حزبی که در فاصله دو پانوم مرداد ماه ۶۰ و خرداد ماه ۶۱ پیش رفته بود، همچنان ادامه یافت.

در این دوره وسیع ترین عضوگیری در تمام طول تاریخ سازمان بانجام رسید. طی این عضوگیری، وضعیت سازمانی کلیه نیروهای تشکیلات، بر مبنای برنامه و اساسنامه سازمان روشن گردید.

طی این دوره کمیته های ایالتی سازمان تماماً بازسازی شدند. سازمان ایالتی تهران و کمیته رهبری آن به مثابه نیرومندترین و مهم ترین تشکیلات ایالتی سازمان، کمیته های نواحی آن و کمیته های بخش های تابع هر ناحیه نیز تجدید سازمان یافته یا تشکیل گردیدند. کمیته های شهر یا هیات های مسئولین موقت در شهرهای مختلف ایران بازسازی و یا تشکیل گردیدند. بدین ترتیب در این دوره سازمان موفق شد در ۱۵۰ شهر یعنی اکثریت قریب به اتفاق شهرهای ایران، تشکیلات خود را مستقر سازد.

در این دوره تشکیلات جوانان سازمان بر اساس اساسنامه سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) مصوب خرداد ماه ۶۱ تجدید سازمان یافت و بنام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داد. سازمان جوانان هزاران فدائی جوان را به عضویت پذیرفت و در خود سازمان داد. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که در سالهای ۶۰ و ۶۱ هیات سیاسی متأسفانه با امر اعزام نیروی کافی برای ایجاد و گسترش سازمانهای خارج از کشور توجه کافی مبذول نداشت.

پیشرفت کار وسیع سازمانگرا نه در این سالها که علیرغم جوشدید فشار و حفاقت و تضییقات روزافزون دستگاههای سرکوب رژیم علیه سازمان، صورت گرفته است پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار میرود.

نظر به تغییر اوضاع سیاسی کشور پس از بحران حاد سال ۶۰ و استقرار دستگاه های سرکوب رژیم، هیات سیاسی به منظور تامین امنیت تشکیلات بویژه امنیت اعضای

کمیته مرکزی و کادرفهای اصلی یکروشته تدابیر حفاظتی خام را به اجرا گذاشت. هدف این تدابیر از بین بردن و بی‌اثر کردن اطلاعات گردآوری شده توسط رژیم درباره محل کار و زندگی و مراکز فعالیت دستگاه رهبری و از بین بردن امکان ضربه به دستگاه رهبری سازمان بود.

در این دوره نفوذ فعالیت سازمان در محیطهای کارگری تقویت شد و سازمان پیوند موثری با مبارزه کارگران و تشکلهای آنان برقرار کرد. گسترش این پیوندها در افزایش سهم کارگران در میان اعضای سازمان تأثیر داشت. در پایان سال ۶۱ سهم کارگران در میان کل اعضا به ۲۰ درصد رسید. رشد سازمان جوانان نیز چشمگیر بود. به گونه‌ای که شمار اعضای آن با شمار اعضای سازمان برابر گردید. سهم زنان در میان اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حدود ۳۳ درصد و در سازمان جوانان نزدیک به ۵۰ درصد بود. زنان همواره در سازمان ما چنین سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

در دوره مورد گزارش مناسبات و همکاری میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران بسط و گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. هیات سیاسی‌دراین زمینه قطع نامه پلنوم‌های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ را راهنمای قرار عمل خود داده بود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که بویژه اجرای قطع نامه پلنوم مرداد ۶۰ که «مشاوره و همکاری» میان دو سازمان را مورد نظر قرار میداد در نزدیکی و یگانگی نیروهای سازمان و حزب نقش قاطعی ایفا کرد.

باتهاجم جنایتکارانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران و تغییر بنیادین شرایط فعالیت سازمان، هیات سیاسی بلافاصله یکسلسله تدابیر عاجل در جهت حفاظت جدی‌تر دستگاه رهبری سازمان و تأمین امنیت کادرفهای اصلی اتخاذ نمود. هیات سیاسی مهمترین وظیفه تمام سازمان را تلاش در راه تأمین شرایط ادامه کاری رهبری و حفظ کادرفهای مسئول سازمان قرار داد. شکل کار حوزه‌ها و کمیته‌های سازمانی در جهت تطبیق با شرایط تازه تغییر کرد. تغییرات بنیادین در نحوه سازماندهی و ارتباطات نیروهای سازمان و برای تقویت مقاومت در برابر تشدید فشار و پیگیری پلیسی در دستور کار عاجل رهبری قرار گرفت. در اینجا بار دیگر باید تأکید کرد که فداکاری و کار ایثارگرانه اعضاء و هواداران سازمان، در زمینه تأمین امنیت کمیته مرکزی و کادرفهای مسئول آن و در خنثی کردن نقشه‌های رژیم علیه سازمان نقش بکلی بی‌بدیلی ایفا کرد.

رژیم برای نابودی قطعی سازمان ما نقشه‌های دور و درازی را در سرداشت. عمال اوین در تابستان و پاییز گذشته بر اساس اطلاعاتی که مدت‌ها برای گردآوری آن تلاش کرده بودند یورش وسیعی را برای بدام انداختن کمیته مرکزی آغاز کردند. آنها وسیع ترین عملیات تعقیب و مراقبت و حداکثر استفاده از شکنجه اسیران را برای رسیدن به نیت پلید خود بکار گرفتند. این یورش عملاً هیچ نتیجه چشمگیری برای آنان نداشت. با این همه رژیم طی سه ساله اخیر به تدریج موفق شده است چند نفر از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و عده بیشتری از کادرفهای مسئول سازمان را اسیر سازد و مورد وحشیانه

ترین شکنجه‌ها قرار دهد. از برخی از رفقای اسیر، از جمله رفیق انوشیروان لطفی از یکسال پیش تا امروز کوچکترین اطلاعی انتشار نیافته است.

تشکیل این بلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی نشان میدهد که علیرغم بکارگیری همه حربها، رژیم در دستیابی به اهدافی که علیه سازمان ما فراروی خود قرار داده بود، شکست خورده است.

در طول سالهای ۶۲ و ۶۳ توجه عمده رهبری در زمینه مسائل سازمانی به کار بست اشکال مناسب سازماندهی و ارتباطات تشکیلات سازمان در سراسر ایران معطوف بوده است. این روند هم چنان در حال پیشرفت است. ایجاد تغییرات ضروری در ساخت سازمانی و حفاظت نیروها از دستبرد پلیس بیشترین نیرو و انرژی کمیته‌های تهران و شهرستانها را در دو سال اخیر به خود اختصاص داده است.

پیشرفت موفقیت آمیز فعالیت سازمانگرانه در دو ساله آخر مقاومت تشکیلات را در برابر یورش‌های رژیم افزایش داده و شرایط فعالیت توده‌ای، تبلیغاتی و سازمانگرانه را بر روی واحدهای سازمانی نیز حفظ کرده است. با این وجود، در امر رهبری تشکیلات نقص‌هایی وجود دارد. هنوز باید مشکلات زیادی را حل کرد.

واقعیات نشان میدهد که سازمان ما کامیابی‌های بسیار چشمگیری در عرصه فعالیت سازمانی بدست آورده و توانسته است نقشه‌های دشمن را برای نابودی دستگاه رهبری سازمان و درهم شکستن تشکیلات آن خنثی سازد. حفظ دستگاه رهبری سازمان از گردن دشمن که برای تداوم فعالیت آن دارای اهمیت حیاتی است. پیروزی بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

رفقا!

باتعبیر اوضاع و یورش سرکوبگرانه رژیم طی دو سال اخیر وظایف بس سنگین تری در زمینه فعالیت تبلیغی و ترویجی بر عهده سازمان قرار داشته است. در این دوره تجزیه و تحلیل روندها و تحولات اوضاع سیاسی و مستگیری و سیاست‌هاکمیته، و وظایف ما در زمینه افشای آن، اهمیت کاملاً ویژه‌ای داشت. هیات سیاسی در این شرایط حاد به این وظیفه خطیر خود عمل کرد. در این رابطه بلافاصله هیات سیاسی دور تازه‌ای از فعالیت تبلیغی و ترویجی را آغاز کرد. «بولتن داخلی» که در آن زمان یگانه تربیون بیان مواضع و نظرات سازمان بود. تا بامیز ۶۲ متداوماً انتشار می‌یافت و در سراسر کشور توزیع میگردد. بعلاوه اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کمیته مرکزی درباره حادثترین مسائل کشور در دوره مورد گزارش در پاسخ گویی به نیازهای جنبش انتشار یافته و توسط نیروهای سازمان به میان مردم برده شده است. بعلاوه در یکسال آخر دو مصاحبه مهم تحت عنوان «مسائل انقلاب و مواضع ما» در شهریور و در بهمن ۶۲ نیز انتشار یافته و در سراسر کشور به وسیع‌ترین شکل ممکن چاپ و پخش شده است. این مصاحبه‌ها در توضیح رویدادهای کشور و تجهیز نیروها نقش موثری داشته است.

از همه مهمتر انتشار دوره جدید نشریه «کار» ارگان کمیته مرکزی سازمان است. «کار» پس از دو سال وقفه از نو انتشار یافت و در کار بسیج و تجهیز نیروهای سازمان نقش حیاتی بر عهده گرفت. هم اکنون همه ماهه «کار» به کوشش خلاقانه واحدهای تشکیلات در هزاران نسخه چاپ و در سراسر کشور توزیع میشود. در حال حاضر کار یگانه نشریه انقلابی در ایران است که در این شرایط خفقان و سرکوب در این سطح وسیع منظمآ انتشار می‌یابد.

در شرایطی که رژیم به دروغ مدعی است همه سازمانهای انقلابی را نابود کرده و آنقدر نیرومند است که کسی را یارای اعتراض نیست، بخش وسیع تراکتها، اعلامیه‌ها و دیگر موضعگیریهای سازمان هر روز اهمیت بیشتری کسب می‌کند. هیات سیاسی با توجه به اهمیت تبلیغ به وسیله تراکت و هم چنین شعار نویسی و پخش اعلامیه در این زمینه رهنمودهای خود را به نیروهای سازمان ابلاغ کرده است. واحدهای تشکیلات وتوده وسیع هواداران از این رهنمود استقبال کرده‌اند. هم اکنون تلاشهای فداکارانه اعضاء و هواداران سازمان نام پرافتخار سازمان ما، نام سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رادر جنبش توده‌ای زحمتکشان میهنمان طنین افکن می‌سازد و نقش و تاثیر آن را در روند رویدادها گسترش میدهد.

با اینحال باید گفت علیرغم همه کارهای انجام شده در این زمینه هنوز باید کارهای زیادی انجام دهیم. مسئله مهم در این زمینه یافتن راههای گسترش دامنه و افزایش بازده فعالیت تبلیغی در این شرایط خفقان است. فعالیت تبلیغاتی در خارج از کشور نیز در طول دو ساله اخیر گسترش یافته است. نشریه «اکثریت» با محتوای تبلیغی سیاسی بطور هفتگی منظمآ انتشار می‌یابد و در سطح بیست کشور جهان توزیع میشود. ترجمه مهمترین مواضع اعلام شده سازمان نیز در کشورهای مختلف در اختیار نیروهای ترقی خواه قرار می‌گیرد.

در دوره مورد گزارش به دلیل شرایط موجود در زمینه انتشار نشریات ترویجی کار چشمگیری صورت نگرفته است. در این رابطه فقط باید از نشریه «آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم» نام برد که پس از حدود یکسال وقفه از اوایل سال جاری مجدداً انتشار یافته است. هیات سیاسی تلاش می‌کند فعالیت ترویجی سازمان را در جهت پاسخ گویی به نیازهای جنبش وسعت بخشد.

چنین است سیمای عمومی ارزیابی‌ها، نیاسته‌ها و فعالیت هیات سیاسی کمیته مرکزی در دوران مورد گزارش از جانب هیات سیاسی از توجه کمیته مرکزی به گزارش هیات سیاسی تشکر و برای مردم زحمتکش ایران بیروزی، آزادی، رفاه آرزو میکنم.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهر ماه ۱۳۶۳

« قطعنامه در باره اوضاع جهان »

۱ - امپریالیزم جهانخواار آمریکا به سرکردگی دارودسته ریگان، به مثابه‌هارترین و تجاوزکارترین جناهنای وابسته به انحصارات صنعتی - نظامی آمریکا و متحدین آن در ناتو با تشدید سابقه لجام گسیخته تسلیحاتی و با استقرار موشکهای میانبرد در خاک کشورهای اروپای غربی می‌کوشند جهان را به لبه پرتگاه جنگ هولناک هسته‌ای سوق دهند. امپریالیزم جهانی بسرکردگی امپریالیزم آمریکا بدینوسیله می‌خواهد از شتاب روزافزون دگرگونیهای بنیادی در جهان بکاهد، و به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی نائل آید، مواضع از دست داده را بازپس گیرد و هژمونی خود را بر جهان مسلط گرداند.

افشای ماجراجوئی‌های خطرناک دارودسته ریگان علیه صلح جهانی و امنیت بین المللی، مشارکت فعال در جنبش جهانی صلح و ضد گسترش تسلیحات هسته‌ای وظیفه خطیر و تاخیر ناپذیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

۲ - امپریالیزم جهانی بسرکردگی امپریالیزم آمریکا برای سرکوب جنبشهای رهائی بخش و برای سرنگونی حکومت‌های ملی و مترقی و تحمیل اراده خویش به خلقهای آنها، تجاوزات خود را در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و در دیگر مناطق جهان تشدید کرده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سیاست جنگ افروزان و تجاوزگرانه امپریالیزم آمریکا را قویامحکوم میکند، جنایات و توطئه‌های امپریالیزم آمریکا در منطقه و جهان علیه استقلال و آزادی خلقها را افشاء می‌کند و چهره واقعی امپریالیزم جهانی بسرکردگی امپریالیزم آمریکا را بمثابة دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان برای توده‌های مردم آشکار می‌سازد.

۳ - اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواهان حفظ و تحکیم صلح جهانی هستند و می‌کوشند از گسترش سابقه تسلیحاتی و تشدید تشنج جهانی جلوگیری کنند. آنها خواهان بسط مناسبات دوستی و همکاریهای سازنده میان کشورهای دارای نظامهای گوناگون اجتماعی هستند. جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد

شوروی از مبارزات مردم کشورهای تحت سلطه وسیعاً پشتیبانی می‌کند و به ملل رها یافته در پیشرفت اجتماعی و ساختمان جامعه نوین یاری میرساند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مساعی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در راه حفظ صلح جهانی و قطع مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح همگانی، در پشتیبانی قاطع از مبارزه بر حق خلقها در راه رهائی ملی و پیشرفت اجتماعی و از سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز آنان قاطعانه حمایت میکند و جنگ صلیبی ریگان علیه کمونیسم و اتحاد شوروی را شدیداً محکوم می‌نماید.

۴ - مبارزه در راه صلح، حفظ تمدن جامعه بشری و حق انسان برای زیستن به جزء لاینفک استراتژی انقلابی تبدیل گردیده است. کمونیستها رسالت تاریخی خود میدانند توده‌های مردم را از خصلت عمیقاً ضد بشری جنگ وجدی بودن خطر شعله‌ور شدن آن آگاه و همه نیروها را علیه آن بسیج و متحد سازند. جنبش صلح و مبارزه در راه محدود کردن سلاحهای هسته‌ای دامنه و عمق بیشتری پیدامی‌کند و طیفهای جدید از نیروهای اجتماعی به آن می‌پیوندند. تناسب نیروها در مقیاس جهانی به سود تقویت مواضع مدافعان صلح همچنان در حال تغییر است.

۵ - رویدادهای جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی سیستم جهانی امپریالیستی بیش از پیش روبه حلت می‌رود تضاد بین کشورهای امپریالیستی در گستره‌های مختلف اقتصادی سیاسی تشدید میشود. بیکاری در این کشورها اوج جدیدی یافته و در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته به رقم بیسابقه ۲۳ میلیون نفر در سال ۱۹۸۳ رسیده است. سرمایه‌داری انحصاری بر حقوق و منافع زحمتکشان یورش می‌آورد، از هزینه‌های تأمین اجتماعی می‌گاهد و اتحادیه‌های کارگری را تحت فشار قرار میدهد. در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته مبارزات کارگران علیه سیاستهای ارتجاعی سرمایه‌داری انحصاری در حال گسترش است.

۶ - موفقیت و پیروزیهای سوسیالیسم جهانی در حال گسترش است. اقتصاد کشورهای سوسیالیستی با رشد موزون و بدون بحران به پیش می‌رود. سیستم جهانی سوسیالیسم گسترش می‌یابد و دموکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کند. زندگی زحمتکشان بر اثر پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی بهبود بازم بیشتر می‌یابد. در کشورهای سوسیالیستی مردم به آینده خود با اطمینان می‌نگرند.

۷ - مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی در کشورهای رشد یابنده گسترش می‌یابد. رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل شده و تکیه‌گاههای خود را از دست میدهند. ملل رهائی یافته در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابشان گامهای بلندی به پیش بر میدارند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزات مردم السالوادور، شیلی، نامیبیا، صحرا، آفریقای جنوبی، پاکستان، فیلیپین و بنگلادش برای سرنگونی رژیمهای دست نشانده عمیقاً پشتیبانی میکند و توطئه‌های امپریالیسم جهانی برای درهم شکستن

حکومت‌های انقلابی کوبا، نیکاراگوئه، کامبوج، اتیوپی و آنگولا و دیگر کشورهای مستقل و مترقی و تجاوز و وحشیانه به گرانادا را بشدت محکوم کرده و از تلاش دولت و مردم این کشورها در پی‌ریزی جامعه نوین قویا حمایت می‌کند. جنبش عدم تعهد در عرصه بین‌المللی اهمیت بیشتری کسب می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جنبش عدم تعهد و از یکپارچگی آن فعالانه پشتیبانی می‌کند.

۸ - پیکار سرسختانه میهن پرستان لبنان و رزمندگان فلسطین و ایستادگی و پایداری دولت سوریه، آمریکا و متحدین آنرا مجبور کرد که نیروهای خود را از خاک لبنان بیرون برند و قرارداد ننگین لبنان - اسرائیل ملغی اعلام گردد. این امر یک پیروزی تاریخی برای مردم لبنان و خاورمیانه و یک شکست فضاخت بار برای امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل بشمار می‌آید. سازمان ما از پیکار قهرمانانه میهن پرستان لبنان علیه اشغالگران عمیقاً پشتیبانی می‌کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) معتقد است که خروج تمام نیروهای اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی اعراب و شناسائی حق ملت فلسطین برای تشکیل دولت مستقل خود خواست بحق خلق فلسطین و یگانه راه حل واقعی مسئله خاورمیانه است. ۹ - جنبش خلق فلسطین هم‌اکنون در معرض خطرناکترین توطئه‌های تفرقه افکنانه امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که همواره مدافع پیگیر آرمان خلق فلسطین بوده است این توطئه‌ها را محکوم می‌کند و ضمن ارج گذاری به تلاش‌های مسئولان سازمان‌های چپ فلسطین برای تامین وحدت صفوف رزمندگان فلسطینی‌ها، از سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده مردم فلسطین قویا پشتیبانی می‌نماید.

۱۰ - انقلاب ثور افغانستان علی‌رغم دشواری‌های عظیم که زائیده دسایش امپریالیسم و کمک‌های دول منطقه بویژه دولت نظامی پاکستان و ارتجاع ایران به باندهای جنایتکار است، با موفقیت به پیش می‌رود. پایگاه خود را مستحکم می‌سازد و به دستاوردهای جدید نائل می‌آید. سازمان ما از مبارزه مردم افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای ساختن کشوری آزاد و آباد با تمام نیرو پشتیبانی می‌کند و جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنرا علیه دولت انقلابی افغانستان قویا محکوم می‌کند.

۱۱ - امپریالیسم آمریکا با دامن زدن به جنگ فرسایشی و خانمان برانداز ایران و عراق حضور نظامی خود را در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند گسترش میدهد. دولت ریگان با دستاویز قرار دادن امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر ساخته است. این نیروها باید فوراً از منطقه خارج شوند. اقیانوس هند و خلیج فارس باید بعنوان منطقه صلح و عاری از سلاح‌های هسته‌ای اعلام گردد و اختلاف میان کشورهای منطقه بدون دخالت امپریالیستها و بطرق مسالمت آمیز ما بین طرفین حل و فصل شود.

«قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران»

۱ - انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت يك انقلاب ضد سلطنتی - ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیعترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواستهای مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی يك انقلاب مردمی بود.

انقلاب در مرحله سیاسی متوقف ماند. اقدامات ضد سرمایه‌داری در این انقلاب گسترش نیافت و تعرض علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی به الفاء آن منجر نشد.

۲ - انقلاب با شرکت همه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک به نیروی توده‌های دهها میلیون‌ن زحمتکشان به پیروزی رسید و نیروی طبقه کارگر در این پیروزی نقش تعیین‌کننده داشت. بخشی از روحانیت به رهبری آیت‌الله خمینی گسترده‌ترین نفوذ را در میان توده‌های وسیع خلق بدست آورد و در رأس انقلاب قرار گرفت. فدائیان خلق ایران، حزب توده ایران و مجاهدین خلق ایران در رهبری مبارزه خلق و برانگیختن توده‌ها و تشدید مبارزه علیه رژیم مغفور نقش فعال ایفا کردند. نقش فدائیان خلق در گسترش پیام مسلحانه ۲۲ بهمن برجسته بود.

۳ - با پیروزی انقلاب، رژیم شاه به مثابه ژاندارم امپریالیسم و نماینده کلان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم سرنگون شد. جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت نهضت آزادی و برخی از جریانهای مشابه تشکیل گردید. بخشهای دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت‌الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی ایران مشارکت کردند.

۴ - در آستانه انقلاب روحانیت پیرو خمینی به لحاظ طبقاتی طیف گسترده و ناهمگونی را دربر میگرفت که سمتگیری آن بطور عمده منافع بورژوازی ملی، خرده بورژوازی و لایه‌هایی از زحمتکشان شهر و روستا را منعکس میکرد.

۵ - روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی با خرده بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازار و ملاکان محکم‌ترین پیوندها را داشته است. روحانیت حاکم که حامل کرایشات طبقاتی متضاد بود، در عین حال به مثابه يك قشر اجتماعی برای تأمین منافع خود، مذهبی کردن ساخت دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور تلاش میکرد.

يك بخش از روحانیت حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی اقتصادی علیه کلان

سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بود. بخش دیگر مجدانه می‌کوشید کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی حفظ گردد.

نقش ویژه آیت الله خمینی این بود که برای حفظ جمهوری اسلامی سیاست‌مانور میان جریانهای درون حکومت را دنبال میکرد.

۶ - در اثر مبارزه طبقاتی حادی که در سالهای پس از انقلاب در کشور و در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جریان داشت، ترکیب و تناسب نیروها در حاکمیت دستخوش تحول گشت.

پس از انقلاب نظر به نقش تعیین کننده توده‌های قیام کننده در توازن نیروها که بسود نیروهای ضد امپریالیستی، ضد بزرگ مالکی و ضد کلان سرمایه‌داری در حاکمیت تاثیر میگذاشت و حضور فعال سازمانهای ضد امپریالیست و مردمی که در گسترش جو انقلابی در جامعه نقش جدی داشتند نیروهای مدافع انقلاب در حکومت نیروی برتر محسوب میشدند و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده ادامه داشت.

زیر تاثیر مجموع عوامل یاد شده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب به اقدامات مثبت و مردمی دست زد.

۷ - امپریالیزم و جریانهای وابسته به آن و نیز نیروهای ارتجاعی و راستگرایی درون حکومت که بر زمینه رشد و تقویت سرمایه‌های بزرگ تجاری مواضع خود راستحکم میکردند در اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با جریانات قشری حداکثر تلاش خود را برای تشدید خصومت و تفرقه میان نیروهای ترقیخواه کشور بکار گرفتند. این توطئه در کنار توطئه امپریالیستی تحمیلی جنگ به نابودی بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای ترقیخواه کشور و تقویت نیروهای راستگرا و محافظه کار در حکومت منجر گردید.

۸ - با گسترش روند فوق همراه با گسترش مخرب سیاست ادامه جنگ در فرسودن نیروهای مدافع انقلاب، پس از دفع نیروهای متجاوز در نیمه دوم سال ۶۱ آیت الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه کار و مرتجع در حکومت را رسماً مورد حمایت قرار داد. به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اقتصادی اجتماعی برخاست و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را به پس گرفتن سرمایه‌ها و املاک خود فراخواند و با عقب‌نشینی و سازش آن عده از مسئولان اصلی جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع میکردند وسیع‌تره ارتجاع بر کشور، تعرض همه جانبه به دستاوردهای انقلاب گسترش یافت.

سرکوب خونین و ناجوانمردانه حزب توده ایران بارزترین مظهر تغییر سیاست و ستمگیری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

۹ - حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یکدست نیست و جریانهای وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک، بزرگ مالکان و خرده بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش و وزن عمده را دارند.

در دستگاه حکومتی بویژه در رده‌های پایین آن هنوز نیروهایی وجود دارند که

خواهان حفظ استقلال کشور و یا انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند. در حال حاضر موقعیت این نیروها در حاکمیت محدود و محدودتر می‌شود، اما قادرند در راه تعرض ارتجاع حاکم موانعی پدید آورند و تأثیرات معینی بر سیاست کشور بجا گذارند.

XXX

www.iran-archive.com

قطننامه درباره خط‌مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران، تحقق شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف عاجل خود قرار داده و در این راه پیکار میکند.

سیطره ارتجاع بر کشور به مانع عمده در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است. شرط دستیابی به این آماجها و جهت اصلی مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است.

۲ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در جبهه متحد خلق برای تشکیل یک دولت ائتلافی جهت تحقق آماجهای دموکراتیک و ملی مبارزه میکند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برنامه پیشنهادی خود را بعنوان برنامه این جبهه ارائه میدهد و در عین حال برای تدوین برنامه مشترک که مورد قبول همه نیروهای جبهه قرار گیرد آماده مذاکره است.

۳ - افزایش نقش و سهم طبقه کارگر در جبهه متحد خلق و در راه تحول بنیادین جامعه در گرو حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و گسترش پیوند سیاسی و سازمانی آنها با طبقه کارگر است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه گسترش هرچه وسیعتر همکاریهای برادرانه با حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی میان دو سازمان و گسترش آن به سطح وحدتی همه جانبه کام بر میدارد.

۴ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منسحبین از سازمان و گروههای چپ مشابه را به همکاری و اتحاد با نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور علیه امپریالیزم، علیه ارتجاع حاکم و در راه صلح، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی و بسوی همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و مبارزه علیه انشعاب طلبی فرامیخواند.

۵ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان مجاهدین خلق ایران را به همکاری و اشتراك مساعی برای پیشبرد مبارزات خلق ایران در راه صلح، علیه امپریالیزم، در راه دموکراسی و بخاطر تامین عدالت اجتماعی فرامیخواند.

مبارزه دو سازمان در استقرار صلح و علیه اختناق و ارتجاع حاکم بر کشور، امکان همکاری دو سازمان را فراهم آورده است.

۶ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزات حزب دمکرات کردستان در راه تأمین خودمختاری برای مردم کردستان پشتیبانی می‌کند. گسترش مناسبات و همکاریها بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان بنسود خواستهای دمکراتیک خلق کرد و تمام مردم ایران است.

۷ - مسلمانان مبارزی که با شعار آزادی و با ایده‌ال‌های استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه در انقلاب شرکت داشتند و به آرمانهای خود وفادارند، اکنون در معرض دشمنی ارتجاع قرار دارند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزه و مقاومت مسلمانان مبارز در برابر ارتجاع حاکم دفاع می‌کند و آنان را به مبارزه متشکل و اشتراک مساعی با دیگر نیروهای ترقیخواه علیه سیاست رهبران جمهوری اسلامی و در راه تحقق شعار استقلال و آزادی، عدالت اجتماعی فرامیخواند.

www.iran-archive.com



«قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظایف ما»

۱ - ادامه جنگ، احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته آزادی غارتگری لجام گسیخته سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، بازسازی مواضع اقتصادی و الزامات سیاسی امپریالیسم، سرکوب کینه توزانه همه احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی، اعمال خشن‌ترین نوع سرکوب و ستم بر خلق کرد و دیگر خلقها و اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور، لگدمال کردن شخصیت و حقوق زنان در خانواده و جامعه، دشمنی با علم و ستیز با فرهنگ ملی ایران، رؤس برنامه عمل و سیاست حکام ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران است. کاریست این سیاستها به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به گسترش جنبش اعتراضی و مطالباتی مردم منجر شده است. اکنون امکان ادامه حیات ارتجاع حاکم بدون توسل به سرکوب وسیع‌تر دشوار و دشوارتر میشود. افشای پیگیر و بی‌وقفه سیاست و برنامه عمل هیات حاکمه جمهوری اسلامی ایران و بسیج هرچه وسیع‌تر توده‌های خلق علیه ارتجاع حاکم، وظیفه اصلی و مبرم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

۲ - امپریالیسم خواهان ادامه جنگ ایران و عراق است تا مواضع خود را در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و در کشور ما مستحکم سازد. ادامه جنگ وسیله‌ای در دست ارتجاع حاکم برای سازش با امپریالیسم و تحکیم حاکمیت طبقات ارتجاعی بر کشور است.

برقراری صلح بین دو کشور همسایه ایران و عراق بر اساس اصول علم تجاوز، احترام به تمامیت ارضی دو کشور، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل مسالمت آمیز اختلافات فیما بین ضربه محکمی به توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در کشور و در منطقه است.

مردم ایران از ادامه این جنگ متنفرند. صلح سیرمترین خواست مردم است. جنبش اعتراضی علیه جنگ هر روز پرمیانه‌تر میشود و به فراگیرترین و نیرومندترین جنبش مطالباتی مردم فرامی‌رود.

صلح فراگیرترین شعاری است که میتواند مبنای همکاری همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و صلح دوست ایران قرار گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) باتمام نیرو و با استفاده از تمام ابتکارات و امکانات، در راه بسیج مردم و در راه بسط همکاری

میان مدافعان صلح برای قطع جنگ و برقراری صلح مبارزه می‌گند.

۳ - حکام جمهوری اسلامی همچنان به سرکوب خونین نیروهای مترقی کشور و پایمال کردن همه حقوق و آزادیهای دموکراتیک، فردی و اجتماعی مردم، به شکنجه و کشتار بی سابقه و گروهی زندانیان سیاسی ایران و جوانان آزاده کشور و به تجاوز گستاخانه به حریم زندگی خصوصی مردم ادامه می‌دهند.

رژیم با دست زدن به این جنایات خشم و نفرت مردم ایران و همه بشریت مترقی را برانگیخته است و وسعت این تبهکاریها جبهه وسیعی را علیه آن بسیج کرده است. مبارزه علیه ترور و اختناق که بر مردم ما تحمیل میشود. در کشور و در دنیا در حال گسترش است. استقرار دموکراسی در کشور، هدف مشترک و مقدم مبارزه همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای جنایات رژیم علیه آزادی و دموکراسی و بسیج همگانی علیه آن و مبارزه در راه استقرار دموکراسی در کشور را وظیفه مبرم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترک در این راه فرا می‌خواند.

۴ - جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه میکند، جزء تفکیک ناپذیر جنبش ملی - دموکراتیک مردم ایران است. علیرغم لشکرکشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمباران وحشیانه و قتل عام‌های بیرحمانه مردم بیگناه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجز مانده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشکرکشی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات هیات حاکمه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواسته‌های برحق خلق کرد فرامیخواند. سازمان پیگیرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خودمختاری پشتیبانی میکند.

۵ - هیات حاکمه جمهوری اسلامی برای غلبه بر مشکلات خود، راه نزدیکی به امپریالیسم را به کشور تحمیل می‌کند، راهی که استقلال کشور را در معرض جدی‌ترین خطرات قرار داده است. تکیه بر قراردادهای نابرابر با انحصارات امپریالیستی و باز کردن دروازه‌های کشور بروی آنان، دامن زدن به کارزار ننگین شوروی ستیزی و کمونیزم ستیزی، هم پیمانی با رژیم‌های آمریکائی ترکیه و پاکستان، مشارکت در جنگ اعلام نشده امپریالیسم و ارتجاع علیه افغانستان انقلابی از عناصر راهی است که ارتجاع حاکم در پیش گرفته است. امپریالیسم آمریکا خواهان ادامه این راه است و تلاش میکند رهبران جمهوری اسلامی را به تسلیم هرچه بیشتر و ادار سازد. افشای سیاستهای استقلال شکنانه هیات حاکمه، افشای ماهیت ارتجاعی جریانات وابسته به امپریالیسم، سلطنت طلبان و دیگر نیروهای ارتجاعی غیر حاکم و تقویت پیگیر جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و جلب حداکثر نیروها بسوی آن رکن اساسی خط مشی سازمان بوده و خواهد بود.

۶ - سیاست هیات حاکمه در جهت احیاء و تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته و آزادی‌گارتگری لجام‌گسیخته سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، به تشدید نابرابری اجتماعی و وخامت زندگی زحمتکشان منجر شده است. زحمتکشان ایران زیر بار تورم و گرانی و بیکاری و بهره‌کشی‌گارتگرانه سرمایه‌داران و مالکان بزرگ به خانه‌خرابی و فقر روزافزون دچارند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دفاع حکومت از کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را افشاء میکند و راه تأمین عدالت اجتماعی را به توده‌های خلق می‌نماید. سازمان میکوشد تمام زحمتکشان برای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری و تأمین عدالت اجتماعی بسیج و متحد گردند.

۷ - در عصر ما انقلابی بودن بدون پیکار علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری و بدون همبستگی با سوسیالیسم واقعا موجود، بی‌معناست.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تجنیز طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با آموزشهای سوسیالیسم علمی و جهان‌بینی طبقه کارگر و در راه تقویت و اشاعه اندیشه انقلابی در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران مبارزه میکند. افشاء ماهیت و مقاصد تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی ترویج برتری راه‌های سوسیالیستی و دست‌آوردهای سوسیالیسم واقعا موجود، اشاعه روحیه انترناسیونالیستی و میهن پرستانه در میان زحمتکشان و همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی برای تقویت و تعمیق گرایش انقلابی در صفوف خلق اهمیت اساسی دارد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیگیرانه در این راه پیکار میکند.

۸ - تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق با مقاومت و اعتراض مردم روبروست. حکومت از اعتماد و پشتیبانی اکثریت توده‌های وسیع خلق برخوردار نیست. توده‌ها به اشکال مختلف مخالفت خود را با ارتجاع حاکم نشان می‌دهند. ادامه حیات ارتجاع حاکم بدون توسل به سرکوب دشوار و دشوارتر می‌شود.

جنبش توده‌ای در وضعیت فعلی خصلت مطالباتی و اعتراضی دارد. عمده‌ترین موضوع این مطالبات قطع جنگ و مهارگرانی و بیکاری است. کم‌کاری، اعتصاب، مراجعه دسته جمعی به مقامات، تظاهرات درگیری‌های خودانگیزه موضعی و محلی و مقاومت منفی اشکال عمومی مبارزه توده‌ای به شمار می‌روند. در روندهای جاری شکل عمومی این مبارزات قهرآمیز نیست. سازمان تلاش می‌کند مبارزات اعتراضی و مطالباتی توده‌ای گسترش یابد و توده‌های هرچه وسیع‌تری را در برگیرد.

سازمان می‌کوشد این مبارزات ژرفا گیرد و هرچه بیشتر سازمان یابد

۹ - در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته‌ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیئت حاکمه است. جنبش مطالباتی و اعتراضی توده کارگران گسترش و عمق می‌یابد. خواسته‌های این جنبش عمدتاً اقتصادی است و در آمیخته با آگاهی سیاسی و طبقاتی دنبال

میشود. اشکال عمده مبارزه کارگران عبارتند از اعتماد، کم کاری و انواع اعتراضات دسته جمعی، تشکیلهای کارگری تفسیر شکل می‌یابند و بر شرایط تازه منطبق میشوند. تشکیلهای علنی، سندیکاهای شوراهای، هیات‌های نمایندگی، تعاونی‌های کارگری در گسترش مبارزه توده کارگران نقش اساسی دارند. هسته‌های مخفی فعالین کارگری در رهبری مبارزه کارگران نقش برجسته‌ای می‌یابند و هدایت بسیاری از تشکیلهای علنی، سندیکاهای و شوراهای و اتحادیه‌های تعاونی را بر عهده می‌گیرند. ایجاد هسته‌های مخفی متشکل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده‌ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. جنبش توده‌ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در مדר وظایف آن قرار دارد.

۱۰ - سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی هیات حاکمه به‌تشدید ورشکستگی اقتصاد کشاورزی و مهاجرت توده‌ای دهقانان منجر شده، توده دهقانان علیه این وضع به‌اشکال مختلف در سراسر کشور مبارزه میکنند. سیاست هیئت حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان با مقاومت و اعتراض دهقانان روبروست. رژیم بسیاری از دهقانان را بخاطر مقاومت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها عمده ترین وحادترین موضوع مبارزه دهقانان است. فعالین سازمان در این مبارزه توده‌ای شرکت میکنند و میکوشند مبارزه توده‌های دهقانی و آگاهی آنان را ارتقاء دهند. سازمان بر اهمیت شرکت در جنبش دهقانی و ضرورت افشای سیاست‌های ضد دهقانی هیات حاکمه تاکید جدی دارد.

۱۱ - مسئله زنان به یکی از حادترین مسائل اجتماعی کشور ما بدل شده‌است. تلاشهای فوق ارتجاعی رژیم برای لگدمال کردن شخصیت و تمام حقوق اساسی و مسلم‌زنان و ارتکاب جنایات هولناک و اعمال توهین آمیز علیه زنان، خشم و نفرت عمومی را برانگیخته است. جنبش زنان برای دفاع از حقوق پایمال شده زن علیه نابرابری اجتماعی و بیدادگری ارتجاع حاکم گسترش می‌یابد. زنان ایران رکن مهم و نقش آفرین جنبش دموکراتیک و انقلابی میهن‌اند فعالیت انقلابی با استقبال روزافزون وسیع توده زنان مواجه است. سازمان باید سازماندهی و ارتقاء جنبش توده‌ای زنان را مورد توجه جدی قرار دهد.

۱۲ - سیاست ضد دموکراتیک و بغایت ارتجاعی هیات حاکمه، بحران اجتماعی حادی را در جامعه ما دامن زده است. گسترش بینابنده اعتبار، فساد اخلاقی و جنایت و خشونت، رشد لجام گسیخته ارتشاء و اختلاس و سوء استفاده از قدرت، افزایش تعداد بی‌سوادان، فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی جنون آمیز و رواج گسترده «فرهنگ» تزویر و ریا و حرافات در جامعه، ترویج ناشایست‌ترین رفتارها با زنان، گسترش بیم و نگرانی نسبت به آینده و ایجاد اضطراب و احساس عدم امنیت فردی و اجتماعی، عمده ترین مظاهر و باماده‌های سیاست مرتجعین حاکم‌پر کشور ما در زمینه مسائل اجتماعی، خشم و اعتراض همه اقشار خلق، کارگران و دیگر زحمتکشان و توده روشنفکران را برانگیخته

است. فعالیت توده‌ای و انقلابی در این میدان از اهمیت جدی و امکانات بسیار برخوردار است و باید مورد توجه جدی فعالین سازمان قرار گیرد.

۱۳ - فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح ارتش و سپاه اهمیت بیشتری کسب میکند. ارتجاع حاکم از نفوذ افکار مین پرستانه، مردمی و انقلابی در صفوف نیروهای مسلح، بیمناک است و تلاش میکند افکار ارتجاعی و ضد انقلابی و روح جدائی از مردم را در میان ارتش و سپاه اشاعه دهد و آنان را به ابزارهای سرکوب مردم زحمتکش مبدل کند. باید بهر شکل ممکن تلاشهای هیات حاکم برای جلوگیری از اشاعه افکار انقلابی و مردمی در ارتش و سپاه و جلوگیری از فعالیت پرسنل مترقی نظامی و انتظامی و توطئه سرکوب آنان را افضاء و خنثی کرد. باید برای جلب توده‌های هرچه وسیع‌تری از پرسنل نیروهای مسلح به سوی مبارزه انقلابی تمام تدابیر لازم را بکار گرفت.

۱۴ - حکومت در میان جوانان پایگاه خود را از دست میدهد. بیکاری و عدم اطمینان به آینده و نیز تلاش حکومت برای قربانی کردن جوانان در تنور جنگ اعتراض علیه وضع موجود و علیه ارتجاع حاکم را در میان جوانان دامن‌میزند. توده جوانان بویژه دانش‌آموزان و دانشجویان علیه علم ستیزی و ارتجاعی گری حکومت و برای برخورداری از حق آموزش و امکانات پرورشی مبارزه میکنند.

کار توده‌ای در میان جوانان و فراخوان آنان به سنگر سازمان باید بازم بیشتر بسط یابد. سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) باید برای رهبری این مبارزات بیش از پیش فعال گردد.



برنامه ما برای جبهه متحد خلق

شرط ضرور برای تامین استقلال همه جانبه ملی، تامین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تامین عدالت اجتماعی در کشور، پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل يك دولت ملی دموکراتیک است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور در جبهه متحد خلق برای دستیابی باین هدف مبارزه میکند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این برنامه را بعنوان برنامه این جبهه پیشنهاد میکند و آمادگی خود را برای مذاکره با سایر نیروهای ملی و دموکراتیک ایران به منظور دستیابی به برنامه مشترگی که مورد توافق همه آنان قرارگیرد، اعلام میکند: در زمینه تامین حاکمیت ملی و دموکراتیک

۱ - انحلال بلا درنگ کلیه ارگانهای سرکوب و سازمانها و نهادهای نافی حقوق دموکراتیک مردم و حاکمیت خلق.

۲ - لغو کلیه قوانین و احکام ارتجاعی نافی حاکمیت خلق در کلیه زمینههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اقدام برای تلویین و تصویب قوانین دموکراتیک و مرفقی.

۳ - استقرار نظام شورائی جهت اداره امور کشور از طریق تشکیل شوراهای مردمی در ده، بخش و در محله، شهر، شهرستان و استان بوسیله انجام انتخابات آزادبه منظور اداره امور محلی، با حق کنترل و نظارت بر ارگانهای دولتی.

۴ - برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین نمایندگان مردم ایران برای مجلس بمثابه عالیترین ارگان قدرت در کشور و یگانه نهاد ذیصلاح در تصویب و تفسیر و تنقیح کلیه قوانین کشور و در انتخاب هیات دولت و رئیس جمهور و اعمال نظارت بر کار آنها.

۵ - تامین شرایط برای انتخابات آزاد برای عمومی، مساوی، مستقیم و مخفی با رعایت و تضمین حقوق تام و بدون تبعیض در هر انتخابات.

۶ - اعلام و تضمین استقلال کامل قوه قضائیه و تامین شرایط برای انتخاب قضات و هیاتهای منصفه از طریق انتخابات عمومی و دموکراتیک در زمینه حقوق و آزادیهای دموکراتیک

۱ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو پیگرد تمام مبارزان تحت تعقیب رژیم و برخورداری تمام آنان از حقوق کامل يك شهروند کشور. بازگرداندن تمام کسانی که در راه دفاع از انقلاب و در نتیجه سیاستهای ارتجاعی هیات حاکمه جمهوری اسلامی کار خود را از دست داده‌اند، به کار قبلی و جبران خسارات وارده به همه آنان.

۲ - شناسائی و تامین حق آزادی کامل و بدون تبعیض برای مطبوعات، اجتماعات، نظاهرات و تشکیل سازمانها و احزاب ملی و مترقی، سندیکاها و اتحادیه‌ها و دیگر سازمانهای منفی، آزادی بیان، عقیده، دین قلم، آزادی کامل انتخاب شغل، محل سکونت، مسافرت، تابعیت، دفاع در محاکم، برخورداری از امنیت قضائی و مجازات متجاوزین به این حقوق.

۳ - شناسائی و تامین حقوق برابر و بدون تبعیض انتخاب کردن و انتخاب شدن برای کلیه شهروندان، مرفنظر از جنسیت، مذهب، عقیده، سواد، ملیت و موقعیت اجتماعی آنان.

۴ - لغو هرگونه تبعیض در حقوق فردی و اجتماعی افراد براساس مذهب و رعایت اصل تفکیک دستگاه روحانیت از دستگاه دولت، احترام به عقاید و مقدسات مذهبی مردم و جلوگیری از ایجاد خصومت و تفرقه میان مردم تحت عنوان شیعه و سنی و مسلمان و از این قبیل.

در زمینه سیاست خارجی و برای تحکیم حاکمیت ملی

۱ - دفاع از تمامیت ارضی، کوشش در راه تحکیم استقلال سیاسی و تامین استقلال اقتصادی کشور.

۲ - تصفیه کامل عمال امپریالیسم و ارتجاع از نیروهای نظامی و انتظامی کشور، تجهیز دستگاه فرماندهی نیروهای مسلح با افسران مومن به انقلاب و وفادار به خلق، شناسائی و تامین حق شرکت افراد نیروهای مسلح در زندگی سیاسی کشور، دموکراتیک کردن مناسبات در سازمانهای نیروهای مسلح.

۳ - لغو قراردادهای نابرابر علنی یا سری که بوسیله امپریالیسم و رژیمهای ارتجاعی به کشور ما تحمیل شده‌اند. جلوگیری از مداخلات و غارت امپریالیستی در کشور، عدم ورود در هر نوع دسته بندی و پیمان نظامی تجاوزکارانه.

۴ - اتخاذ سیاست خارجی و برقراری مناسبات با سایر کشورها بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، همکاری‌های برابر حقوق، گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای سوسیالیستی، ضد امپریالیستی و ترقیخواه سراسر جهان.

۵ - دفاع از صلح جهانی و امنیت خلقها و مبارزه علیه جنگ افروزی امپریا- لیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و مبارزه در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح عمومی، مبارزه در راه انعقاد قرارداد امنیت جمعی در خلیج فارس و اقیانوس هند. انعقاد قرارداد عدم تجاوز و حسن همجواری با تمام کشورهای همسایه.

۶ - همبستگی با جنبش‌های انقلابی، رهائی‌بخش و مترقی، اتخاذ سیاست تقویت جنبش غیر متعهد، جبهه پایداری و جنبش رهایی‌بخش خلق فلسطین.

در زمینه مسئله ملی

- ۱ - تضمین حق خودمختاری خلقهای ساکن کشور در اداره امور خود.
- ۲ - رسمیت زبان اقلیت‌های ملی در مناطق خودمختار در کنار زبان فارسی.
- ۳ - لغو تقسیمات کشوری نفاق افکنانه، تنظیم تقسیمات کشوری بر اساس ملیت اهالی مناطق مختلف کشور.

۴ - رفع هرگونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلقهای آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، ارمنی و فارس و سایر اقلیت‌های ملی و اقلیت‌های مذهبی ساکن ایران، تلاش در راه از میان برداشتن عقب ماندگی‌های ناشی از ستم ملی.

در زمینه اقتصادی

۱ - لغو کلیه قراردادهای نابرابر و زیان آور که به کشور تحمیل شده است، براندازی مواضع انحصارات و دول امپریالیستی در اقتصاد کشور، ملی کردن سرمایه‌های بزرگ و وابسته، اجتناب از اتکاء به سرمایه خارجی در توسعه اقتصادی کشور.

۲ - تعیین بخش دولتی و تعاونی بعنوان ارکان اصلی اقتصاد ملی ایران و کنترل و نظارت بر بخش خصوصی و تامین شرایط فعالیت آن بعنوان مکمل دو بخش نخست. تمرکز رشته‌های کلیدی اقتصاد در مالکیت و مدیریت دولت.

۳ - دولتی کردن بازرگانی خارجی و پایان دادن به سیاست درهای باز، سپردن توزیع عمده کالاهای وارداتی و محصولات واحدهای بزرگ تولیدی و تمام کالاهای اساسی به مراکز دولتی، حمایت و تقویت تعاونی‌های مصرفی، حمایت از کسب و کار و منافع شبکه خرده فروشی بخش خصوصی، قیمت گذاری کالاها و مبارزه با بورس بازی و واسطه‌گری و احتکار و گرانفروشی.

۴ - اجرای بلادرنک اصلاحات ارضی بنیادین از طریق واگذاری املاک فئودالها و زمینداران بزرگ و اوقاف به دهقانان بی زمین و کم زمین و ایجاد و گسترش تعاونیهای تولیدی در بخش کشاورزی.

۵ - کمک به افزایش بهره‌وری کارگاه‌های کوچک تولیدی و خدماتی و حمایت از سرمایه‌داران کوچک و متوسط در برابر انحصارات پشتیبانی از فعالیت سودمند آنها در جهت تقویت تولید ملی.

۶ - تاکید برگسترش بنیادین صنعت کشور از طریق پی ریزی و گسترش منابع مادر و کلیدی، جلوگیری از بهره برداری نامعقول نفت، برنامه ریزی علمی برای تغییر منابع مونتاز به صنعت مستقل.

۷ - تجدید نظر در بودجه گذاری و سیاست مالیاتی برای تامین نیازهای رشد کشور و توزیع عادلانه درآمد ملی به سود طبقات زحمتکش و کاهش ستم ملی.

۸ - اتخاذ تدابیر ضرور برای دموکراتیزه کردن بخش دولتی و قرارداد آن در خدمت خلق مبارزه قاطع علیه هرگونه فساد در دستگاه دولتی.

در زمینه اجتماعی

۱ - حقوق کار

- تنظیم قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی برپایه اصول دموکراتیک.
- تعیین حداقل دستمزد برپایه محاسبه دقیق حداقل معیشت یک خانواده زحمتکش و قانونی کردن افزایش سالانه آن متناسب با افزایش هزینه زندگی، پرداخت مزد مساوی در برابر کار مساوی.

- تضمین بی قید و شرط حق تشکیل آزادانه سازمانهای دموکراتیک و صنفی (سندیکا، شورا اتحادیه، تشکلهای تعاونی) برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده و برای کلیه کارکنان موسسات و ادارات دولتی و غیر دولتی.

- تأمین حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در برنامه ریزی و اداره تولید.

- شناسائی حق کار و تأمین کار برای بیکاران.

- شناسائی قانونی ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه برای کارگران و کارمندان و تلاش در راه تأمین آن.

- ممنوعیت کار کودکان و تعیین حداقل سن قانونی کار برابر با ۱۵ سال.

- تضمین بلا قید و شرط حق اعتصاب برای تمام کارگران و زحمتکشان.

۲ - حقوق زن

- اعلام و تضمین برابری کامل حقوق زن با مرد در جامعه و خانواده

- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره کشور و تلاش

در جهت تأمین شرایط آن.

- تضمین حق زنان در تشکیل سازمانهای توده‌ای و مستقل و دفاع

از حقوق خود.

۳ - در زمینه مسکن

- اتکاء به بخش دولتی و تعاونی جهت تأمین مسکن مناسب و ارزان برای

کارگران و زحمتکشان شهر و ده.

- غیر قانونی کردن تجارت و بورس بازی روی زمینهای شهری و احتکار مسکن.

- اختساص زمین رایگان و سایر تسهیلات به تعاونی‌های مسکن‌کارگری و کارمندی.

- کاهش فوری اجاره بهای مسکن و حمایت از حقوق و منافع مستاجران.

۴ - در زمینه فرهنگ

- اتخاذ تدابیر فوری برای ریشه کن کردن بیسوادی.

- همگانی کردن آموزش ابتدائی و راهنمایی در سراسر کشور. دگرگونی بنیادی

نظام آموزشی کشور از طریق شناسائی و اعلام حق تحصیل بمتأبه حق مسلم افراد کشور

و کوشش در جهت تأمین آن از طریق رایگان کردن آموزش در کلیه مراحل آن، گسترش

مؤسسات آموزش عالی، حذف هرگونه خرافات و کلیه مطالب ضد علمی و ضد ملی از کتب آموزشی.

— لغو فوری هرگونه تبعیض در حق تحصیل براساس عقیده، جنسیت و ملیت و دین.

— تامین آزادی و فعالیت نویسندگان و هنرمندان و سازمانها و انجمنهای آنان، مبارزه بیکر با همه آثار فرهنگ امپریالیستی و ارتجاعی در جامعه، کوشش در جهت احیا و تقویت فرهنگ ملی ایران و همه خلقهای آن، تامین شرایط لازم برای شکوفائی هنر در جامعه، برنامه ریزی جهت ایجاد فرهنگستان ایران.

۵ — بهداشت و درمان

تجدید نظر در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی کشور به سود زحمتکشان، کوتاه کردن دست سرمایه داران از تجارت روی سلامت مردم، گسترش خدمات رایگان بهداشتی و درمانی، تضمین حق برخورداری از بیمه بمشابه حق همگانی.

* * *

چنین است رئوس کلی برنامه پیشنهادی ما برای جبهه متحد خلق، برنامه ای که اجرای بی خدشه آن توسط دولت ملی دموکراتیک میتواند اساسی ترین خواستها و منافع مردم ایران را تامین نماید. این برنامه با منافع واقعی هیچیک از اقلیتات و طبقات خلق مغایرت ندارد و در راستای عالیترین خواست و منافع تاریخی آنان قرار دارد. بسود منافع تاریخی مردم ایران است که نیروهای ملی و دموکراتیک بر اختلافات درونی چیره شوند و برخواستها و اهداف مشترک تکیه کنند و در یک جبهه واحد، متحد گردند. از این رو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثورت) به نوبه خود، با تمام امکانات در راه رسیدن به برنامه مشترک بیکار میکند و بار دیگر همه نیروهای خلق را به اتحاد و عمل مشترک در این راه فرا میخواند.



پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

هم میهنان عزیز!

از انقلاب با شکوه بهمن ۵۷ که با همت والا و حماسه آفرینی شما به پیروزی رسید. نزدیک به شش سال میگذرد. انقلاب طومار سلطنت و رژیم استبدادی شاه را در نوردید. به سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشور پایان داد و حکومت کلان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و وابسته را برانداخت و راه تحقق امیدهای بزرگ شما را بازگشود. شما که در تظاهرات چندین میلیونی خود با قلبهای تپنده و مشت‌های گره کرده، فریاد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را طنین انداز کردید، میخواستید سلطه امپریالیسم سرکردگی آمریکا را درهم بشکنید. به دیکتاتوری و استبداد در هر شکل آن پایان دهید و سرنوشت خود و کشور را بدست گیرید، بی‌عدالتی و فقر را ریشه‌کن کنید و حقوق و منافع همه اقشار خلق را تامین نمایید. شما قیام کردید که دهقان صاحب زمین شود. شرایط کار و زندگی کارگران بهبود یابد، بیکاری از بین برود و همگان صاحب خانه شوند و تبعیض علیه زنان و ستم بر خلقهای غیر فارس خاتمه یابد. آری، شما با این آرمانها در انقلاب شرکت کردید. شما از هیچ فداکاری و جان‌بازی در این راه دریغ نکردید.

اما بر اثر توطئه‌های امپریالیسم و خیانت رهبران جمهوری اسلامی، آماج‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب تحقق نیافت. رهبران جمهوری اسلامی که با تکیه بر اعتماد شما قدرت به کف آوردند و پس از پیروزی انقلاب تا مدتی در راه مردم گام زدند. بالاخره به کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و فشار امپریالیسم تسلیم شدند و راه خیانت را در پیش گرفتند.

هم میهنان عزیز!

هیات حاکمه جمهوری اسلامی سیاستهای ارتجاعی را در همه جهات گسترش میدهد و تشدید میکند. هیات حاکمه با ادامه جنگ خانمانسوز کشور را ویران میکند و منافع ملی ما را به مخاطره می‌اندازد. سیاست ادامه جنگ که توسط رهبران جمهوری اسلامی

دنبال میشود سیاستی است ارتجاعی که بسود امپریالیسم آمریکا تمام میشود. ادامه جنگ از طرف هیات حاکمه هم وسیله ایست برای فرونشاندن اعتراض شما و هم وسیله ایست برای سازش با آمریکا و ارتجاع منطقه. با هدف تحکیم حاکمیت ارتجاع بر کشور. **هم میهنان مبارز!** متحد شوید و با تمام نیرو و امکانات و با استفاده از تمام ابتکارات جلوی ادامه جنگ را بگیرید. از قربانی شدن جوانان در میدانهای جنگ جلوگیری کنید. برای پایان دادن به این جنگ بی فرجام و برقراری آتش بس و صلح، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید!

ارتجاع حاکم برای پیشبرد سیاست و برنامه خود زیر پوشش مذهب استبدادخشن کم نظیری را به کشور ما تحمیل کرده است. رژیم ارکانهای سرکوب و نهادهای جاسوسی خود را مدام گسترش میدهد و با آخرین تجارب دستگاههای جاسوسی غرب و ساواک سابق مجهز میکند. این ارگانها سالانه بخش عظیمی از بودجه کشور را مصرف میکنند تا مبارزات حق طلبانه شما را سرکوب کنند. آنها دهها هزار کارگر و دهقان، روشنفکر و کارمند، پیر و جوان و زن و مرد را در زندانهای خود اسیر کرده اند. آنها زنان و مردان آزاده و مردم دوست را در شهرها و روستاهای کشور شکار میکنند و در سیاه چالهای خود به بند میکشند. جان دهها هزار فرزند اسیر شما در زندانهای جمهوری اسلامی در خطر است. شکنجه و اعدام به حربه عادی هیات حاکمه در رویارویی با منافع خلق مبدل شده است. اما تاریخ بارها ثابت کرده است که حکومتهایی که به شکنجه و اعدام تکیه میکنند پابرجا نخواهند ماند. علیرغم اینهمه جنایت، رژیم ندهتنها موفق نشد احزاب و سازمانهای انقلابی را نابود کند، بلکه هرروز که میگذرد با مقاومت فعال تر و موثرتر آنان که تماما ناشی از حمایت بیدریغ شماست مواجه میگردد.

هم میهنان مبارز! علیه ترور و اختناق حاکم بر کشور، علیه شکنجه و اعدام اعتراض کنید. پرده از جنایات ارتجاع بردارید. از زندانیان سیاسی دفاع کنید و بهر شکل ممکن که میتوانید از مبارزان و آزادیخواهان و انقلابیون پاک باخته که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیگار میکنند حمایت کنید. ایمان داشته باشید که مبارزه و مقاومت متحد شما آزادی و دموکراسی را به کشور ما باز میگرداند و طومار حاکمیت استبداد و ارتجاع را درهم می پیچد.

هم میهنان عزیز!

آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی که زمانی از حمایت محرومان محبت میکردند امروز جانب کلان تاجران بازار را گرفته و از نودست سرمایه دارهای بزرگ را برهستی شما باز کرده اند و از بزرگ مالکان حمایت میکنند. آنها اصول اقتصادی قانون اساسی خود جمهوری اسلامی را نیز بلور افکنده، دولتی شدن تجارت خارجی را لغو کرده و قانون اصلاحات ارضی را باطل اعلام کرده اند. آنها کلان سرمایه دارانی را که انقلاب شما آنها را فراری داده بود دوباره به کشور دعوت کرده، کارخانه ها، املاک و اموال خلق را به آنها پس میدهند.

هم میهنان مبارز! علیه این سیاست ضد مردمی رژیم مبارزه کنید. اجازه ندهید حکام مرتجع جمهوری اسلامی زالو مفتانی را که شما از کشور بیرون کرده‌اید دوباره بر شما حاکم کنند. علیه همدستی سران رژیم با بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته و علیه چپاولگری کلان تاجران، که نورچشم حکومت گشته‌اند، اعتراض کنید و بریزید.

هم میهنان عزیز!

سران حکومت جمهوری اسلامی که تا دیروز «مرگ بر آمریکا» را شعار خود کرده بودند و از استقلال طرفداری میکردند، امروز درهای همه بازارهای کشور را بروی امپریالیست‌ها باز کرده و سیاستی در پیش گرفته‌اند که بر خلاف مصالح ملی ماست، این سیاست وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیست‌ها را حفظ میکند و دهقانان و سرمایه‌داران کوچک و خرده پا راخانه خراب و ورشکست میکند. سران رژیم قراردادهای نابرابر و تحمیلی با انحصارات امپریالیستی غرب امضاء میکنند و برای خوشامد آنان بدون کوچکترین بهانه و دلیل اتحاد شوروی و کشورهای طرفدار استقلال و آزادی ایران را مورد تهمت و افترا قرار میدهند. سران جمهوری اسلامی با رژیمهای ارتجاعی و فاشیستی ترکیه و پاکستان علیه خلقهای هرسه کشور هم پیمانی میکنند. آنها علیه مردم افغانستان با باندهای جنایتکار مزدور آمریکا همکاری میکنند. آنها به دستجات راهزن، قاچاقچی و آدم کش افغانی پول و اسلحه و پایگاه میهند که علیه مردم ایران و افغانستان دست به جنایت زنند.

هم میهنان مبارز! علیه سیاست استقلال شکن و ایران برباد ده این مرتجعین بپا خیزید. نگذارید سران رژیم ایران را به راهی ببرند که یک بار دیگر میهن ما به ژاندارم امپریالیسم آمریکا تبدیل شود و سرسپردگان امپریالیسم بر مقدرات آن حاکم شوند. از استقلال و سربلندی خود دفاع کنید. نگذارید حکام جمهوری اسلامی به نام دین و اسلام و بخاطر سود کلان سرمایه‌داران با امپریالیست‌ها علیه شما همدستی کنند. متحد شوید و علیه امپریالیسم جهانخوار و علیه ارتجاع حاکم با قدرت مبارزه کنید. هیچکس رایاری ایستادگی در برابر نیروی متحد و مصمم شما نیست. پیروزی در این مبارزه از آن شماست.

هم میهنان عزیز!

ارتجاع حاکم هر روز در کردستان دست به جنایت تازه‌ای می‌زند. مردم زجر دیده کردستان جز جنگ و بمباران از این حکومت چیزی نمی‌بینند. بر شماست که علیه کشتار مردم کردستان و علیه ادامه این جنگ برادر کشی اعتراض کنید. از هم میهنان کرد خود حمایت کنید. فقر و تنگدستی و جنگ و ویرانی زندگی را به هم میهنان کرد ما تیره و تار کرده است. اجازه ندهید این فاجعه ادامه یابد. مردم مبارز کردستان! رژیم قادر نیست مبارزه و آرزوی برحق شما را درهم‌شکند خواست شما برحق است و حق پیروز است. هملوش و همراه با مردم سراسر ایران به مبارزات حق طلبانه خود ادامه دهید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پشتیبان

شماست و از مبارزه شما در راه گسب خودمختاری باتمام نیرو دفاع میکنند.

کارگران عزیز !

حیات جامعه بسته به کار شماست. شما ستون انقلابید. در مبارزه بخاطر صلح، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی، نیرو و نقش اصلی از آن شماست. شما کارگران پیشروترین و نیرومندترین بخش جامعه و جنبش خلقید. شما هستید که به آرزوهای دیرین خلق جامعه عمل می‌پوشانید.

کارگران مبارز ! علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی متحد شوید و راهنا و راهکشی اتحاد تمام مردم ایران گردید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران ورزمنده پیکر راه کارگران و زحمتکشان ببیوندید و میهن خود را به راه صلح و استقلال، براه عدالت و آزادی واقعی هدایت کنید.

کارگران مبارز ! مبارزات مطالباتی و اعتراضی را گسترش دهید. در راه حفظ و ایجاد سازمانهای صنفی خود از هیچ کوششی فروگذار نکنید. این سازمانها را به سنگر مبارزه خود بدل سازید. قدرت شما در تشکل شماست. رژیم قادر نیست در برابر مبارزات متحد و متشکل شما بایستد و به خواست شما تن ندهد.

دھقانان ایران ! زمین‌هایی که در جریان انقلاب مصادره کردید یا بدست آوردید، حفظ کنید. بزرگ مالکان را به روستا راه ندهید، متحد و متشکل شوید و علیه رهبران حکومت و عوامل ضد دھقانی آن مبارزه را گسترش دهید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق آرزوهای شما مبارزه میکند. از مبارزه سازمان ما حمایت کنید و به آن ببیوندید.

زنان مبارز ایران ! هیات حاکمه حقوق شما را در جامعه و در خانواده لگدکوب می‌کند و میکوشد تا شخصیت شما را تحقیر کند. زنان نیمی از مردمند. متحد شوید و علیه هیات حاکمه مبارزه خود را گسترش دهید. شما قطعاً قادرید با نیروی اتحاد و مبارزه خود ارتجاع حاکم را همچون رژیم شاه به زانو افکنید. در این راه سازمان ماتکیه گاه مطمئن و سنگر استوار شماست.

پرسنل انقلابی و میهن دوست ایران ! سیاست هیات حاکمه، جلوگیری از اشاعه آگاهی انقلابی و فعالیت سیاسی در صفوف نیروهای مسلح و جلوگیری از شرکت شما در تعیین سرنوشت کشور است. این سیاست را افشاء کنید. در برابر توطئه تصفیه نیروهای ترقیبخواه از نیروهای مسلح هوشیار باشید. این توطئه را خنثی کنید. در راه جلب هرچه وسیعتر پرسنل انقلابی به سوی مبارزه به طرق مقتضی تلاش کنید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از خواست و مبارزه حق طلبانه شما با تمام قوا دفاع میکند.

جوانان عزیز ! سران مرتجع رژیم به فکر آینده شما نیستند. آنها نه تنها راه تحصیل را بروی شما باز نمی‌کنند، بلکه بیکاری و سرگردانی را نیز به شما تحمیل میکنند. آنها میخواهند بزور شما را راهی جبهه‌های بی بازگشت جنگ سازند.

چو اتان مبارز ! عليه سياسته‌هاى ارتجاعى رژيم اعتراض كنيد. براى گسترش امكانات آموزشى و پرورشى و عليه بيكارى مبارزه كنيد. نيرو و توان خود را در راه خدمت به خلق و به ميهن خود بكار گيريد. فردا از آن شماست.

هم ميهنان مبارز !

ارتجاع حاكم بر کشور به راهى قدم گذاشته و پيش ميرود كه شاه آمرىكائى در پايان آن راه بدست مردم بزيور كشيده شد. ما اعتقاد را سخ داريم همانطور كه نيروى متشكل و متحد شما رژيم فرتوت سلطنتى را به زباله‌دان تاريخ افكنند. قادر است به حاكميت ارتجاع بر کشور پايان دهد و سرنوشت کشور را به يك دولت ملى دموكراتيك كه در راه آماج‌هاى انقلاب گام برميدارد بسپارد. ايمان راسخ داريم كه بار ديگر ابرهاى تيره استبداد قرون وسطائى از آسمان ايران خواهد رفت و خورشيد آزادى درخشش آغاز خواهد كرد و مبارزه متحد شما در راه ساختن ايرانى آزاد، دموكراتيك، مستقل و آباد پيروز خواهد شد. پيروزى از آن شماست.

جاودان باد خاطره شهيدان بخون خفته خلق

برقرار باد اتحاد بزرگ نيروهاى ملى دموكراتيك در جبهه متحد خلق

پيروز باد مبارزات حق طلبانه مردم ايران در راه صلح، استقلال،

آزادى و عدالت اجتماعى

پلنوم كميته مركزى

سازمان فدائيان خلق ايران (اكثريت)

مهر ماه ۶۳

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی !

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما، به حزب پرافتخار شما، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران که در یکی از دشوارترین دوره‌های حیات انقلابی خود، همچنان پرچم رزم کارگران و زحمتکشان میهن مان را افراشته است، پرفزوغ‌ترین دروذهای انقلابی خود را تقدیم می‌دارد.

رفقا !

پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در شرایطی بوگزار می‌گردد که مرتجعان و خائنان به مردم و انقلاب، بقصد هموارکردن راه بهره‌کشی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و برپانکهداشتن بارگاه ستم خود، سازمانهای ما را آماج تهاجم و سرکوب قرار داده و بگمان از میان برداشتن دژ مستحکم انقلاب و سنگر تسخیرناپذیر توده‌ها، حزب توده ایران - شمشیر خون چکان خود را برپیکر حزب شما فرود آورده‌اند. در میدان نبرد خونین طبقات، همواره اولین تیر از ترکش دشمنان طبقه کارگر و نوده‌ها بسوی حزب توده ایران شلیک شده و اینک نیز برپیکر سترک حزب شما زخم‌خجر ارتجاع نشسته است.

خیانتکاران و افسگراشی که کمر به زوال کامل دست‌آوردهای انقلاب بستند، میهن پرستان توده‌ای را آماج دشمنه‌های زهرآگین خود قرار دادند. اما حزب علیرغم توطئه‌های دشمنان، استوار برجای ماند. حزب توده ایران روئین‌تن است، چرا که از مردم است و با مردم. حزب توده ایران جاودانه است.

رمز جاودانگی حزب شما در آنست که در پیوند تاریخی خود با طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهنمان، همواره در شرایط گوناگون حیات اجتماعی کشور، با الهام از اندیشه‌های سترک مارکسیستی - لنینیستی، در پرتو جهان بینی علمی و با دریافتی عمیق و همه‌جانبه از مصالح و منافع کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان و محرومان جامعه، درست‌ترین راه حل‌ها را پیش پای جنبش خلق و جنبش طبقه کارگر ایران گذاشته

است. هر توده‌ای رزمنده‌ای با تجهیز کامل به ایده‌های والای حزب خود همچون ستاره‌ای قلب تاریکی را شکافته است و چه بسیار از این ستارگان فروزان که به دست ناپاک پاسداران شب فروخته‌اند تا صبح را به محرومان بشارت دهند.

حزب انقلابی و مردمی شما با درکی روشن و علمی از صف آرایی طبقات در جامعه، عملکرد آنان، قانونمندی حاکم بر طبقات متخاصم و ارزیابی درست از مناسبات و توازن نیروها در انقلاب شناختن و شناساندن دقیق نیروهای محرکه انقلاب و خواسته‌های معین آنان، توانست‌مشی انقلابی خود را پی‌ریزی کند و گذشت ۶ سال از کارزار حاد طبقاتی در میهن ما اسولیت خط مشی حزب را اثبات کرده است. تاریخ جنبش انقلابی میهن ما خدمات شایان حزب توده ایران را در گسترش، ارتقاء و زرفش جنبش انقلابی و انقلاب ایران اشاعه آگاهی طبقاتی در میان کارگران و زحمتکشان جامعه ارجی شایسته میگذارد. برای تجلیل از نقش حزب توده ایران در پیشبرد انقلاب و مبارزه پیگیر برای تامین آماجهای آن همینقدر کافیست گفته شود که نام توده‌ای با هر کلام و اقدام مردمی آمیخته شد. در طول سالهای گذشته هر جا که نشانی از طلب کار و نان و آزادی بود دشمنان مردم به حضور یک توده‌ای در آنجا شك میکردند و هر جا که اثری از اقدام بنفع محرومان دیدد میشد، قداره بندهای خادم سرمایه و ستم جای پای توده‌ای را ردیابی مینمودند. در یک کلام هر جا که نامی از توده است، نشانی نیز از توده‌ایست. از همین روست که دشمنان سوگند خورده توده‌های ستمکش ایران اینگونه به حزب توده ایران کین می‌ورزند.

رفقا!

ریشه در مردم داشتن است که منشاء اینهمه زبایائی، پویائی و بالندگی است. بی جهت نیست که حزب توده ایران علی‌رغم جراحات سخت و دردآوری که ارتجاع برپیکرش نشاناند، توانسته است در طول یکسال گذشته با توانی غرور آفرین راه کار و پیکار توده‌ای‌اش را دنبال کند. برگزاری موفقیت‌آمیز پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال گذشته، به گواه همه دستاوردهای آن پاسخی شایسته به دشمنان حزب و جنبش ما بوده است. بازسازی دستگاه رهبری و اقدامات موفقیت‌آمیز برای احیاء سازمانهای حزبی داخل و خارج کشور و تحلیل‌ها و رهنمودهای پلنوم هجدهم نقش‌بزرگی در حفظ و تحکیم صفوف حزب در دشوارترین شرایط ایفاء کرده است. انتشار «نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران گام بزرگ دیگری بود که حزب در مقابله با صف‌دشمنان کینه جو به پیش برداشت.

سالی که گذشت تجلی استقامت، شکیبایی و درایت انقلابی رهبری حزب در غلبه بردشواریه‌ها بود. ما فدائیان خلق به سهم خود این پایداری و درایت انقلابی رامیستایم و از آن می‌آموزیم.

رفقا!

پیروزی بزرگی که جنبش ما با برگزاری پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران بدست آورد اینک با برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت) گستره تازه‌ای مییابد. برپایی پلنوم ما بار دیگر بر شکست محتوم دشمنان ما گواهی میدهد. پیروزیهای بزرگ حزب و سازمان بویژه در یکسمن اخیر پیام آور این حقیقت است که ما در سنگر خارائین کمونیزم و انترناسیونالیزم پرولتاری، با کارگران و توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان ایران پیوندی ناگستنی داریم.

رفقا ۱

حمایت قاطعانه احزاب کمونیستی و کارگری، سازمانهای انقلابی و ترقیخواه و مدعا نهاد و سازمان بین المللی و دموکراتیک از حزب توده ایران نمودار شورانگیزی از حقانیت و اعتبار حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. دفاع استوار همه احزاب برادر و در راس همه حزب کبیر لنین، از حزب توده ایران نشانه مقام والای آن در عرصه ملی و بین المللی است. حزب توده ایران در طول زندگی پرفراز و فرود خود اثبات کرده است که علیرغم دسیسه‌ها و تهمت‌های دشمنان مردم برای تحریف تاریخ کار و پیکار درخشانش. پیوندهای انترناسیونالیستی خود را با کارگران جهان و احزاب و سازمانهای سیاسی آنان هرچه استوارتر پاس میدارد و ژرف و ژرفتر میکند.

رفقا ۱

در شرایط کنونی میهن ما که خادمان ستم و سرمایه. بار دیگر سرنیزه را جان پناه خود قرار داده‌اند، تا راه بازگشت امپریالیزم به میهن بلازده ماراهموار و هموارتر کنند. بی تردید تلاش مشترک ما در اتخاذ یک سیاست درست، اصولی و خردمندانه، در راه تشکیل جبهه متحد خلق تصمیمی قطعی برای پیروزی پیکار بی امانان است. بدیهی است یکپارچگی صفوف رزمنده کمونیست‌های ایران رکن اساسی وحدت‌جنبش خلق و ضامن پیروزی رزم مردم میهن ماست. افزایش نقش و سهم طبقه کارگر در جبهه متحد خلق و در راه تحول بنیادین جامعه در گرو حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشتاهنگ طبقه کارگر ایران است. اعتقاد عمیق و کوشش مشترک ما در تقویت و گسترش همکاریهای برادرانه، ثمرات چشمگیری در حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی میان ما و گسترش آن به سطح وحدتی همه جانبه بدید آورده است. هیچ عامل و نیروئی قادر نیست و نخواهد بود مانع تحقق وحدت مقلس ما گردد. کارگران و زحمتکشان ایران ازورای عبار گذرای تهمت و افترا، بانگ یگانگی و پایداری توده‌ایها و فدائیان را می‌شنوند و در پیشاپیش خود پرچم سرخ رهائی ملی و اجتماعی را می‌بینند. که در دستان بهم فشرده و توانای فدائیان و توده‌ایها در اهتزاز است.

درد بر حزب توده ایران

برقرار باد وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مرگ بر امپریالیسم

شکوفان باد صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضاء و هواداران

رفقای عزیز، فدائیان خلق

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما کادرها، اعضاء و هواداران رزمنده و جانبازان، که در شرایط ترور و خفقان و تشدید مداوم توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع برجم پرافتخار سازمان مان را فراراه کارگران و رنجبران افراشته‌اید درود می‌فرستد.

پلنوم کمیته مرکزی ستایش و قدردانی عمیق خود را بیاس حماسه‌های پرشکوه مقاومت و مبارزه شما، و کوشش سترگ تان در حفظ و تحکیم صفوف سازمان طرازنویین طبقه کارگر ایران ابراز میدارد.

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه وظایفی را که در دستور کار خود داشت، با پیروزی غرور آفرین و نیروبخشی به انجام رساند. پلنوم برخی از عمده‌ترین مسایل شش سال اخیر را براساس گزارش هیات سیاسی بررسی کرد، ماهیت حکومت و سمت تحولات آن و اوضاع سیاسی کشور را مورد بحث قرار داد، و براین پایه خط مشی سازمان را در همه سمتها مشخص کرد و وظایف سازمان را تعیین نمود.

سند شالوده‌ای پلنوم، یعنی «قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی» سندی است که دیگر تحلیلهای سیاسی ما و مشی سازمان را پی می‌افکند. کادرها، اعضاء و هواداران سازمان باید بدقت این قطعنامه را مطالعه کنند و مبنای شناخت روند شش ساله پس از انقلاب و شناخت عمیق و همه جانبه خط مشی سازمان و وظایف انقلابی خویش قرار دهند. این سند سازمان را در مبارزه علیه برداشتهای غیر علمی از روند انقلاب بیش از پیش تجهیز میکند.

قطعنامه «درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)»، که برپایه تحلیلهای دقیق و همه جانبه پلنوم تصویب گشته است، سمت اصلی نبرد سازمان را روشن می‌سازد و مشخص می‌کند که «سیطره ارتجاع بر کشور به مانع عمده در راه تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بدل شده است». پایان دادن به حاکمیت ارتجاع آماج

عمده‌ای است که سمت اصلی پیکار ما را معین می‌کند. همه نیروهای سازمان باید از راه افشاء مرتجعین و خائنان به انقلاب، مردم را برای دستیابی به این آماج بسیج کنند. افشای سیاست و ماهیت مرتجعین حاکم آن حربه کار ساز و نیرومندی است که می‌تواند به حاکمیت ارتجاع برکشور پایان دهد و راه اعمال حاکمیت دموکراتیک و ملی را بگشاید. خط مشی مصوب پلنوم چراغ راهنمای مبارزه فدائیان در همه عرصه‌ها است. قطعنامه درباره «اوضاع سیاسی کنونی و وظایف ما» با ارائه تصویری جامع از روندهای جاری در حکومت و در کشور، و با بررسی جهات عمده جنبش توده‌ای در شرایط کنونی، وظایف تاکتیکی و امروزی کادرها، اعضاء و هواداران سازمان را در همه عرصه‌های نبرد به تفکیک مشخص می‌سازد. اتکا به ارزیابی‌ها و کاربست رهنمودهای این قطعنامه ما را یاری می‌کند تا در تشخیص روند جنبش توده‌ای و تأثیر گذاری بر آن و سمت دهی به مبارزه توده‌ها نقش فزاینده‌ای ایفاء کنیم.

پلنوم ما در فضای یگانگی رفیقانه و وحدتی عمیق پرتوان و تزلزل‌ناپذیر به انجام وظیفه پرداخت. پلنوم برتحکیم بازهم بیشتر وحدت صفوف سازمان تکیه و تأکید داشت، پلنوم برای امر وحدت جنبش کمونیستی ایران به مثابه شالوده اتحاد نیروهای خلق و نیز برای تقویت مابنی همکاری و اتحاد نیروهای مترقی اهمیتی اساسی قایل شد. بخش عمده قطعنامه در باره خط مشی به مساله وحدت و اتحاد اختصاص یافته است، امری که برای جنبش انقلابی ما هم استراتژی است هم تاکتیک، هم از این رو اراده راسخ سازمان را در حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی سازمان با حزب توده ایران و گسترش آن تا سطح وحدتی همه جانبه بار دیگر مورد تأکید قرار داد.

رفقا!

قدرت ما در وحدت ماست و شما در عمل روزمره خود پاسدار آگاه وحدت این دست آورد عظیم جنبش انقلاب مینمان هستید. شما خواست و آرزوی دشمنان وحدت پيشاهنگ طبقه کارگر ایران را به خاک سپرده‌اید.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بر ضرورت، اهمیت و فوریت همکاری و اتحاد عمل و اتحاد نیروهای خلق در يك جبهه متحد، به مثابه وثیقه مطمئن دستیابی به آماج‌های جنبش تأکید کرد و همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی را به اتحاد براساس برنامه و آماج‌های مشترك فراخواند. اعضاء و هواداران سازمان باید این آماج‌های مقدس سازمان خود را با تمام توان پاسدارند و در تحقق کامل آنها بکوشند. از هر امکاني و از هر فرصتی و در همه‌جا، در خانه و کارخانه، در شهرها و در روستاها برای همکاری با دیگر نیروهای ترقیخواه و علیه ارتجاع حاکم در مبارزه علیه امپریالیسم بکوشید. دست هر فدایی دستی است که دست دیگر نیروهای انقلابی و ترقیخواه را برای اتحاد رزمجویانه علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌فشارد.

پلنوم برنامه‌سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را برای جبهه متحد خلق تصویب کرده است. آماج عمده این برنامه پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل يك دولت

ملی و دموکراتیک جهت تأمین خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم ایران است. پلنوم اعلام کرد که سازمان ما در عین حال آماده است تا برای دستیابی به برنامه‌مورد قبول با همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی مذاکره کند.

قطعنامه پلنوم در باره اوضاع جهان براین تأکید دارد که در شرایط تشدید بحران در کشورهای امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا با دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته و استقرار موشک‌های هسته‌ای پرشینگوکروزر در اروپا، جهان را به پرتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهد. در مقابل کشورهای سوسیالیستی و در رأس همه اتحادشوروی با همه توان می‌کوشند تا توطئه‌های امپریالیسم به سرکردگی آمریکا را خنثی سازند و در شرایط بس بفرنج کنونی از خطر جنگ بکاهند و صلح را برای جهانیان تأمین کنند. فدائیان خلق وظیفه دارند که با همه توان توده‌های کشور ما را نسبت به این مسئله اساسی جهان آگاه سازند. موضع جنگ افروزانه امپریالیستها و در رأس همه آمریکا را افشاء کنند، نقش سترگ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در حفظ صلح و امنیت جهانی توضیح دهند و توده‌ها را به شرکت وسیع در مبارزه به خاطر صلح ترغیب کنند.

رفقا!

برگرای پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی چنین دشوار و پیچیده که سازمان ما آماج تهاجم و توطئه‌های رنگارنگ ارتجاع و امپریالیسم است تحسم کاملی از چیرگی ما بر تلافی‌های اهریمنی دشمنان و ثمره پرشکوهی از رنج و رزم همه فدائیان خلق و بیانگر عزم دشمن شکن ما در بيمودن راهمان است. پلنوم کمیته مرکزی شما، با شرکت بخش اعظم اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی و با حضور همه اعضا هیات سیاسی حاضر در پلنوم خرداد ۶۱ و در فضای شورانگیزی از یگانگی فکری و سیاسی و پیوند عمیق رفیقانه، بنام طبقه کارگر و توده‌های رزمنده و بنام فرزندان برومند خلق و میهن آغاز بکار کرد و با پیروزی کامل بکار خود پایان داد. متأسفانه در این پلنوم چند تن از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی سازمان حضور نداشتند. آنها در اسارتگاه‌های رژیم زیر فشار و شکنجه از آرمانهای خویش، از طبقه کارگر و توده‌های محروم کشور خویش قهرمانانه دفاع می‌کنند.

سازمان ما در پلنوم مهر ماه ۶۲ به پیروزی سترگ تازه‌ای دست یافت. اکنون باید مثل همیشه دست بدمت هم، در صفی فشرده و بولادین، برای گسترش این پیروزی نوین به همه عرصه‌های مبارزه بکشیم. کادرها، اعضاء و هواداران سازمان باید تحلیلهای پلنوم را عمیقاً درک کنند. رهنمودهای آن را بطور همه جانبه راهنمای رزم خویش قرار دهند و با همه توان بکوشند تا برنامه و رهنمودهای مصوب پلنوم وسیعاً به میان طبقه کارگر و توده‌ها برودور راهنمای مبارزه آنان گردد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاسخگویی به وظایف خطیری که جنبش بر عهده ما گذاشته است، همه اعضاء و هواداران سازمان را به اجراء

هر چه کاملتر رهنمودهای زیر فرا می‌خواند:

— با آموزش همه جانبه و کاربست دقیق معیوبات و رهنمودهای پلنوم، وحدت فکری و سیاسی سازمان را چون مردمک چشم پاسدارید و همواره ژرف و ژرفتر سازید.

— آگاه سازی و بسیج و سازماندهی توده‌ها در گرو پیشبرد موثر و گسترده افشاکاری و تبلیغ سیاسی در سطح جامعه است. نشریات سازمان را تکثیر کنید و از راههای گوناگون در سطح شهرها و روستاها پخش کنید. تا میتوانی تراکتهای سازمان را در معرض دید توده‌ها قرار دهید. شعارهای سازمان و نام سازمان را بر دیوارهای شهرها و روستاها، بر دیوار خانه‌ها و کارخانه‌ها، هر کجا که در معرض دید توده‌ها قرار دارد بنویسید. شعارها و رهنمودهای سازمان را در جریان اعتصابات و تظاهرات و تحسینها و دیگر حرکت‌های توده‌ای طنین انداز سازید. کارگران و زحمتکشان باید در همه مبارزات خود، فدائیان خلق را همراه و پیشاپیش خود ببینند. پشاهنگ طبقه کارگر باید پشاهنگ مبارزات جاری کارگران و همه رنجبران باشد.

— در راس شعارهای ما صلح و آزادی قرار دارد. جنگ افروزان و مستبدین حاکم را افشاء کنید و مردم را به گسترش مبارزه در راه صلح و در راه تامین آزادیهای سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی برانگیزید. برپایه خواسته‌های مشخص توده‌ها و مبارزه جاری آنها، توده‌ها را برای دفاع از استقلال کشور و برای مبارزه هر چه گسترده‌تر در راه تامین عدالت اجتماعی بسیج کنید. صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، چنین است شعارها و آماج‌های ما و همین است مشخصه و معرف برنامه و سیاست سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت). از هر امکانی برای بردن این شعارها به میان توده‌ها بگوئید.

— جنبش توده‌ای کارگری ایران اکنون رشد یافته‌ترین بخش جنبش توده‌ایست و هر روز دامنه آن گسترده‌تر میشود. در چنین شرایطی وظایف فعالین سازمان برای بردن آگاهی انقلابی، سوسیالیستی و دموکراتیک به میان کارگران و سازماندهی و هدایت مبارزه آنان بسیار بیشتر و خطیرتر میشود. فعالین انقلابی ما باید در راه ایجاد هسته‌های مخفی در کارخانه‌ها و کارگاهها، به منظور هماهنگی و هدایت مبارزه جاری کارگران و حرکت برای ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری نهایت کوشش خود را بکنند. در تشکلهای موجود شرکت کنید و امکانات آنها را در خدمت رشد مبارزه کارگری و ایجاد تشکلهای واقعی کارگری قرار دهید. از طریق افشاء مرتجعین حاکم و سیاست‌های ضد کارگری، ضد مردمی و ضد ملی حکومت و از طریق نشان دادن ریشه‌های رنج و محرومیت کارگران، راه پایان دادن به این رنجها و شیوه‌های مناسب مبارزه در این راه، از طریق اشاعه پرشکب شعارهای پشاهنگ طبقه کارگر، برای تقویت جنبه سیاسی مبارزات طبقه کارگر و ارتقاء مداوم مبارزه آنان بگوئید.

— میان توده‌ها بروید. در همه محیط‌های کار و پیکار کارگران و دیگر زحمتکشان حضور باید، برنامه، سیاست و شعارهای سازمان را به آنان بشناسانید. با مبارزه بالفعل آنان پیوند برقرار کنید، در راه سازمان دادن کارگران و رنجبران و هدایت مبارزه

آنها جانبازی کنید. کار سازمانگرا نه و تبلیغ در میان کارگران، دهقانان کارمندان پیشه‌وران، دانشجویان و دانش‌آموزان، نیروهای مسلح و دیگر اقشار جامعه وظیفه بنیادین فدائیان خلق است.

— طرحها و تدابیر سازمانی، که بر اساس اصول فعالیت مخفی در شرایط سرکوب و خفقان به اجرا گذاشته می‌شود باید بلقت و بطور کامل اجرا گردد. در چنین شرایطی حفظ و گسترش ارتباط با رهبری سازمان در راس وظایف سازمانی رفقا قرار دارد. رفقایی که ارتباطشان با سازمان قطع شده است نباید ادامه فعالیت خود را موقوف به ارتباط مجدد با سازمان کنند. رفقا باید بیدرنگ در گروههای کوچک و مستقل متشکل شوند و با همه توان وظایف سازمانی خود را که در اسناد پلنوم مهر ماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان و در «کار» و دیگر نشریات کمیته مرکزی سازمان مشخص می‌شود بطور کامل اجراء کنند. هر یک از این گروهها وظیفه دارند بیدرنگ از طریق نشانی‌هایی که اعلام میگردد با رهبری سازمان ارتباط برقرار کنند و این ارتباط را با همه امکانات حفظ و تحکیم کنند. رفقا باید اصول برتری کیفیت بر کمیت، رازداری، انضباط سازمانی و تلفیق کار مخفی و علنی را بلقت و بطور کامل رعایت کنند. در گزینش همزمان خویش حداکثر دقت را بکار بندید. برای خنثی کردن تلاشهای دشمن جهت رخنه در صفوف سازمان، کسانی را که انتخاب می‌کنید باید از چگونگی زندگی گذشته و فعالیت کنونی آنها شناخت لازم را بدست آورید. از هرگونه تماس با گروههای دیگر مربوط به سازمان، و بطور اولی بادیگر جریانهای سیاسی خودداری کنید.

رفقا!

فرزندان جنبش کارگری و کمونیستی ایران!

هماره عزم‌تان استوار، رزم‌تان پرتوان، اندیشه‌تان پربار و قلم‌تان پرشور و آتشین باد! هماره همینگونه و باز پرتوان‌تر پرچم رزم کارگران و رنجبران بدست شما آرش- های روزگار ما، بدست شما که جان در پیکان دشمن سوز انقلاب می‌نهد، از خاکستر مرگ و اندوه گلزار شاد زندگی را فرا می‌رویانید و بر آوار کاخ ستم، کاخ سروری و دادگری رنجبران را بپا می‌کنید، افراشته و افراشته‌تر باد!

سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می‌کوبد و پهنای ایران را فرامی‌گیرد، چرا که ما بیدار زندگی از دیوارهای مرگ می‌گذریم و در زرفنای ظلمت بذر آفتاب می‌کاریم و بسوی پیروزی، بسوی آزادی و به‌روزی، بسوی روز نو ر جشن نوروزی پیش می‌رویم.

بر افراشته باد پرچم پیروزمند رزم کارگران و رنجبران
برقرار باد صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
سرفراز باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جهانیان

در باره زندانیان سیاسی ایران

مردم آزاده جهان !

میهن ما ایران روزگار سخت و دشواری را میگذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را پایمال کرده و رژیم ترور و خفقان را به کشور ما تحمیل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه صلح و آزادی و تامین حقوق خویش با سرکوب خونین و فزاینده روبروست.

سازمانهای ترقیخواه ایران، که در راه آزادی و بهروزی مردم ایران پیکار میکنند، آماج پیگرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، بازیرپا گذاشتن همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین ترقیخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است.

دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آرمانهای والای مردم، در زندانها و شکنجه گاهها بسر می‌برند.

زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بی بهره‌اند و هیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمیشود. زندانیان سیاسی ایران حتی آندسته از زندانیان که مدتها پیش محاکمه و به زندان محکوم گشته‌اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دادند. هرآینه ممکن است حتی در نتیجه انتقامجویی مأمورین زندان در برابر جوخه اعدام قرار گیرند.

زندانیان سیاسی در بیدادگاههایی محاکمه میشوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه‌ای جز «اذن حاکم شرع» یعنی همان اقراد قسی القلب و بی فرهنگ و کین‌توزی که از سوی رژیم به سمت قاضی منسوب میشوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حق گزینش وکیل و امکان و فرصت دفاع از خود را ندارند.

در زندانها و شکنجه گاهها، زندانیان را با وسایل و شیوه‌های قرون وسطایی شکنجه جسمی و روانی میکنند. زندانیان را تاحد مرگ تازیانه میزنند. آنها را از دست

و از پایه سقّف شکنجه گاهها آویزان میکنند، استخوانهای آنان را میشکنند، روزهای متوالی به آنها بی خوابی میدهند، وسایل مدرن شکنجه روی آنها آزمایش میشود. زندانیان را به نماشای اعدام هم زنجیران خود میبرند و از آنان میخواهند که حکم را اجرا کنند.

عمال رژیم در زندانها میکوشند زندانیان را با شکنجه و ارباب به تسلیم وادارند و آنان را به اقرار به گناهمانی وادارند که هرگز مرتکب نشده‌اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به مصاحبه‌های تلویزیونی وادار سازد و شخصیت و حیثیت و سوابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.

مردم آزاده جهان!

اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم میهن ما و افشاء سیمای مستبدین حاکم بر ایران بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما، با پاسکزاری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هرچه بیشتر اعتراض و مبارزه احزاب، سازمانها و نهادهای مترقی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقان و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از شما مردم آزاده جهان از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی از کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین المللی دعوت میکند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی گسترش دهند.

گسترده باد همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهر ماه ۶۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

به نام کمیته مرکزی حزب توده ایران دروذهای رزمنده و برادرانه همه اعضا و هواداران حزب توده ایران را بشما رفقای گرامی - اعضاء کمیته مرکزی سازمان برادر فدائیان خلق ایران (اکثریت) که برای تبادل نظر و تصمیم گیری در باره چگونگی ادامه مبارزه سازمان در یکی از بحرانی ترین لحظات تاریخ مین ما جمع آمده اید، تقدیم می داریم و برای جلسه شما آرزوی موفقیت میکنیم.

رفقا!

نزدیک دو سال از یورش آشکار و سرتاسری عمال امپریالیسم و ارتجاع بریکی از استوارترین ذوهای دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و مردمی ایران برحزب طبقه کارگر ایران حزب توده ایران میگردد. این خیانت بزرگ به انقلاب از طرف حکام مرتجع جمهوری اسلامی دامنه اش تنها بر حزب ما محدود نبوده و نیست. آتش این خیانت که هدفش خدست به صاحبان و خادمان سرمایه است، دامن سازمان رزمنده شما و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی کشور را فرا گرفته است. هزاران نفر از فرزندان حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و دموکرات بزیر شکنجه و تعزیر کشیده یا به جوخه های اعدام سپرده شده اند تا بساط خیانت به انقلاب از حضور اغیار مزاحم خالی باشد. بارها صاحبان و خادمان سرمایه و ارتجاع دلخوش از شادی کودکان بیروزی خائنه و عهد شکنانه و لوزانشان را با کرنای تزویر و عوام فروبیی اعلام و سخن از نابودی تام و تمام شما و ما و دیگرانی کردند که انقلاب را یاری دادند و شانه های خود راستون استوار آن قرار دادند.

تاریخ مبارزات آزادیبخش، بویژه مبارزات پویندگان راه طبقه کارگر - پیروان سوسیالیسم علمی - برشادی این کج اندیشان تیره دل که با خون قربانیان بیگناه خود وضو میسازند و شکر بجا میاورند، باطنز و تمسخر می نگرد. برخلاف تصور و رویای خوش

خائنان به منافع مردم و وطن. اراده استوار سازمانهای ما که در کوره رنج و پیکار آبدیده‌اند سرسختی و استواری خود را در زیر ضربات سهمگین مشترک امپریالیسم و ارتجاع حفظ کردند. حزب توده ایران نه تنها منحل نشد بلکه ققنوس وار از خاکستر آتشی که بر جانش افکنده‌اند برخاسته است و دوش بدوش یاران فدائی خود رزمهای نوینی را میاراید.

هنوز چند ماهی از ختم اعلام شده حزب توده ایران از طرف ریاکاران خادم‌سرمایه و دشمنان استقلال و آزادی میهن ما نگذشته بود که تشکیل پلنوم هجدهم حزب ما، اهتزاز نوین پرچم افراشته حزب ما «نامه مردم» - ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران - و دیگر اقدامات سازمانی و مقاومت مردانه رزمندگان توده‌ای چه در زندانها و چه در خارج از زندانهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به رویای خوش منحل کنندگان دژ معتبر مدافع زحمتکشان میهن ما پایان بخشید. نابآوری توده‌های زحمتکش میهن ما به اتهامات دروغین و اعترافات بزور شلاق تعزیر گرفته شده جلادان رژیم جمهوری اسلامی، سستی و بی‌بایگی امیدهای امپریالیسم و ارتجاع را برای منزوی ساختن حزب ما بخوبی نشان داد.

همبستگی و یشتیبانی عظیم جنبش کمونیستی و کارگری جهان و در درجه اول حزب کبیر لنین با حزب طبقه کارگر ایران در دشوارترین لحظات تاریخ پیکار حزب ما علیه‌رم تبلیغات و تحریکات مخالف امپریالیستی و ارتجاعی بیوند ناگسستنی و استوار حزب توده ایران را با خانواده عظیم کمونیستهای جهان بطرز بارزی نمایان ساخت. ما باردیگر در این بازار آشفته و مسموم کننده تبلیغات عوام فریبانه عمال امپریالیسم و ارتجاع و در زیر رگبار اتهامات سیا ساخته با اطمینان تمام اعلام میکنیم که هیچ عامل و نیروئی نمیتواند ما را از جنبش کمونیستی و کارگری جهان این رزمندگان صلح، استقلال، خلقها، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در جهان جدا سازد.

رفقا!

راز دوام و بقای سازمانهای ما در درجه اول ایدئولوژی مردمی، مرفقی، علمی، مارکسیستی - لنینیستی آنهاست. از اینرو بیدایش و بقای آنان برپایه ضرورت و نیاز جدی جامعه ما بوجود سازمان رزمندگان انقلابی آگاه به قوانین رشد جامعه و معتقد و مصمم به انجام تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انقلابی مرفقی نهاده است. سازمان های ما جمعی از توطئه‌گران و جویندگان نام و ثروت و مقام، مانند دیگر سازمانهای فعلی بورژوازی نبوده و نیستند که بآبارانی برویند و بآبادگرمی بخشکنند، نه پادهای گرم، که طوفانها و سیلابهای بنیان کن رایارای خشکاندن و ریشه کن ساختن این ساخته‌های اراده استوار زحمتکشان برای ایجاد تحولات انقلابی در میهن ما نبوده و نیست. بگذار کوردلان تاریخ که خود را چراغدار و تولیت حقیقت مطلق همه قرون و اعصار و همه‌ممال جهان میدانند، چند صباحی سربز بالین رویای شمرین جهانگشائی منطق شلاق و شکنجه و تعزیر خود داشته باشند و جردان‌برونوها، ژان کوس‌ها، ژاندارکها را به آتش بکشند

و گالیله‌ها را به نفی دریافت علمی و جهانشمولشان وادارند که این رویا از ارزش حقیقت والای ایده‌های حرکت مدفمند و روبه تکامل تاریخ چیزی نخواهد کاست. اینجا نه کوردلی است تنها، که عبودیت و بردگی بردرگاه سرمایه است، که کوردلی قرون وسطائی را بخدمت گرفته تا پویندگان بزرگراه تاریخ را از حرکت باز دارد. با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ناقوس مرگ استعمار، زور و ستم، استبداد و استثمار نواخته شده است. دیگر نه کشتی‌های توپدار، نه مدرنترین سلاحهای هسته‌ای، نه فلسفه و ایدئولوژی بظاهر علمی، و عمیقا فریبگرانه کشورهای امپریالیستی، نه اوراد و اذکار و خرافات قرون و وسطائی عوام فریبان و امانده‌را یاری متوقف ساختن تحول و گذار جهانشمول سرمایه‌داری به سوسیالیزم نیست.

رفقا!

جنبش آزادیبخش ملی بخاطر استقلال میهن، آزادی و عدالت اجتماعی از اولین گامهای کارگران و زحمتکشان سوسیال دموکراسی ایران تا حرکات نیرومند و موثر کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی توده‌ای و فدائی راه دشوار و پرنشیب و فرازی را پشت سر گذاشته است. این راه متناسب با نقشه‌ها و توطئه‌های سلطه جویانه و تجاوزکارانه امپریالیسم از طرفی و مدافعان ریاکار غارت سرمایه در درون از طرف دیگر باجه مشکلات عظیم و نبردهای جلی و خونین همراه بوده است. بعین دریکار حال و آینده، ما برسهم عامل ریاو تزویر، جهل و خرافه، تعصب کور و جنایت قرون وسطائی از طرف خادمان سرمایه افزوده شده است. دشواریهای موجود که بیش از همه سوءاستفاد از باور مذهبی مردم است، اعصابی قوی و مسلط بر خود از رزمندگان انقلابی می‌طلبد. دشمنان عدالت واقعی اجتماعی در این باور، طلسم شکسته ناپذیری می‌بینند که سلطه و استبداد آنها را برای همیشه پاسداری خواهد کرد. ما مارکسیستها همواره بد معتقدات مذهبی توده‌های مردم احترام قائل بوده و هستیم ولی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین وظایف ما گرفتن نقاب از چهره مدافعان دروغین خیر و صلح دنیا و آخرت زحمتکشان است که در لباس چنین مدافعه‌ای تداوم اسارت و استثمار را تأمین میکنند. شما خوب میدانید که این کار به ظرافت و دقت فوق العاده‌ای نیازمند است. حکام جمهوری اسلامی باندازه کافی با اعمال خود به دریدن این نقاب کمک میکنند، ما نیز مردم را با تجربه خود آنها باید بیشتر با ماهیت واقعی امور آشنا سازیم و نشان دهیم که پایه‌های واقعی ظلم و ستم و نا برابری در جامعه کجاست و ریشه نابسانیها، فقر و بیماری و عقب ماندگی در چیست.

در این پیکار، نقش سازمان منسجم، یکلست آگاه و رزمنده طبقه کارگر نقش تاریخی و تاریخ ساز است.

کوشش مشترك ما در تحکیم و تقویت زمینه اجرای این نقش در درجه اول و مشخصا تأمین وحدت همه جانبه و استوار سازمانهای ماست. بآنموم هجدهم حزب توده ایران تحکیم رشته‌های همکاری و تأمین زمینه وحدت همه جانبه را با سازمان برادر خواستار

شده است. در این راه گامهای مطمئن و استوار تاکنون برداشته شده است. این پروسه باتوجه درجه اول به محتوا و مضمون این وحدت که همکاری روزبروز، بسط یابنده در عمل بین سازمانهای ماست به پیش می‌رود.

رقفا !

ما خوشبختیم که رفقای فدائی ما با همه دشواریهای موجود موفق به تشکیل پلنوم کمیته مرکزی خود شده‌اند، قدمی که بیشک در رزمندگی سازمان تاثیر مهم و بسزائی خواهد داشت.

تشکیل پلنوم شما بنوبه خود مشت محکمی است بردهان دشمنان انقلاب ایران که فکر میکنند با بستن سنگها و کثودن سگها، چشم و دست حقیقت را در میهن ماکور و قطع کرده و تا ابد خواهند توانست سیاه را بجای سفید، ظلم را بجای عدالت، استبداد را بجای آزادی، جهل و خرافه را بجای علم و دانش تحویل مردم رنجدیده میهن ما بدهند. ما تشکیل پلنوم شما را ادامه گامهای مطمئن و استوار شما در این نبرد دشوار، انسانی و مردمی میدانیم و بار دیگر در پیکار بر حقتان برای شما و همه رفقای فدائی آرزوی موفقیت مینماییم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران